

- سر-مقاله: قیافه زشت نژادپرستی در میدان‌های ورزشی
- مراسم تقدیر از آقای دکتر برال
- لباس و آرایش یهودیان
- از محله درب زنجیر کاشان ... تا مجلس اعیان انگلیس
- یهودیان رومانی
- عبری بیاموزیم

ואהבת לרעך כמוך

هنوعت رامل خودت دوست بدار

شخصت و سومین

سالگرد تاسیس کانون خیر خواه

بیمارستان دکتر سپیر

تاسیس ۱۳۲۱ شمسی

63<sup>rd</sup> Anniversary

**KANOON KHEYR-KHAH**

Iranian Jewish Hospital & Health Centers

**Dr. Sapir Hospital**





آموزش

منتشر شد

# القبای عبری



نویسنده : ژاکلین اوهب

از انتشارات انجمن کلیمیان تهران

# רפ"ש

אפק  
בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری  
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال ششم - شماره ۲۴

دی ۱۳۸۳ شمسی

شواط ۵۷۶۵ عبری

ژانویه ۲۰۰۵ میلادی

مدیر مسئول و سردبیر:

هارون یشایایی

هیئت تحریریه:

دکتر یونس حماسی لاله‌زار - رحمن دلرحیم

سیما مقتدر - آلبرت شادپور - سارا حی

ماهیار کهن‌باش - شرکان انورزاده - لیورا

سعید - بیژن آصف - الهام مؤدب -

مریم حنا سبازاده - امور هماهنگی هیئت

تحریریه: لانا دانیالی

و مسئولان نهادهای انجمن

امور اداری - امور داخلی - امور مالی و

اشتراک - حروفچینی و صفحه‌آرایی:

نسترن جاذب

امور اجرایی: نوید هارون‌شیلی

پشتیبانی رایانه‌ای و اینترنت:

مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران

الهام آبائی

اسکن عکس‌های داخل مجله:

دبیرخانه انجمن کلیمیان - شیوا آقابالا

طراحی جلد: هومان خسروی

عکس‌ها: داوود گوهریان

لیتوگرافی و چاپ: پیام حق

صحافی: نصر

نشانی نشریه: تهران

خیابان شیخ‌هادی

شماره ۳۸۵ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۷۱۶۴۲۹ - نمابر: ۶۷۰۲۵۵۶

نشانی الکترونیکی:

bina@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی:

www.iranjewish.com

♦ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده

بلامانع است.

بینا - ۱۷۶۶ - در عبری به معنای

آگاهی و بصیرت است

● سرمقاله: قیافه زشت نژادپرستی در میدان‌های ورزشی / هارون یشایایی / ۲

● اخبار و رویدادهای کلیمیان ایران / ۲

● نامه سرگشاده انجمن کلیمیان تهران / هارون یشایایی / ۱۳

● مراسم تقدیر از آقای دکتر برال / ۱۴

● گفت‌وگوی ادیان (متن مصاحبه مشترک هارون یشایایی و دکتر یونس حماسی لاله‌زار) / ۱۵

● از محله درب زنجیر کاشان .... تا مجلس اعیان انگلیس / ۱۸

● افسانه سه سلمانی / افرایم کیشون / ۲۰

● یهودیان رومانی / سیما مقتدر / ۲۲

● لباس و آرایش یهودیان / ترجمه: پیمان متین / ۲۴

● گنجینه‌های فرهنگ یهودیان ایران / ۲۷

● نگرش ادیان توحیدی به روزه / ۲۸

● نگاهی به زندگی و آثار خانم الفریده یلی‌نک برنده جایزه ادبی نوبل ۲۹/۲۰۰۴

● عبری بیاموزیم / رحمن دلرحیم / ۳۰

● وعده ناتمام اسرائیل و موسیقی صلح در رام‌الله / دانیل بارن بوم / ۳۲

● بخش کودکان / سارا حی / ۳۳

● معرفی کتاب: داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی / ۳۴

● پیشبرد گفت و گوی تمدن‌ها در گرو ثبات نظر است / آرش آبائی / ۳۶

● اخبار و رویدادهای خارجی / ۳۷

## تقاضای اشتراک نشریه افق بینا

نام / موسسه : .....  
 آدرس دقیق پستی : .....  
 کد پستی : .....  
 تلفن : ..... شماره فیش پرداختی : .....

برای اشتراک ۶ شماره مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال را به حساب جاری شماره ۲۴۸۹ بانک ملی - شعبه ملک (شیخ‌هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران» (قابل پرداخت در تمام شعب بانک ملی) واریز کرده و فیش بانکی را به همراه تقاضای اشتراک به نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ‌هادی شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷ ارسال نمایید.

شرح عکس‌های روی جلد:

شرح عکس بالا: شرکت‌کنندگان در مراسم شصت و سومین سالگرد تاسیس کانون خیرخواه بیمارستان دکتر سپهر

از راست به چپ: دکتر یوسف جواهری (عضو افتخاری هیئت مدیره و مسئول بخش زنان) - دکتر سیامک مره‌صدق (رئیس و مسئول فنی بیمارستان) - دکتر مرتضی جابری (رئیس دفتر خدمات بهداشتی و درمانی وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی) - آقای محمدزاده (مسئول امور اقلیت‌های دینی در وزارت کشور) - حاج آقا مصطفی بلورچی (رئیس هیئت امنای بیمارستان‌های خیریه‌الغدیر و سوم شعبان) - دکتر مهدی نوروزی (نماینده دفتر ریاست جمهوری) - هارون یشایایی (رئیس هیئت مدیره کانون خیرخواه)

شرح عکس پایین: مراسم کلنگ زدن درمانگاه کانون خیرخواه (آذر ماه ۱۳۲۱ شمسی)

ردیف جلو از راست به چپ: استاد عزیز بنا - دکتر ناصر اخترزاد - دکتر رحیم کهن - دانی یعقوب مصابند - عبدالله یوم‌طوب - حاج شعبان شمس - دکتر روح‌الله سپهر - مهندس بزّامن نهورای و دیگر شرکت‌کنندگان.





هارون بیشایبی

## قیافه زشت نژاد پرستی در میدان‌های ورزشی

قلمرو تمدن اسلامی هرگز بستر تفکر نژادپرستانه نبوده است  
نژادپرستی میراث بخش‌های منحط و ارتجاعی تمدن غرب است

است که هیچ نشانه‌ای از قانون اساسی حقوق بشر در آن نمی‌توان یافت. جالب این که در روز مسابقه اسپانیا و انگلیس (۲۲ نوامبر ۲۰۰۴) تماشاچیان بر میله‌های ورزشگاه پارچه نوشته‌ای نصب کرده بودند که روی آن نوشته شده بود، «جلوی مهاجران را بگیرید، تا کی می‌خواهید آنها را، راه دهید...؟ تا کی می‌خواهید به آنها فرصت دهید، تا فرهنگ ما را از بین ببرند، اسپانیا بپاخیز!»

**غول فاشیسم در اروپا یا این که جان آخر را می‌کند و یا می‌خواهد امکان زندگی دوباره پیدا کند**

این نگاه نژادپرستانه در فرانسه، انگلیس، آلمان و بعضی دیگر از کشورهای اروپائی هر روز بیشتر شایع می‌شود. تبعیض و تعصبات نژادی فقط به موضوع سیاه‌پوستان خلاصه نمی‌شود. این روزها تعرض به مسلمانان در کشورهای اروپائی و امریکا شکل سازمان یافته گرفته است.

در هلند به بهانه مبارزه با تروریسم مساجد مسلمانان را به آتش می‌کشند و در فرانسه هجوم بر ضد غیرسفیدپوستان فرانسوی

در آخرین بازی تیم‌های فوتبال اسپانیا و انگلیس در ماه نوامبر ۲۰۰۴ تعصبات بیمارگونه نژادپرستی چهره زشت خود را در ورزشگاه برنابو شهر مادرید پایتخت اسپانیا نشان داد فریادهای نژادپرستانه تماشاگران فوتبال در ورزشگاه برنابو اولین مورد از تظاهرات نژادپرستانه نیست. در اروپا مدتی است تبلیغات نژادپرستانه علیه مسلمانان، سیاهان و یهودیان و رنگین‌پوست‌ها آغاز شده است.

در بازی انگلیس و اسپانیا هرگاه یک بازیکن سیاه‌پوست پا به توپ می‌شد از سوی تماشاگران با الفاظ زشت از قبیل میمون مورد خطاب واقع می‌شد و رکیک‌ترین کلمات در مورد او به کار می‌رفت. از سیاه‌پوستان گذشته غیر سفیدپوستان نیز مورد تعرض بودند، تماشاگران ورزشگاه مادرید حتی بازیکنانی مثل «روبرتو کارلوس» سیاه‌چرده را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دادند.

توجه به این نکته ضروری است که موج نژادپرستی از تبلیغات گروه‌های نئونازی در اروپا سرچشمه می‌گیرد. رفتار اروپائیان با مهاجرانی که به هر دلیل و تحت شرایطی بسیار سخت خود را به اروپا رسانده‌اند چنان غیرانسانی

در آبان ماه امسال فرصتی کوتاه برای مسافرت به اروپا پیش آمد - بدیهی است آدمی از نوع من نسبت به آن چه از لحاظ اجتماعی و سیاسی در اروپا یا هر کجای دنیا می‌گذرد حساسیت بیشتری داشته باشد- حقیقت این است که در شکل‌گیری شخصیت و اندیشه نویسنده از دوران نوجوانی تا امروز موارد یا مسائلی که نشان از تعصبات و تفاوت‌ها و ستم‌های نژادی، ملی، قومی، مذهبی و طایفه‌ای یا طبقاتی قابل درک بوده، بیشتر از سایر مسائل تاثیر داشته است. در این مسافرت در تماس‌های متعدد و ملاقات‌های گوناگون دریافتم که غول فاشیسم در اروپا یا این که جان آخر را می‌کند و یا می‌خواهد امکان زندگی دوباره پیدا کند، ...! البته امید همه مردم شریف دنیا آن است که فاشیسم در اشکال مختلف به پایان راه رسیده و توسط مردم بیدار جهان در گورستان تاریخ دفن شود. اما با خوش‌بینی نمی‌توان وقایعی را که پیرامون انسان می‌گذرد بی‌اهمیت دانست. به قولی کاخ ستم از ابتدا چنین بلند و عظیم نبود، در طی زمان هر کسی بر آن خشتی اضافه کرد. آن چه با خوانندگان عزیز در میان می‌گذارم خشتی از بنای عظیم ستم نژادپرستی است.



مخصوصاً مسلمانان خیلی عادی شده است، که البته یهودیان فرانسه را نیز شامل می‌شود. گروه‌های نئونازی در شهرهای مختلف به کنیساها و قبرستان‌های یهودیان تعرض می‌کنند و گوشه به گوشه نشان صلیب شکسته هیتلری‌ها را ترسیم می‌کنند و تشکیلات ویرانگر از نوع نازی‌ها بوجود می‌آورند. پیداست که متأسفانه در جهان امروز فاشیزم در شکل‌های مختلف خودنمایی می‌کند،

البته نمی‌توانیم باور کنیم که در عصر ارتباطات گسترده، جهانی شدن اطلاعات و توسعه دموکراسی فاشیست‌ها بتوانند دوباره مردم دنیا را فریب دهند و آتش جنگ را شعله‌ور سازند، مردم جهان آگاه‌تر از آن هستند که تسلیم تبلیغات دیوانه‌وار فاشیست‌ها شوند.

اگر امروزه به موضوع تظاهرات نژادپرستانه در استودیوم‌های ورزشی اهمیت داده می‌شود، به خاطر آن است که تاریخ و جهانیان فراموش نکرده‌اند که در جریان مسابقات المپیک ۱۹۳۶ که در برلین برگزار شد، هیتلر حاضر نشد به برنده مسابقه دو صد متر که یک سیاهپوست امریکائی بود دست بدهد و جایزه او را روی میزی که در کنارش بود گذاشت و بیشترین کینه خود را به سیاهپوستان و یهودیان نشان داد. و این یکی از نشانه‌های جنگ جهانی دوم جهانی بود که بروایتی بیش از ۴۰ میلیون نفر در آن کشته شدند.

اگر تماشاگران اسپانیایی تحریک می‌شوند که فوتبالیست‌های سیاه‌پوست را دشنام بگویند و تحقیر کنند، بر این پایه است که مربی تیم اسپانیا «لوئیس آراگونس» بازیکن سرشناس خود «خوزه انتدینوری یس» را در حضور سایر بازیکنان و افراد حاضر در رخت‌کن و قبل از شروع بازی خطاب کرده و می‌گوید

«تو باید با بازی خوب خود ثابت کنی که از آن احمق سیاه‌پوست بهتری» منظور مربی تیم اسپانیا از احمق سیاه‌پوست «تیری هانری» بازیکن سیاه‌پوست فرانسوی است که از قضا با «انتدینوری یس» در تیم آرسنال انگلستان همبازی است.

در گوشه و کنار جهان وقایع دیگری، علائم بروز فاشیست را آشکار می‌سازد. به طور مثال: در رفتار سربازان آمریکایی در عراق نیز نشانه‌های نژادپرستی کاملاً مشهود است، شکنجه‌های اعمال شده در زندان ابوغریب و آن چه در فلوجه و بغداد می‌گذرد گذشته از ماجراجویی‌های

جنگی دیدگاه‌های نژادپرستانه مذهبی، قومی، نژادی سربازان و فرماندهان ارتش آمریکا را منعکس می‌سازد.

**کاخ ستم از ابتدا چنین بلند و عظیم نبود، در طی زمان هر کسی بر آن خشتی اضافه کرد**

نظامیان ارتش اسرائیل در مناطق اشغالی فلسطین با مردم فلسطین به شیوه فاشیست‌های هیتلری رفتار می‌کنند و به اعتراض مردم جهان اعتنا نمی‌کنند.

از طرف دیگر نیز افراطیون فلسطینی با نگاهی کینه‌توزانه غیرنظامیان اسرائیلی را نشانه انفجارهای بی‌رحمانه قرار می‌دهند.

با این همه به نظر می‌رسد اگر مردم جهان اعم از سفید یا سیاه، یا زرد و یا رنگین پوست و ادیان و اقوام گوناگون در مقابل گروه‌های نوحاسته نئونازی و دیگر جریان‌های فاشیستی اقدام کنند و آنها را رسوا نمایند، امکان نخواهد داشت که فاشیزم جان بگیرد و جهان را بار دیگر به ویرانه تبدیل کند. ■

## اخبار و رویدادهای کلیمیان ایران

### مراسم شصت و سومین سال

#### فعالیت موسسات خیریه کانون خیرخواه (بیمارستان دکتر سپیر)

به دعوت هیئت مدیره موسسات خیریه کانون خیرخواه، بیمارستان دکتر سپیر روز پنجشنبه ۱۲ آذر ماه مراسم شصت و سومین سالگرد تاسیس بیمارستان سپیر (کانون خیرخواه) با حضور جمع زیادی از افراد جامعه کلیمیان ایران، از جمله: پزشکان، معتمدین، کارکنان و اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و هیئت مدیره کانون خیرخواه «بیمارستان دکتر سپیر»، در سالن کوروش در مجتمع فرهنگی کلیمیان تشکیل شد. در این جلسه جناب آقای دکتر مرتضی جابری رئیس دفتر خدمات بهداشتی و درمانی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، آقای دکتر مهدی نوروزی نماینده محترم دفتر ریاست جمهوری، حاج آقا مصطفی بلورچی رئیس هیئت امنای بیمارستان‌های خیریه الغدیر و سوم شعبان و جناب آقای محمدرزاه از مسئولین محترم امور اقلیت‌های دینی در وزارت کشور حضور داشتند.

در این جلسه آقای دکتر جابری سخنان خود را با آیاتی از قرآن مجید آغاز نمودند و طی سخنان خود اهمیت خدمات بیمارستان دکتر سپیر را یادآور شدند و از خدمات پزشکان و کارکنان بیمارستان دکتر سپیر و هیئت مدیره بیمارستان قدردانی نمودند.

در جریان مراسم هارون یشایانی رئیس هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر تاریخچه تاسیس و ادامه حیات بیمارستان دکتر سپیر را یادآور شدند و مشکلات کار را توضیح داده و از کمک‌های جامعه کلیمیان ایران در داخل و خارج از کشور تشکر نمودند.

در این مراسم از زحمات آقای دکتر یوسف جواهری رئیس قبلی بیمارستان تشکر شد و به رسم یادبود لوح نوشته قدردانی به ایشان تقدیم گردید. و آقای دکتر سیامک مره‌صدق رئیس و مسئول فنی جدید بیمارستان معرفی شدند.

آقای دکتر مره‌صدق از پزشکان جراح خوشنام و حاذق جامعه کلیمیان ایران هستند و سابقه طولانی خدمت در استان کردستان و شهر سنندج را داشته و مورد احترام جامعه پزشکی ایران و کلیمیان می‌باشند که امیدواریم حضور ایشان در بیمارستان دکتر سپیر موجب ارتقاء موقعیت بیمارستان در میان ایرانیان و جهانیان گردد.

در ادامه مراسم، از پرسنل بیمارستان دکتر سپیر قدردانی شد و اهمیت خدمات خانم فرنگیس حصیدیم در بقای موسسات کانون خیرخواه، «بیمارستان دکتر سپیر» یادآوری گردید. که ایشان مورد تشویق و تأیید حاضران در مراسم قرار گرفتند. در پایان از خدمات دو نفر از قدیمی‌ترین کارکنان بیمارستان خانم ایران برخوردار و آقای خداداد اثنی عشری نیز تقدیر به عمل آمد.

\*\*\*

#### نخستین گردهمایی دست‌اندر کاران مرمت و بهره‌برداری بناهای مذهبی و تاریخی کشور

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در قالب ستاد ویژه بقاع متبرکه و بناهای مذهبی اقدام به برگزاری گردهمایی یک روزه‌ای در تاریخ ۲۰ مهرماه سال جاری در سالن اجلاس سران نمود. با توجه به این که موضوع بناهای مذهبی سراسری بوده و شامل همه ادیان و مذاهب توحیدی می‌شود و بخشی از این اماکن متعلق به کنیسه‌ها و اماکن مقدس کلیمیان است بنا به دعوت سازمان میراث فرهنگی مهندس موریس معتمد، دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار، رحیم آقابالا، حمیده مسجدی، اسکندر میکائیل، نسترن جاذب از طرف انجمن و جامعه کلیمیان ایران در این همایش شرکت کردند.

سید حسین شاهمرادی، ریاست ستاد ویژه بقاع متبرکه و مهندس بهشتی ریاست پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نخستین سخنرانان بودند. مهندس بهشتی ریاست پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در سخنرانی خود راجع به بناهای مربوط به اقلیت‌های مذهبی گفت: کلیسای مسیحیان در ارومیه حتی در موقعی که دین حضرت مسیح (ع) در خارج از ایران به صورت خفا فعالیت داشته و علنی نبوده است در ایران وجود داشته است. بنای کلیسای ارومیه خود مؤید این ادعا می‌باشد که در ایران اقلیت‌های مذهبی حتی در ادوار دور دارای بناهای تاریخی و مذهبی مخصوص به خود بوده‌اند.

بهشتی، ایران را وطن دوم کلیمیان دانست به طوری که تعداد ۱۱ نفر از پیامبران بنی‌اسرائیل در ایران مدفون و دارای مقبره و زیارتگاه می‌باشند.

وی در ادامه به بناهای مذهبی زرتشتیان نیز اشاره کرد. سخنرانی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست مجمع تشخیص مصلحت بخش دیگر مراسم را تشکیل داد.

## همایش دوروزه موعود در ادیان

دانشگاه آزاد اسلامی کرج همایشی در تاریخ ۲۰ و ۲۱ مهرماه سال جاری تحت عنوان «موعود در ادیان» برگزار نمود. در این همایش دکتر یونس حمامی لاله‌زار و مهندس آرش آبائی از طرف انجمن کلیمیان شرکت کردند و دکتر پیرودیان از طرف مسیحیان آشوری، دکتر موبد خورشیدیان از طرف زرتشتیان، آخوند رهبر به نمایندگی از مسلمانان اهل سنت و حجت‌الاسلام رزاقی (نماینده نهاد رهبری) از سوی مسلمانان شیعه در میزگرد پایانی این برنامه حضور یافتند. مهندس آبائی در سخنان خود از طرف کلیمیان به مستندات آیین یهود در حوزه باور به منجی موعود اشاره کرد و ضمن طرح عقاید مختلف اندیشمندان یهودی درباره وضعیت جهان پس از ظهور ماشیح، راهکارهای عملی تقویت امید مومنان ادیان توحیدی به آخرالزمان سعادت‌مندان را برشمرد. وی در پایان همایش که به همت بسیج دانشجویی آن دانشگاه برگزار شده بود، به پرسش‌های تعدادی از دانشجویان در حوزه یهود پاسخ داد.

\*\*\*

## موبدان زرتشتیان ایران در گذشت



جناب حاخام یوسف  
همدانی کهن و رئیس و  
اعضای هیئت مدیره انجمن  
کلیمیان تهران و گروهی از  
کلیمیان تهران در مراسم  
بزرگداشت موبد جهانگیر  
اوشیدری شرکت نمودند.

موبد جهانگیر نوشیروان

اوشیدری، موبد موبدان زرتشتیان ایران در پستین روز هفته، آدینه یکم آبان ماه در سن ۸۴ سالگی به رحمت ایزدی پیوست. موبد جهانگیر اوشیدری یکی از شخصیت‌های برجسته زرتشتی و ایرانی در سال ۱۲۹۹ در شهر کرمان دیده به جهان گشود. دوران دبستان و دبیرستان را در کرمان سپری کرد. سال ۱۳۱۷ بود که وارد دانشکده تازه تاسیس دامپزشکی دانشگاه تهران شد و سه سال بعد به عنوان دکتر دامپزشک فارغ‌التحصیل شد.

در سال ۱۳۲۰ با درجه سربازی وارد نیروی زمینی ارتش شد و با طی درجات مختلف نظامی «سرتیپ» ارتش شد.

سخنران بعدی حجت‌الاسلام نظام‌زاده نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه بود که ضمن اشاره به قدمت بناهای مذهبی در ایران و همچنین بناهای مربوط به اقلیت‌های مذهبی، خواستار حفظ و مرمت و نگهداری بناهای مذکور شد. در ادامه همایش مهندس علی هاشمی (معاون توسعه و تجهیز منابع سازمان میراث فرهنگی و گردشگری)، ریاحی (مدیر کل اوقاف و امور خیریه خراسان)، مهندس امینیان (معاون حفاظت فنی سازمان میراث) و رمضانپور (دبیر اجرایی گردهمایی) سخنانی ایراد نمودند و سپس در ادامه گردهمایی، در بخش تخصصی اساتیدی به ایراد سخنرانی پرداختند. در پایان نماینده سازمان میراث فرهنگی از شرکت نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و هیئت اعزامی انجمن کلیمیان تشکر و قدردانی نمود.

\*\*\*

## هفته گرامیداشت

### همکاری اقلیت‌های دینی و نیروی انتظامی

به مناسبت گرامیداشت هفته نیروی انتظامی، با همکاری انجمن آشوری‌های تهران و حضور فرماندهان نیروی انتظامی برنامه ویژه‌ای در روز چهارشنبه ۱۵ مهرماه در تالار اجتماعات ویلیام دانیال انجمن آشوری‌های تهران برگزار شد. در این برنامه مهندس موریس معتمد (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی) بیانیه‌ای از طرف اقلیت‌های مذهبی قرائت نمود و سپس مراسم بزرگداشت و تجلیل از فرماندهان و کارگذاران نیروی انتظامی به عمل آمد. در این مراسم سبد گلی از طرف انجمن کلیمیان تهران و هیئت اعزامی به فرماندهی نیروی انتظامی تقدیم شد.

\*\*\*

## بازدید دانشجویان دانشگاه مذاهب اسلامی از کنیسای یوسف آباد

به درخواست مسئولین دانشگاه مذاهب اسلامی، برای بازدید از مراسم عید سایه‌بان‌ها (سوکوت) روز دوشنبه ۱۳ مهرماه مسئولین و دانشجویان دانشگاه مذاهب اسلامی از کنیسای یوسف‌آباد و از مراسم نماز و نیایش کلیمیان در روز عید سوکوت بازدید کردند.

در ادامه جلسه پرسش و پاسخ به سئوالات دانشجویان تشکیل شد و دکتر حمامی لاله‌زار به سئوالات دانشجویان پاسخ داد.

\*\*\*



تفاوت بنیادینی که نسل امروز با نسل گذشته دارد، این است که فضای دینی حاکم بر نسل گذشته، بیشتر فضای پاداش و مجازات بوده است، یعنی همانطور که در زندگی اجتماعی، کارکردها، کنش‌ها و واکنش‌ها براساس مجازات، یا حکم و نتیجه حکم بوده، در ادیان نیز این فضا رشد پیدا کرده است.

هر چند پیامبران همواره سعی می‌کرده‌اند معارف دین را به طور اساسی در دل مردم بنشانند و بزرگان دینی هم می‌دانستند که پشت هر حکمی، چه فلسفه‌ای نهفته است، با این حال به اقتضای موقعیت گذشته، احکام دینی بیشتر با گفتمان پاداش و جزا وارد اذهان مردم می‌شد. در جهان امروز، هر چه پیش می‌رویم، این گفتمان کارکرد خود را از دست می‌دهد. در فضای امروز، گفتمان اقتناع بیشتر غلبه دارد، یعنی شخص اگر از لحاظ فکری اقتناع نشود، و برای پرسش‌هایی نظیر این که چرا این کار را انجام می‌دهد و انجام فلان عمل چه حاصل درونی یا برونی‌ای دارد، پاسخ مناسبی پیدا نکند، نظام پاداش و جزا نمی‌تواند تأثیر عمده‌ای بر او بگذارد. بنابراین، وظیفه بزرگان و متولیان دین است که جدای از بایدها و نبایدها، چرایی‌ها و نتایج را نیز بیان کنند.

\*\*\*

### حضور اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم حدیث در کنیسه یوسف آباد

به درخواست معاونت پژوهشی دانشگاه علوم حدیث، روز پنجشنبه هفدهم دی ماه ۱۳۸۳ تعدادی از دانشجویان این دانشگاه به همراه اساتید خود از جمله دکتر مهدی‌زاده جهت دیدن مراسم نماز صبح و آشنایی با فرهنگ و تاریخ یهود در کنیسه یوسف‌آباد تهران حضور یافتند.

در ابتدای جلسه دکتر مهدی‌زاده با تشکر از امکان حضور در کنیسه و برگزاری چنین جلسه‌ای به معرفی مختصر یهودیت پرداخت.

پس از آن، دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار مشاور فرهنگی انجمن کلیمیان تهران به شرح مختصری از تاریخ یهودیت و یهودیان ایران و سپس معرفی کتب مقدس یهود، تلمود، شولحان عاروخ (رساله فقهی یهود) و آیین‌های عبادی از جمله نماز پرداخت.

جلسه با پاسخ‌گویی به سؤالات مختلف حاضران در مورد یهودیت و آیین‌های عبادی آن خاتمه یافت.

\*\*\*

روانشاد موبد اوشیدری پس از بازنشستگی در سال ۱۳۵۰، با درجه سرتیپی وارد حیطه تخصصی دین زرتشتی می‌شود و با آموختن علوم دینی زیر نظر استادانی چون موبدان اردشیر و فیروز آذر گشسب و موبد رستم شهزادی و همچنین آموختن دین دبیره (خط دینی زرتشتیان) و چگونگی اجرای آیین‌های دینی نزد موبد هرمزدیار خورشیدیان سرانجام در سال ۱۳۶۰ از سوی انجمن موبدان نوزوت شده و به درجه موبدی می‌رسد.

آن روانشاد چندین دوره هموند انجمن زرتشتیان بود و پس از درگذشت روانشاد موبد رستم شهزادی به عنوان رئیس انجمن موبدان تا واپسین لحظات زندگی خویش به خدمت در راه دین و فرهنگ زرتشتی مشغول بود.

شادروان موبد جهانگیر اوشیدری یکی از بزرگترین پژوهشگران در مورد تاریخ‌نگاری زرتشتیان بود. کتاب «تاریخ پهلوی و زرتشتیان» وی یکی از با ارزشترین و در حقیقت مرجعی کم‌نظیر در مورد تاریخ زرتشتیان معاصر است. «دانشنامه مزدیسنا» که دایره‌المعارف دین زرتشتی است نیز تالیف ارزشمند دیگری از این موبد برجسته زرتشتی است. آن روانشاد تالیفات بسیار دیگری نیز در زمینه‌های فرهنگی، دینی و تاریخی از خود به یادگار گذاشته است.

روانشاد موبد جهانگیر اوشیدری با آن که درجه تیمساری داشت اما تا واپسین لحظات عمر خویش، خود را سرباز جان برکف ایران و فرهنگ زرتشتی می‌دانست. وی به شدت با بدعت‌گذاری‌های بی‌مورد در دین زرتشتی مخالف بود و همیشه سعی می‌کرد تا موبدان جوان را از نوآوری‌های بیجا و مضر در دین که به اعتقاد وی مغز فرهنگ زرتشتی را دچار انحراف و قلب می‌کرد برحذر دارد.

\*\*\*

### ضیافت قدسی

به دعوت گروه اندیشه روزنامه همشهری، روز ۲۷ مهرماه میزگردی درباره روزه در ادیان در محل دفتر این روزنامه برگزار شد. کشیش دکتر نوریک راتوسی، موبد دکتر اردشیر خورشیدیان، حجت‌الاسلام دکتر محسن الویری (مدیر گروه تاریخ و فرهنگ دانشگاه امام صادق) و مهندس آرش آبائی میهمانان این میزگرد بودند. در آغاز جلسه، فلسفه عبادت در ادیان مورد بحث قرار گرفت و در ادامه به موضوع اصلی یعنی روزه و جزئیات و اهداف آن میان پیروان ادیان توحیدی پرداخته شد و پایان بخش آن، بررسی آسیب‌شناسی عبادت و روزه در جهان معاصر و به ویژه در میان نسل جوان بود. آبائی در بررسی آسیب‌شناسی اظهار داشت:



انشالله این محل تاریخی در آینده نزدیک با حضور مسئولین سازمان میراث فرهنگی و قاطبه کلیمیان تهران افتتاح و مورد بازدید قرار خواهد گرفت.

\*\*\*

## نوسازی سالن اجتماعات بهشتیه تهران آرزوی دیرینه جامعه کلیمیان ایران انجام شد



نمای خارجی سالن بهشتیه بعد از بازسازی

سالن اجتماعات بهشتیه تهران واقع در خیابان خراسان ۶۴ سال پیش ساخته شده بود و در طی این مدت طولانی فرسودگی ساختمان و مشکلات دیگر، این سالن بزرگ را به حالت متروکه و غیرقابل استفاده درآورده بود. اخیراً هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران تصمیم به نوسازی و مرمت سالن بهشتیه گرفت تا این مرکز را به محلی فرهنگی و اجتماعی تبدیل نماید.



نمای داخلی سالن موزه و اجتماعات بهشتیه بعد از بازسازی

کلیه تعمیرات و تجهیزات سالن بهشتیه به انجام رسیده و برای تبدیل آن به یک موزه جامعه کلیمیان ایران و محل اجتماعات اقدامات عملی در حال انجام می‌باشد، بعد از تکمیل نیازهای ساختمانی، انجمن کلیمیان تهران از همکیشان عزیز که در کار جمع‌آوری آثار تاریخی جامعه کلیمیان ایران اطلاع و تخصص

## بازسازی و مرمت کنیسا عزرایعقوب در محله سنتی کلیمیان تهران



مخال، محل نگهداری تومارهای مقدس تورات، کنیسا عزرایعقوب

انجمن کلیمیان تهران در مشورت با میراث فرهنگی تهران اقدام به بازسازی و تکمیل بنای کنیسا عزرایعقوب در مرکز محله سنتی کلیمیان تهران (سرچال) در ناحیه عودلاجان نموده است. این کنیسا که تاریخ بنای آن به حدود دویست سال می‌رسد با سبک خاص معماری کنیساهای شرقی بنا شده و دارای دو سالن کنیسا در طرفین حیاط بزرگ و یک محل ساخت سوکا در ایام موعده سوکا (عید سایانها) و یک تنور مصاپزی کوچک و یک میقوه (محل غسل شرعی) بوده است که متأسفانه بیشتر قسمت‌های آن به صورت مخروبه درآمده بود و بخشی از محوطه کنیسا به وسیله مجاورین تصرف شده بود.



نمای خارجی کنیسا عزرا یعقوب محله کلیمیان تهران، عودلاجان

انجمن کلیمیان ضمن رفع تعرض قانونی از فضای کنیسا اقدام به بازسازی کنیسا نمود و سالن اصلی کنیسا با حفظ آثار قدیمی با هزینه سنگینی تجدید بنا شد و محوطه کنیسا نیز بازسازی شد و مورد استفاده می‌باشد.

بدینوسیله از زحمات همه کسانی که در شهرستان ارومیه با مسئولین انجمن کلیمیان تهران همکاری نموده‌اند قدردانی می‌نمایم.

\*\*\*

### جشن تقدیر از ۵۳۵ نفر دانش‌آموزان ممتاز یهودی تهران «جشن گل و نور و لبخند»

امسال نیز، همچون سال‌های گذشته جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز، به همت انجمن کلیمیان تهران، به شکلی زیبا برگزار شد. جشنی که به معنای واقعی، تمامی والدین دانش‌آموزان منتظر آن هستند. جشنی که در تمام طول سال تحصیلی، با کودکانمان راجع به آن صحبت می‌کنیم و آنان را بیشتر تشویق به درس خواندن می‌کنیم تا بتوانند روی سن تالار مجبان، با افتخار و شادی ظاهر شوند.

در این جشن که در تاریخ‌های نهم و دهم و یازدهم آذر ماه سال ۱۳۸۳، در ۳ شب متوالی اجرا شد، به ۵۳۵ نفر از دانش‌آموزان در مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان جوایزی اهدا شد.

جشن با سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و سپس با سخنرانی آقای یشایایی، ریاست محترم انجمن کلیمیان، که به اولین گروه دانش‌آموزان جوایز اهدا کردند، ادامه یافت.

مدیریت و مسئولیت و هماهنگی امور اجرایی جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز امسال به عهده نسترن جاذب و نوید هارون‌شیلی بود.

برنامه رأس ساعت مقرر شروع شد و این، برای جماعتی که عادت دارند، برنامه‌ها را حداقل با کمی تأخیر ببینند، بسیار جالب توجه بود.

\*\*\*

### سری به کتابخانه مرکزی کلیمیان ایران بزنیم

نام‌نویسی دانش‌آموزان ممتاز مدارس کلیمی تهران در سال ۸۳ به مدت چهار هفته در سالن مطالعه کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران انجام شد که این برنامه موقعیت مناسبی نیز برای آشنایی همکیشان عزیز با کتابخانه بود.

بسیاری از دانش‌آموزان و والدین آنها برای اولین بار به این مجتمع فرهنگی مراجعه می‌کردند که از وجود چنین کتابخانه‌ای بی‌خبر بودند و خوشبختانه حدود ۳۰ نفر از آنها به عضویت کتابخانه درآمدند.

هم‌اکنون تعداد کتاب‌های ثبت شده بیشتر از ۱۵ هزار جلد است که توجه اصلی در کتابخانه به جمع‌آوری منابع دینی و



سردابه زیرین در سالن بهشتیه که در جریان بازسازی بهشتیه پیدا شده و در نظر است برای محل موزه سنگ قبرهای قدیمی کلیمیان مورد استفاده قرار گیرد.

دارند، برای راه‌اندازی موزه و سالن اجتماعات بهشتیه دعوت به عمل خواهد آورد. انجمن کلیمیان تهران وظیفه خود می‌داند از آقای مهندس مجید محمودی و گروه کارکنان و متخصصینی که در بازسازی سالن و تجدید بنای گلخانه زحمات فراوان کشیده‌اند قدردانی نماید.

\*\*\*

### بازسازی کنیسه‌های شهرستان ارومیه و دیوارکشی گورستان کلیمیان ارومیه

با قدردانی از همکاری مسئولین دولتی و شهرداری ارومیه، اخیراً به همت خانواده محترم طیبی مخصوصاً آقای دکتر طیبی و با کمک اداره میراث فرهنگی شهرستان ارومیه و با حضور رئیس هیئت مدیره انجمن و زحمات فراوان آقای پرویز آهوبیم عضو هیئت مدیره و کمیته املاک انجمن کلیمیان تهران بازسازی کنیسه قدیمی ارومیه و دیوارکشی گورستان کلیمیان ارومیه در جهودلرداغی (تپه یهودی‌ها) آغاز شده و به اتمام رسیده است.

در مورد کنیسه ارومیه که به موجب سنگ نوشته تاریخی حدود ۲۶۰ سال از بنای آن می‌گذرد مسئولین محترم میراث فرهنگی ارومیه همکاری مؤثر و قابل تحسینی نموده‌اند که از توجه و زحمات آنها قدردانی شده و امیدواریم کنیسه یهودیان ارومیه که بسیار زیبا ساخته شده به زودی افتتاح گردد.

در کار دیوارکشی گورستان نیز با این که عده‌ای بخشی از زمین‌های موجود در آن را تصرف عدوانی نموده بودند با کمک دادگاه‌های محترم محلی و شهرداری ارومیه و نیروهای انتظامی از گورستان رفع تعرض شده و دیوارکشی آن تکمیل گردید و گورستان از تعرض مصون ماند.

مجلس شورای اسلامی به ایراد سخنرانی در مورد مسائل روز جامعه کلیمی و نیز جایگاه دانشجو و نقش آن در جامعه پرداختند.

جشن افتخارآفرینان ۸۳ به دلیل میزان نسبتاً بالای سطح کمی و کیفی قبولی داوطلبان کلیمی در کنکور ۸۳ و همچنین کیفیت مناسب برگزاری، برنامه از جمله بهترین برنامه‌های برگزار شده، در چند سال اخیر، در نوع خود بود. ضمناً در این برنامه از پنج نفر از قبول‌شدگان ممتاز در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، با مساعدت هیئت مدیره انجمن کلیمیان، تقدیر ویژه‌ای به عمل آمد.

همچنین شماره ۹ پرواز، نشریه داخلی سازمان دانشجویان یهود ایران، که به عنوان ویژه‌نامه افتخارآفرینان منتشر شده است، در این شب توزیع گردید.

در پایان از کلیه افرادی که مسئولین این برنامه را جهت برگزاری هر چه بهتر آن یاری رساندند، علی‌الخصوص ریاست هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، هارون یشایایی، خزانه‌دار انجمن کلیمیان تهران، اسکندر میکائیل، مسئولین کمیته جوانان، فریدون طوبی و کاوه دانیالی و مدیر داخلی انجمن کلیمیان تهران جلال یاشار کمال تشکر را داریم.

همچنین در راستای اجرا و پیگیری هر چه بهتر از امور مربوط به این برنامه کمیته‌های انتظامات، دکور، تبلیغات، ثبت‌نام، تدارکات و جوایز تشکیل گردید و با مشخص نمودن شرح وظایف هر کمیته، مسئولین کمیته‌ها فعالیت خود را آغاز نمودند. لازم به ذکر است که مسئولیت کمیته‌های تبلیغات، تدارکات و انتظامات به گروه شورای اجرایی واگذار گردید.

\*\*\*

### کنیسا : عبادتگاه یهودیان

موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد مهندس رافائل صدیق پور



دانشکده معماری و شهرسازی  
پایان نامه کارشناسی ارشد معماری  
پیشانی نوم ۱۳۸۲-۸۳  
موضوع :  
کنیسا عبادتگاه کلیمیان  
طرح کنیسا، مرکزی اصفهان

روز یکشنبه ۱۳۸۳/۱۰/۱۳ مهندس رافائل صدیق پور در جلسه‌ای با حضور اساتید راهنما و سایر استادان دانشگاه شهید بهشتی «دانشکده معماری و شهرسازی» و عده‌ای از معتمدین

فرهنگی یهود می‌باشد و در ضمن سعی می‌شود کتاب‌هایی که شامل موضوعات: تحقیق درسی، داستان و رمان، شرح‌حال نویسندگان، شاعران، کتاب‌های پزشکی جدید، تاریخ و جغرافیای ایران و جهان، ادیان، منابع طبیعی و کتاب‌های ورزشی که مورد استفاده مراجعه‌کنندگان بیشتری است فراهم گردد.

شرایط عضویت در کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران: دو قطعه عکس، یک برگ فتوکپی شناسنامه و حق عضویت سالانه پانصد تومان است.

\*\*\*

### جشن افتخارآفرینان دانشجو در سال ۸۳

سازمان دانشجویان یهود ایران امسال نیز همانند سال‌های گذشته برنامه‌ای را جهت تقدیر از پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی تحت عنوان «جشن افتخارآفرینان ۸۳» در تاریخ بیست و سوم آذرماه برگزار نمود.

جهت برگزاری هر چه بهتر این برنامه هیأت مدیره سازمان دانشجویان فعالیت خود را از اواخر شهریور ماه با دادن اعلامیه‌هایی در کنیساها جهت ثبت‌نام پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها آغاز نمود.

برابر اسامی واصل شده به سازمان دانشجویان یهود ایران در کنکور سراسری سال ۸۳ بیش از صد نفر از داوطلبان همکیش موفق به ورود به دانشگاه‌های مختلف شده‌اند که در مقایسه با سال‌های اخیر آمار جالب و قابل تحسینی است. از جمله پنج نفر به شرح ذیل به عنوان نترات برتر کنکور انتخاب شدند.

#### مقطع کارشناسی ارشد:

- ۱- یوشا رادپرور : نفر پنجم کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری، در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف.
- ۲- مرجان کهنیم : در رشته مهندسی پزشکی دانشگاه امیرکبیر.

#### مقطع کارشناسی :

- ۱- نیما تیشبی : نفر دوم کنکور دانشگاه آزاد، و در رشته ریاضی نفر ۸۳ کنکور سراسری.
- ۲- شیما فامینی : نفر سوم دانشگاه آزاد رشته تجربی، نفر ۵۸۳ دانشگاه سراسری داروسازی دانشگاه تهران.
- ۳- مهید سیان‌پناه : نفر ۵۷ کنکور سراسری در رشته پزشکی دانشگاه تهران.

در مراسم جشن افتخارآفرینان، هارون یشایایی، رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و موریس معتمد نماینده کلیمیان در



فاخری، پروین عمرانی، ابراهیم یشاریم، منصور کلیمی  
شمونیلان.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران با سپاس از اولیای محترم  
که قبول مسئولیت نموده‌اند، امیدوار است در همکاری با مدیران  
مدارس و مسئولین وزارت آموزش و پرورش، مدارس کلیمیان  
تهران هر روز از شرایط بهتری برخوردار شوند و دانش‌آموزان  
بتوانند مدارج عالی تحصیلی را در پناه خانواده‌های خود  
بگذرانند.

\*\*\*

### روز دانش آموز

#### در دبستان موسی بن عمران

به مناسبت بزرگداشت روز دانش‌آموز، مراسمی در دبستان  
موسی بن عمران با حضور آقای یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان  
تهران، انجام شد.

این مراسم با سخنرانی آقای یشایایی برای دانش‌آموزان آغاز  
شد. در ادامه، مدیر دبستان، خانم رحمانی برای دانش‌آموزان  
سخنرانی ایراد فرمودند و دانش‌آموزان به اجرای برنامه پرداختند  
و در خاتمه به عنوان یادبود به دانش‌آموزان هدایایی اهداء شد.

\*\*\*

### کلاس آموزش قرائت تورات انجمن کلیمیان

تعدادی از دانش‌آموزان کلاس‌های سوم ابتدایی تا سوم  
راهنمایی مدرسه روحی‌شاد در کلاس‌های آموزش قرائت تورات  
بدون نقطه و اعراب و بررسی پاراشاهای هفته برای تربیت  
پیش‌نماز جهت کنیسه‌های تهران به سرپرستی رحمن دلرحیم به  
شرح ذیل شرکت نمودند.

کنیسه‌ی باغ‌صبا: یوسف نتن ال، اسحق اورئیل همدانی‌کهن،  
ایمان‌نول طوطیان، شلموه ستاره‌شناس، شاهین سلیمانی، مایکل  
ریحانیان.

کنیسه‌ی پل‌چوبی: فواد رفیع، آرش پورفهمی، اشکان پسر  
کهن، یوسف صفا، رادنی خاکشورزاده، یوهان لایوان، سامان  
هرونیان.

کنیسه‌ی دروازه دولت: رایان لیمودیم، پدram تیشبی، پدram  
مرادیان.

کنیسه‌ی گرگان: سالار و سهیل داوودپور.

کنیسه‌ی سزاوار: سیاوش طبری.

زحمات و همکاری مسئولین مدرسه آقایان ابراهیم ایوبی و  
منصور پورمحمدی نیز قابل تقدیر است.

\*\*\*

جامعه کلیمی تهران و اصفهان از پایان‌نامه کارشناسی ارشد  
معماری خود تحت عنوان «کنیسا: عبادتگاه کلیمیان، طرح  
کنیسه‌ی مرکزی اصفهان» در سالن اجتماعات دانشکده معماری  
و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی دفاع کرد.

صدیق‌پور در این جلسه با طرح معماری خاص کنیسه‌های  
کلیمیان بر محوریت وحدت الهی و توجه به حضور جامعه  
کلیمیان حول این محور در مورد معماری چندین کنیسا در  
اصفهان و سایر شهرهای ایران توضیح کامل دادند که مورد توجه  
اساتید حاضر در جلسه و سایر حضار قرار گرفت.

در پایان جلسه هارون یشایایی، رئیس هیئت مدیره انجمن  
کلیمیان تهران از زحمات رافائل صدیق‌پور و استادان راهنما و  
سایر استادان و حضاران تشکر و قدردانی نمود.

نشریه بینا در آینده دیدگاه‌های رافائل صدیق‌پور را در مورد  
ماهیت و معماری کنیسه‌های کلیمیان منتشر خواهد کرد.

\*\*\*

### انتخابات انجمن‌های اولیاء و مربیان

#### مدارس اختصاصی کلیمیان تهران

بنابر سنت جاری و قوانین آموزش و پرورش، انتخابات  
انجمن‌های اولیاء و مربیان مدارس اختصاصی کلیمیان تهران با  
حضور مدیران مدارس و مسئولین در مهرماه سال جاری انجام  
شد و از میان داوطلبان خانم‌ها و آقایان به شرح ذیل به عنوان  
اعضای انجمن‌های اولیاء و مربیان انتخاب شدند.

#### دبیرستان موسی بن عمران

شهناز گلباری، فریده مسیح‌اسرائیلیان، گیتی طلاساژان  
(بروخیم)، یحیی تابان، آنژل یروشلمی (دانیالی)، لوتیز حبرونی  
(یومطوبیان)، ویدا زرین‌راد (یومطوبیان).

#### دبستان موسی بن عمران

نجات‌الله کدخدا، شرگان احدوت، کامبیز سعیدیان، افسانه  
الیاس‌زاده، فروغ بنائیان، ژرژ رحمانی، رویا لاهیجانی‌ها،

#### مجتمع اتفاق

لیزا مسعودی‌پناه، مهناز کهن‌باش، منیژه گلیان، بهناز سیمانیان،  
میترا گرامی، فرید سیمانیان، نجات کدخدا.

#### مجتمع روحی‌شاد

موسی تیش‌بی، پروین عمرانی، مهناز پورابراهیم، روبرت  
لیمودیم، ثریا سلیمی.

#### مجتمع فخردانش

فریبا کاهن، منوچهر یروشالمی، مهرداد پویسافرید، فریبا

در پایان از تمامی خانواده‌ها دعوت می‌نمایم تا در جلسات سخنرانی روانشناسی و اجتماعی این کمیته حضور فعال داشته باشند.

\*\*\*

### مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران

همانند سال‌های گذشته مرکز آموزش موسیقی به فعالیت‌های خویش ادامه داده است. در سال ۱۳۸۳ با همکاری اسانید محترم آقایان: شاه‌کرمی (گیتار)، خاورنژاد (ویولن)، کاشانی (ستور، سه‌تار، آواز)، لاله‌زار (ارگ و پیانو)، سیمونی (ارگ و پیانو)، طیار (دف) شاهرخ شاهی (تمبک) توانست تعداد هنرجویان این مرکز را به بیش از ۶۰ تن برساند. در ضمن کتابخانه تخصصی موسیقی مرکز آموزش موسیقی نیز آماده ارائه خدمات به علاقمندان می‌باشد. فعالیت منظم و مستمر مرکز آموزش موسیقی ابتدا مرهون حمایت انجمن کلیمیان تهران و سپس سعی و تلاش فراوان پرویز گرامی و نغمه عاقل می‌باشد.

از همکاری صمیمانه شارلوت گیدانیا به عنوان منشی مرکز آموزش موسیقی نیز سپاسگزاریم. در خاتمه باستحضار علاقمندان می‌رسانیم که مرکز آموزش موسیقی برای آموزش «تنبور» نیز هنرجو می‌پذیرد.

\*\*\*

### با جوانان در خانه جوانان یهود تهران

خانه جوانان یهود، در نیمه دوم سال جاری شاهد روی کار آمدن هیئت مدیره دوره شانزدهم بوده است که در انتخاباتی که در تاریخ ۸۳/۸/۲ انجام شد با حضور بیش از ۱۰۰ نفر که از میان آنها ۹۵ نفر حق رأی داشتند افراد ذیل از میان ۱۱ کاندیدای دیگر به عنوان هیئت مدیره انتخاب شدند:

بهادر میکائیل، نوید هارون‌شیلی، لئا دانیالی، ناتان نامدار، شهرام پورستاره، آنا جبرئیل، سهیل نیسانی، فرشاد مارچینی، ادموند معلمی.

ناظران این دوره آقایان رامی دلرحیم، بهنام ریحانیان و شهرام فروزان‌فر بودند. همچنین در این مراسم آقایان مهندس موریس معتمد، پرویز گرامی، فریدون طوبی و کاوه دانیالی حضور داشتند.

از فعالیت‌های دوره شانزدهم هیئت مدیره خانه جوانان در برنامه‌های عمومی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: پنجشنبه ۲۸ آبان ماه: برنامه مسابقه در مسابقه.

## گزارش فعالیت سازمان‌های جوانان

### کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران

مسابقات رسمی بین جوانان کلیمی تهران در رشته‌های تنیس روی میز در محل خانه جوانان و مسابقات شطرنج در محل ساختمان سرابندی برگزار شد. زمان اجرای این مسابقات ۲۳، ۲۴، ۲۹ و ۳۰ مهرماه ۱۳۸۳ بود و به برندگان این مسابقات در برنامه‌ای که در ۱۲ دی ماه در کنسای یوسف‌آباد برگزار و جوایز نفیسی اهدا شد، که اسامی نفرات برتر این مسابقات به شرح زیر می‌باشند:

- مسابقات تنیس روی میز به ترتیب مقام: در رده جوانان، آقایان: هوشنگ نفیس‌پور، رابین اسحاقی، شهروز حوری‌زاده، فرشاد شیرازیان.
- رده نوجوانان، آقایان: ماهان دانیالی، کامبیز بروخیم و آقای رامون مولانور.
- گروه بانوان، خانم‌ها: اقدس دانیالی، افسانه دانیالی.
- مسابقات شطرنج، آقایان: رایان فروزان‌فر، فردین فنوشی، شهاب شهامی‌فر.
- مسئولین این برنامه خانم مهناز مرغزار و آقای شهاب‌شهامی‌فر بودند.

در تاریخ ۲۹ آبان ماه: بازدید بیش از ۳۰ نفر از اعضای کمیته جوانان و سایر سازمان‌های جوانان از بیمارستان دکتر سپهر. ۷ آذر ماه: جشن شاد مخصوص جوانان در محل مجتمع کوروش برگزار شد.

۱۴ آذرماه: سخنرانی مریم حناسازاده در زمینه مواد اعتیادآور و مصرف قرص‌های اکستازی در محل کنسای ابریشمی. ۱۲ دی ماه: سخنرانی مریم حناسازاده در زمینه قاطعیت و اعتماد به نفس در کنسای یوسف‌آباد و معرفی کتاب‌های مفید در این زمینه در کتابخانه انجمن کلیمیان تهران. لازم به ذکر است عهده‌دار مسئولیت برنامه‌های سخنرانی، خانم الهام مؤدب می‌باشد که از همکاری ایشان و همچنین سازمان بانوان کلیمی تهران نهایت تشکر را داریم.

#### از برنامه‌های آتی این کمیته:

- ادامه سخنرانی‌های روانشناسی توسط کارشناسان مجرب در زمینه‌های مختلف.
- اطلاع‌رسانی در زمینه مواد اعتیادآور.
- گسترش فعالیت‌های ورزشی شامل: برگزاری سری جدید مسابقات پینگ‌پنگ، شطرنج، فوتبال و برگزاری ورزش صبحگاهی.

## کمک‌های مردمی

### ستاد خیریه کوروش

ستاد خیریه کوروش با همکاری انجمن کلیمیان تهران امسال هم طبق روال سال‌های گذشته، کمک‌های مردمی خود را مابین ۳۵۰ خانوار کلیمیان تهران و بعضی از شهرستان‌ها جهت روش‌هشانا و کیپور سال ۵۷۶۴ توزیع کرد. این مواد غذایی شامل: گوشت، برنج، روغن، قند و کلیه میوه‌جات بود که در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱۵ توزیع گردید. این کار توسط آقایان: یعقوب یعقوب‌زاده، رحمت‌الله شبتای و اسکندر میکائیل انجام گرفت.

\*\*\*

### تشکر از آقای پیمان عبیری

بدینوسیله از همکاری آقای پیمان عبیری با سرای سالمندان یهودی ایران و همه کسانی که در امور اجتماعی مشارکت و همکاری می‌نمایند قدردانی و تشکر می‌نمائیم. امیدواریم خداوند همه ما را در خدمت به مردم و انجام امور خیر موفق و توانا نماید.

سرای سالمندان یهود ایران

### تسلیت

#### آقای اسکندر میکائیل و فامیل وابسته

درگذشت مادر بزرگوارتان، سرکار خانم نصرت میکائیل را به حضرتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحومه آموزش طلب می‌کنیم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران  
بازرسان و پرسنل انجمن کلیمیان تهران  
کمیته فرهنگی و نشریه بینا  
سازمان‌های جوانان و نهادهای وابسته

### تسلیت

#### آقای دکتر یونس حمامی لاله‌زار و فامیل وابسته

هیئت مدیره انجمن کلیمیان و بازرسان و پرسنل انجمن و سازمان‌های جوانان، کمیته فرهنگی، نشریه بینا مصیبت وارده درگذشت پدر محترمتان، آقای موسی حمامی لاله‌زار را به شما و فامیل محترم وابسته تسلیت عرض نموده و همگی خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

### تسلیت

#### سرکار خانم فراتک عراقی

درگذشت پدر محترمتان، را به حضرتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آموزش طلب می‌کنیم.  
هیئت مدیره و پرسنل انجمن کلیمیان تهران

### تسلیت

#### آقای فریدون طویی

درگذشت پدر محترمتان، را به حضرتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آموزش طلب می‌کنیم.

هیئت مدیره و پرسنل انجمن کلیمیان تهران  
کمیته جوانان و نهادهای وابسته

پنجشنبه ۵ آذر ماه: گردهمایی سالیانه اعضای خانه جوانان.  
پنجشنبه ۱۲ آذرماه: رستال گیتار.  
چهارشنبه ۱۸ آذرماه: پیک نیک در باغ‌های اطراف تهران.  
پنجشنبه ۱۹ آذرماه: مشاعره.  
پنجشنبه ۲۶ آذرماه: گردش دسته‌جمعی.  
شنبه ۲۸ آذرماه: پخش فیلم‌های بوتیک و دختری در قفس در تالار مجبان.  
شنبه ۵ دی ماه: جشن سالگرد خانه جوانان در تالار مجبان.  
پنجشنبه ۱۰ دی ماه: نشستی با نمایندگان ایران در کنفرانس اروگوئه. (خانم نغمه عاقل)  
پنجشنبه ۱۷ و شنبه ۱۹ دی ماه: کنسرت گروه دسپینا در تالار مجبان.

\*\*\*

## گزارش فعالیت

### سازمان جوانان یهود گیشا

سازمان جوانان یهود گیشا روز شنبه ۱۳۸۳/۹/۲۱ جشنی به مناسبت خونکا در محل سازمان برگزار نمود. این جشن که شامل برنامه‌های دکلمه نمایشی، مسابقه و تئاتر (توفیق اجباری) بود و با استقبال بسیار خوب همکیشان عزیز روپرو شد.  
همچنین در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۰ نیز مسابقه هفت بر یک در محل سازمان اجرا شد. نمایشگاه سالیانه هنرهای دستی همکیشان گرامی نیز در اسفندماه برگزار خواهد شد. از تمام علاقمندان دعوت می‌کنیم تا در برگزاری بهتر این نمایشگاه با سازمان گیشا همکاری نمایند.

\*\*\*

## برگزاری شب شعر و موسیقی

### کانون فرهنگی - هنری و اجتماعی کلیمیان تهران

روز دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۸۳ کانون فرهنگی - هنری و اجتماعی کلیمیان تهران اقدام به برگزاری شب شعر و موسیقی نمود.

در این برنامه شعرانی چون آقایان سعیدیان، پدرام، زدوار و قادری اشعاری از سروده‌های خود را قرائت نمود. سپس آقای مهندس جهانگیر الیاسیان قطعاتی از اشعار حافظ را دکلمه نمود. در این برنامه آقای پدرام یاشارل نوازنده تار به همراه تنبک آقای ساسان‌نژاد قطعاتی را اجرا نمودند.

بعد از پذیرایی از مدعوین آقای دکتر صادق‌ان دقایقی درخصوص بهداشت دهان و دندان سخنرانی نمودند.



در برنامه‌های صدا و سیما بارها روحانیت یهود و مقدسات توحیدی یهودیان بی‌محابا مورد تخطئه، توهین، تحقیر و سوء استفاده قرار می‌گیرد و متأسفانه به اعتراض جامعه کلیمیان کوچکترین توجهی نمی‌شود. ما به پخش سریال «دسیسه» از سیمای جمهوری اسلامی ایران اعتراض می‌نمائیم.

## نامه سرگشاده انجمن کلیمیان تهران

به: رئیس محترم سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران - جناب آقای ضرغامی

با سلام و احترام،

چون مراجعات مکرر مسئولین جامعه کلیمی ایران به مدیران صدا و سیما و شخص حضرتعالی برای جلوگیری از توهین و تحقیر مستمر و پایان ناپذیر به شخصیت‌ها و مقدسات دینی یهودیان و نمایش صحنه‌های سراسر دروغ و تحریک‌آمیز از سیمای جمهوری اسلامی ایران تاکنون بی‌نتیجه مانده است، اینک این نامه را خطاب به حضرتعالی و برای آگاهی ملت بزرگوار ایران تقدیم و منتشر می‌نمائیم.

برکسی پوشیده نیست که جامعه کلیمیان ایران در تاریخ دیرپای زندگی مشترک با هموطنان خود هرگز اقدامی خلاف منافع و خواسته‌های مردم و کشور ایران انجام نداده و توطئه‌های گوناگون از همه طرف و هجوم بی‌امان تبلیغاتی بلندگوهای امپریالیستی- صهیونیستی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای ایجاد و نشان دادن جو ناسازگاری و عدم اعتماد بین جامعه کوچک کلیمیان ایران و نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران همواره ناکام مانده است. این مهم امکان‌پذیر نبود مگر در بستر فرهنگ غنی و نجیبانه ایرانیان و پایداری و صداقت جامعه کلیمی ایران و سعه صدر روحانیون مسلمان شیعه که در این کلام امام راحل خلاصه می‌شود «ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم آنها (صهیونیست‌ها) اهل دین نیستند».

اما گوئی برنامه سازان صدا و سیما در جزیره‌ای دور افتاده و جدای از فرهنگ اسلامی - ایرانی متولد شده و به کار خود مشغولند. یادآور می‌شویم که در برنامه‌های صدا و سیما بارها روحانیت یهود و مقدسات توحیدی یهودیان بی‌محابا مورد تخطئه، توهین، تحقیر و سوء استفاده قرار می‌گیرد و متأسفانه به اعتراض جامعه کلیمیان

کوچکترین توجهی نمی‌شود، در سریال‌های رادیو، تلویزیونی هر شخص منفور و بی‌ارزشی در لهجه و لباس یهودیان نمایش داده می‌شود و در مقابل با اینکه نظرات ضد صهیونیستی شخصیت‌های جهانی چون انیشتن، چامسکی، شاهاک و دیگران بارها از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش می‌شود حتی یک‌بار به یهودی بودن آنها اشاره نشده است و به نظر می‌رسد برنامه سازان صدا و سیما زیر نقاب مبارزات ضد صهیونیستی آتش‌بار معرکه تبلیغات نژادپرستانه شده و در عمل آنچه را که

وامانده‌ترین باندهای صهیونیستی در آرزوی آن هستند انجام می‌دهند. شگفت‌انگیز است که چگونه می‌توان تظاهرات ضدصهیونیستی روحانیون یهودی و محکومیت کشتار فلسطینیان را از طرف آنها مکرر از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش کرد و در عین حال روحانیت یهودی و مظاهر آن را به توهین و مسخره گرفت.

دریغا که امسال در ماه مبارک رمضان سریال غیر ایرانی «دسیسه» با گفتار و نمایشی سراپا دروغ نه فقط اقدامات غیر انسانی و وحشیانه را در لباس روحانیت یهودی نشان داده است، بلکه قصه دروغین و فتنه‌انگیز «خون در فطیر» را در قالبی فجیع و چندش‌آور به نمایش گذاشته تا بینندگان خود را به هیجان آورد و امنیت جاری در کشور ما را که بزرگترین دست‌آورد انقلاب اسلامی است خدشه‌دار نموده و جامعه یهودی ایران را متزلزل و ناامید سازد.

در صحنه‌ای مبتذل خون کودک مسیحی را کودک یهودی می‌خورد و اجرای این عمل بوسیله روحانی یهودی انجام می‌گردد و این در حالی است که «خون در فقه یهود از نجاسات حتمی است». پرسیدنی است که نمایش چنین صحنه‌هایی به جز ایجاد نفرت بین پیروان ادیان توحیدی و نامساعد

کردن شرایط کنونی بیش از آنچه هست چه حاصلی دارد...؟ مسئولین سیمای جمهوری اسلامی ایران با نمایش چنین صحنه‌هایی چه نتیجه‌ای به دست خواهند آورد...؟ مگر ویرانه‌های اردوگاه‌های فلسطینی و فجایی که بوسیله نظامیان ارتش اسرائیل انجام می‌گیرد برای نشان دادن خشونت‌ها در منطقه جاری است کافی نیست؟ چرا باید با نمایش صحنه‌های دروغین «خون در فطیر» مبارزات مردم فلسطین را کمرنگ و انتقام جوانانه تصویر کرد.

واقعا فرهنگ بعضی برنامه‌سازان تلویزیون از کجا تغذیه می‌کند که بازی‌ها و ظلم و ستم‌های سیاسی عصر ما را به فراموشی می‌سپارد و آگاهی پیامبرگونه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفته و کار را یکسره بر تصورات واهی، تخطئه و فحاشی به مقدسات یهودیان خلاصه می‌کند.

### جناب آقای ضرغامی

ما از سنگر ایرانی بودن و دفاع از فرهنگ و تمدن ایرانی، اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی و اعتقاد به یهودیت پاک نبوی این شیوه برخورد با مقدسات یهودیان را محکوم می‌کنیم. ما به پخش سریال «دسیسه» از سیمای جمهوری اسلامی ایران اعتراض می‌نمائیم و آن را در راستای هدف‌های نژاد پرستانه می‌دانیم و از شما می‌خواهیم از پخش مجدد آن جلوگیری فرمائید و به برنامه‌سازان صدا و سیما توصیه فرمائید حرمت اعتقادات دینی و روحانیت یهودی را رعایت نمایند.

با تقدیم احترام  
رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران  
هارون یشایانی  
۱۳۸۲/۹/۲

## مراسم تقدیر

### از آقای دکتر ابراهیم برال



آن را به عهده داشته‌اند که امیدواریم نسل جوان پزشکان یهودی ایران ادامه‌دهنده راه ایشان باشند و از تجارب ایشان در سازماندهی پزشکان یهودی حداکثر استفاده را بنمایند.

این شرح مختصری از سال‌شمار زندگی آقای دکتر برال است:

- دی ماه ۱۲۹۹ تولد در تهران.

- ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۸ انجام

تحصیلات ابتدایی تا پایان

تحصیلات دانشگاهی در رشته

پزشکی عمومی در تهران.

- ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۸ شروع فعالیت

علمی از دستیاری تا ریاست

بیمارستان سینا، انجام اولین

آزمایشات هورمونی در ایران تا

سمت قاضی دادگاه بدوی نظام

پزشکی.

- ۱۳۵۵ تا آخر ۱۳۶۹ استادی

دانشگاه تهران و ریاست بخش

آزمایشگاه و انتقال خون بیمارستان

سینا.

- ۲۹ اسفند ۱۳۶۹ بازنشستگی از

دانشگاه تهران (مدت خدمت در

دانشگاه تهران ۴۱ سال و ۴ ماه

تمام). ■

جامعه کلیمیان ایران بوده و می‌باشد، به همراه نه نفر دیگر از اساتید پیش کسوت پزشکی دانشگاه تهران در تالار سینای دانشکده پزشکی تهران در مراسمی که به وسیله جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار شد تجلیل و قدردانی به عمل آمد.

این مراسم که در آن شاگردان این استادان و جمعی از دانشجویان رشته‌های پزشکی نیز حضور داشتند، با دعوت از اولین پیش‌کسوت رشته علوم آزمایشگاهی جناب آقای دکتر برال آغاز شد که با توضیحات دکتر نصر از همکاران دکتر برال راجع به فعالیت‌های علمی ایشان و توضیحات آقای دکتر برال راجع به زندگی خود و اهداء هدایا توسط آقایان دکتر کامیار، دکتر رحمانو، دکتر افقهی و دکتر خشنودی و تقدیر از دیگر اساتید و اجرا موسیقی سنتی خاتمه یافت.

جناب آقای دکتر برال علاوه بر فعالیت‌های علمی و تحقیق خود یکی از فعالین جامعه کلیمیان ایران بوده و در زمینه‌های مختلف اجتماعی در فعالیت‌های مربوط به کلیمیان مشارکت فعال داشته‌اند.

مهمترین اقدام آقای دکتر برال در طول زندگی اجتماعی‌شان تشکیل انجمن پزشکان کلیمی ایران (سینا) بوده است که خود ایشان سال‌ها ریاست

پزشکان یهودی در ایران همواره مورد احترام و قبول مردم ایران بوده‌اند از زمان‌های دور جامعه پزشکی یهود ایران در شهرها و دورافتاده‌ترین مناطق در خدمت ملت ایران حضور داشته و فرهنگ اسلامی و اعتقادات شیعه مهمترین عامل اعتبار و حیثیت آنها بوده و تلاش و آموزش مستمر و وقفه‌ناپذیر پزشکان یهودی موجب شده است که بیماران به تخصص و دلسوزی آنها اعتماد داشته باشند. نمونه کامل خدمات پزشکی جامعه یهودی ایران بیمارستان خیریه دکتر سپیر است. دست‌اندرکاران اداره بیمارستان‌ها می‌دانند که اداره یک بیمارستان به وسعت بیمارستان دکتر سپیر در شرایط کنونی با چه مشکلاتی مواجه است که فقط به همت خدمتگزاران جامعه و پزشکان متعهد می‌توان به خدمات این واحد خیریه ادامه داد. آقای دکتر ابراهیم برال یکی از معروف‌ترین پزشکان یهودی است که همواره خدمات ایشان مورد تائید و تشویق پزشکان و بیماران بوده است.

\*\*\*

روز سه‌شنبه ۲۴ آذرماه طی مراسمی از آقای دکتر ابراهیم برال استاد رشته علوم آزمایشگاهی دانشگاه تهران که خدمات علمی و اجتماعی ایشان همواره موجب افتخار مردم ایران و خصوصا



**متن مصاحبه مشترک هارون یشایایی رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و دکتر یونس حمای لاله زار متشرع و کارشناس دینی یهودیان ایران با یکی از روزنامه‌های صبح تهران که به دلیل اهمیت موضوع و مطالب مطرح شده انتشار آن را در نشریه بینا مفید می‌دانیم**

## گفت و گو ....

- یهودیان در طول تاریخ اهل گفتگو، مدارا و تحمل بودند. نشانه این امر بقای فرهنگ یهود در ساختار فرهنگ جهانی است.

مصاحبه: فیروزه درشتی

پیروان ادیان و مذاهب به دین خود افتخار می‌کنند.

قبول این اصل که ما با حفظ اعتقادات خودمان به گفت‌وگو بپردازیم - به دلیل این که می‌خواهیم در تفاهم با هم زندگی کنیم و هر کدام بتوانیم شناخت متقابلی از یکدیگر داشته باشیم - بسیار ارزشمند است و بهترین شیوه گفت و گو در مسائل دینی است.

دکتر حمای: من هم می‌خواهم اضافه کنم همانطور که در هر دینی نظرات مختلفی وجود دارد، در دین یهود هم طیف وسیعی از اعتقادات وجود دارد، با این حال یهودیت، خصوصیتی دارد که باعث می‌شود ما یهودی معرفی شویم، همین - مبنا گفت‌وگوی میان ادیان تکیه بر مشترکات است که می‌تواند گفت‌وگو را پیش ببرد.

ما معتقدیم یهودیت بهترین راه و روش است، اما تنها روش نیست. سایر امت‌ها و ادیان هم اگر بر مبنای ایمانی درست و مورد رضای خدا عمل کنند، اهل آخرت هستند، از این رو، این جنبه‌های مشترک به نظر من می‌تواند راهی باشد برای به نتیجه رسیدن گفت و گوی ادیان.

\* در دین اسلام، روحانیون و رهبران دینی ما در حال تبلیغ دین اسلام هستند و هدف آنها جهانی کردن دین اسلام است.

توانسته‌اند با تمام فرهنگ‌ها سازگار شوند، با آنها در ارتباط باشند، بده پستان فرهنگی داشته باشند و توانسته‌اند خود را به عنوان یک جریان فکری حفظ کنند. عنصر اصلی و جان مایهٔ حیاتشان در این است که ایمان به گزاره‌های دینی را امری اعتقادی در رابطه با خودشان می‌دانند و القای این اعتقادات از یک یهودی به یک غیریهودی مورد نظرشان نیست.

به نظر من بهترین شیوه گفت‌وگو همین است. یعنی گفت و گو برای روشن شدن زوایای تاریک و ایجاد تفاهم، وگرنه اگر نگاه هر گفت‌وگو کننده‌ای بر این باشد که من می‌گویم، تا دیگران حرف مرا باور کنند، یا استدلال من آن قدر قوی است که همه باید آن را بپذیرند، هیچ‌گاه یک گفت‌وگوی دوطرفه شکل نمی‌گیرد.

این طور نمی‌شود که هر کس مدعی شود دین من از سایر ادیان متعالی‌تر و به حق‌تر است و همه باید از دین من پیروی کنند. بدیهی است که پیروان ادیان مختلف معتقدند که دین خودشان ارجحیت دارد، وگرنه آن را قبول نمی‌کردند و ادامه نمی‌دادند. برای یک یهودی، یهودی بودن ویژگی قابل قبول و قابل افتخاری است، همانطور که مسلمانان، زرتشتیان و سایر

بحث:

\* بسیاری عقیده دارند که گفت و گوی میان ادیان امری امکان‌پذیر است در مقابل برخی بر این عقیده هستند که موانعی در این راه وجود دارد.

با توجه به این که ادیان، پیروان خود را به ایمان به گزاره‌های دینی دعوت می‌کنند و ایمان هم نه با عنایت کامل به عقل در دل‌ها و جان‌ها جای می‌گیرد و به علاوه برخی از گزاره‌های دینی - مذهبی در ادیان مختلف به ظاهر با هم متناقض هستند، آیا این امر نمی‌تواند به عنوان یک مانع در تحقق گفت و گوی ادیان باشد؟

هارون یشایایی: به نظر من این مسئله لااقل در تفکر دین یهود یا فرهنگ یهودیت حل شده است. زیرا دین یهود مبنای گفت‌وگو را بر این قرار نداده است که طرف مقابل همه چیز را قبول کند، یعنی دین یهود نخواست به طرف مقابل گفت‌وگو کند، تا او را یهودی کند. این ویژگی اعتقادی دین یهود است و من با پایه‌های تاریخی - اجتماعی آن کاری ندارم.

یهودی‌ها در طول تاریخ اهل گفت‌وگو، مدارا و تحمل بوده‌اند، دلیل این امر هم بقای آنها در همه جای دنیا است. آنها



در دین مسیحیت هم همین طور. اما به نظر می‌رسد دین یهود هیچ تلاشی در این زمینه نکرده. دلیل این امر چیست؟ دلایل تاریخی دارد، یا دلایل درون‌دینی و یا دلیل دیگری؟

یشایایی: دلیل این امر آن است که مبانی اعتقادی یهودیت موکول به کیفیت تعداد یهودیان است، نه کمیت آن. یعنی روحانیت یهودی سعی می‌کرده این تعداد اندک یهودی را که وجود دارند، منسجم، معتقد و متعهد به یهودی بودن نگه دارد. البته این ویژگی تنها به دین یهود اختصاص ندارد، در برخی ادیان دیگر هم امر را بر نگهداری خلوص خودشان می‌دانند، نه بر قبول دیگران. برخلاف آن چیزی که درباره دین یهود و یهودیان تبلیغ می‌شود، این طور نیست که یهودیان فکر کنند قوم برگزیده هستند و هیچ‌کس را به خود راه نمی‌دهند. چیزی که برای این مردم اهمیت دارد، میراثی است که به آنها رسیده و این میراث، میراثی قومی، فرهنگی و الهی است. این قوم یهود است که این دین را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند.

\* یعنی شما معتقدید خارج از این قوم، کسی حق ورود به این دین را ندارد؟

یشایایی: بالاخره کسانی هم از بیرون وارد این دین شده‌اند و این مدار صد در صد بسته نیست. ولی به هر حال تفکر روحانیت یهودی بر این اساس نیست.

دکتر حمامی: این طور نیست که کسی حق ورود به دین یهودیت را نداشته باشد. از قدیم برای کسانی که می‌خواستند به این دین وارد شوند راه باز بوده، اما جنبه تبلیغی نداشته و مبنای براساس کیفیت اعتقادی افراد و ایمان آنها بوده است. افراد در صورت تمایل راهنمایی می‌شدند، اما کوششی جهت جذب آنها به دین یهود نمی‌شود. اطلاعات در اختیار دیگران گذاشته می‌شد، اما مبنای اول این بود که خودمان را اصلاح کنیم، بعد به دیگران بپردازیم.

\* با توجه به این که ادیان دعوی صدق انحصاری دارند و گفت‌وگو هم در جایی امکان‌پذیر است که وقتی دو نفر وارد گفت‌وگو می‌شوند، در تلاشی مشترک با هم سهیم باشند، چطور ادیان می‌توانند مسئله گفت و گو میان ادیان را مطرح کنند و حرفی از آن به میان آورند؟

دکتر حمامی: حداقل از دیدگاه دین یهودیت این طور نیست که فقط یهودیت تنها راه رسیدن به خدا باشد. در گفتار تلمود و سایر دانشمندان یهودی مثل هارامباوم (موسی‌بن‌میمون) هم این نکته وجود دارد.

**میثاقی اعتقادی یهودیت موکول به کیفیت تعداد یهودیان است، نه کمیت آن. یعنی روحانیت یهودی سعی می‌کرده این تعداد اندکی یهودی را که وجود دارند، منسجم، معتقد و متعهد به یهودی بودن نگه دارد**

ایمان به خدا و صفات او، اعتقاد به وحی، نبوت، معاد، روز قیامت، رستاخیز، منجی موعود و بسیاری مشترکات دیگر وجود دارند که می‌شود از طریق آنها، راه مشترک را پیدا کرد و گفت و گویی انجام داد. حداقل می‌توانیم در آن زمینه‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر شویم و شناخت بیشتری از یکدیگر داشته باشیم.

یشایایی: وقتی گفت و گو در احوال نظری و به صورت کلامی است، لزوماً به این معنا نیست که ما می‌خواهیم به یک نتیجه مشترک برسیم. ما می‌خواهیم یکدیگر را بشناسیم. این شناخت خیلی مهم است. ممکن است تلقی یهودیت از جهان آخرت با تلقی مسیحیت یا اسلام فرق کند، درست است که اعتقاد مشترکی وجود دارد، مانند معاد، اما ممکن است تلقی‌های ما از آن متفاوت باشد.

مسئله‌ای که وجود دارد، این است که بدانیم گفت‌وگو یک امر انسانی است و به تنویر افکار و تفاهم کمک می‌کند. پذیرفتن اصل گفت‌وگو مهم است. وقتی امر

گفت‌وگو قبول نشود، حذف پیش می‌آید، یعنی کسی که قابل گفت‌وگو نیست، باید حذف شود. لزوماً معنای این گفت و گو آن نیست که در پایان قطعنامه مشترکی صادر کنیم، همین که نشستیم و با هم صحبت می‌کنیم، مهمترین قطعنامه است، حتی اگر با هم مخالف باشیم.

در این سال‌ها خدمتی که آقای خاتمی به ملت ایران کرد و ماندنی و بسیار مهم است، این است که فرهنگ گفت‌وگو را به عنوان یک اصل عنوان کرد. این یک اصل پذیرفته شده است و دیگر کسی نمی‌تواند بگوید من وارد گفت‌وگو نمی‌شوم.

\* راه‌های عملی برای ایجاد گفت‌وگویی که به نظر شما بسیار مهم است، از دیدگاه دین یهود چیست؟

دکتر حمامی: جامعه یهود وضعیتی داشته که در هر شرایطی با مسالمت با سایر ادیان و اقوام دیگر در گوشه و کنار دنیا زندگی کرده است. یک پیشینه تاریخی به این شکل در عامه مردم وجود دارد که من یهودی با یک مسلمان دیگر به عنوان همکار، همکلاسی، همسایه و ... با یکدیگر کار می‌کنیم، معاشرت داریم و روابطی به این شکل وجود دارد. خیلی وقت‌ها اشکال از جنبه دیدگاه سیاسی و حکومتی است که مشکل‌ساز می‌شود.

راهکاری که وجود دارد، که دارای پیشینه تاریخی است که در عامه مردم وجود دارد. مردم با هم تبادل‌نظر دارند و به راحتی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و این رابطه از پایه، خیلی قوی است. اگر از جنبه یهودیت نگاه کنیم، با سابقه تاریخی که از خود در ایران دارند، و ارتباط آنها با اسلام و مشابهت‌های فراوانی که میان این دو دین وجود دارد، راه گفتگو وجود دارد. اگر از جنبه جهانی نگاه کنیم، اتحاد بین این گروه‌ها راه را برای دستیابی به صلح جهانی هموار می‌کند. با در نظر داشتن این جنبه‌ها می‌توان به گفت و گو پرداخت و به نتیجه مشترکی رسید.

فشنگ در هیچ کجا شلیک نمی‌شود. یهودی‌ها ۲۷۰۰ سال است که قبل و بعد از انقراض حکومت دوم خود در بیت‌المقدس، در مناطق مختلف دنیا زندگی می‌کنند و بحران‌های مختلف را تحمل کرده‌اند.

چه طور ممکن است تبلیغاتی که علیه یهودیان می‌کنند، درست باشد، در حالی که فقط ۱۳ میلیون یهودی در دنیا وجود دارد، چه طور ممکن است تمام جنگ‌ها را اینها راه انداخته باشند و این قدر بتوانند در همه امور دست داشته باشند. جالب است بدانید نوام چامسکی، متفکر و زبان‌شناس بزرگ آمریکایی، یهودی است، پدرش یک روحانی یهودی بوده، او از مخالفان سرسخت سیاست‌های بوش و اقدامات صهیونیست‌هاست. تا وقتی با خشونت که صهیونیست‌ها در منطقه اعمال می‌کنند، مخالفت می‌کرد، هیچ کس نمی‌گفت او یهودی است. اخیراً چامسکی زیر اطلاعاتی‌ای را در مخالفت با بعضی مسائل در ایران امضا کرده است، حالا می‌گویند او یهودی است و حتما صهیونیست است...! نمی‌خواهم بگویم این تقصیر کیست، اما ما در حال تلاش هستیم تا این تصویر تحریف شده از یهودیان را اصلاح کنیم. برخی یهودی بودن را با صهیونیسم [سیاسی] برابر می‌دانند که این اصلاً تصور درستی نیست. مهمترین جنبش‌های فکری مخالف [صهیونیسم] در آمریکا و سراسر دنیا، جنبش‌های ضدصهیونیستی یهودی‌هاست که با اقدامات ارتش اسرائیل در فلسطین در مواجهه با مسلمانان به شدت مخالف هستند.

دکتر حمامی: خشونت در ذات دین یهود و هیچ دین دیگری نیست. یهودیان هم هیچ‌گاه با هیچ دین و قومی سر جنگ نداشته‌اند و نباید جریان‌ات سیاسی و خشونت‌آمیز ۵۰ سال اخیر صهیونیست‌ها را به حساب یهودیان گذاشت. ■

میان آنها شود؟ و اساساً دیدگاه یهودیت نسبت به این دو مقوله چیست؟

دکتر حمامی: آن چه در عمل دیده می‌شود، این است که همه ادیان به شکلی طالب صلح هستند، و هدفی که انسان بعد از زحمات و تلاش‌های بسیار دنبال دستیابی به آن است، چیزی نیست جز آرامش فکر و اطمینان خاطر و بالاتر از آن صلح جهانی و عدالت جهانی. ما می‌توانیم آنچه را که به عنوان زمینه‌سازی برای حضور منجی موعود از آن یاد می‌شود، فراهم کنیم و این جنبه اشتراکی است که صرفنظر از دین افراد، همه آنها به دنبال یافتن آرامش و صلح و ثبات هستند. زندگی مسالمت‌آمیز و کمک به هم‌نوع از دستورات دینی همه ادیان است، چه از جنبه کمک‌های مالی، مثل صدقه و چه از جهت اعمال نیک و در مقیاس بزرگ‌تر در سطح جهانی که خواسته همه است، و آن رسیدن به صلح جهانی است.

یشایایی: شروع هر صحبتی میان هر دو دینی، از جمله یهود و اسلام، سرآغاز صلح است. در زبان عبری، «شالوم» به معنی سلام و صلح است، در اسلام هم سلام یعنی صلح. هر رابطه‌ای با صلح شروع می‌شود. البته در عمل این قدرها هم زندگی ایده‌آل نبوده، جنگ‌های فراوانی درگرفته است، اما این که حالا بیاییم و با توجه به گذشته رفتار کنیم، درست نیست. مثل تبلیغاتی که در بعضی رسانه‌های ما علیه یهودی‌ها می‌شود که گویی هر چه آدم بد است یهودی است، و هر اتفاقی در جهان به دست یهودیان انجام می‌گیرد، این درست نیست. این دقیقاً چیزی است که افراطی‌ترین و واپس‌مانده‌ترین جناح‌های صهیونیستی به دنبال آن هستند.

انگلیسی‌ها هم در گذشته همین کار را کرده بودند، طوری رفتار می‌کردند که گویی اگر آنها نخواهند برگ از درخت نمی‌افتد. حالا طوری تبلیغ می‌شود که اگر یهودی‌ها نخواهند، صهیونیست‌ها نخواهند، یک دانه

یشایایی: به نظر من این گفت‌وگو وجود دارد و شما دنبال راهکار آن می‌گردید. مردم راهکارها را بلدند، با هم زندگی می‌کنند، با هم شریک هستند. الان هر یهودی را ببینید، یک شریک مسلمان دارد. در دانشگاه و مدرسه همه با هم زندگی می‌کنند. اصلاً مردم دنبال راهکار نیستند، چون خودشان در تفاهم کامل با هم در حال زندگی کردن هستند. حکامی که از بالا با یکدیگر مشکل دارند، دنبال راهکار می‌گردند. به خصوص در بین ملت ایران، این یکی از ویژگی‌های اساسی ملت ایران است و تاریخ ایران و فرهنگ ایرانی شاید یکی از استثنای فرهنگ جهانی باشد.

**لزوماً معنای این گفت و گو آن نیست که در پایان قطعنامه مشترکی صادر کنیم، همین که نشستیم و با هم صحبت می‌کنیم، مهمترین قطعنامه است، حتی اگر با هم مخالف باشیم**

\* پس به نظر شما گفت‌وگوی میان ادیان یک امر آرمانی نیست، امری کاملاً تحقق‌پذیر است؟

یشایایی: الان این گفت و گو جریان دارد. ما در حال حاضر بیمارستانی به نام بیمارستان دکتر سپهر داریم که بیش از ۶۰ سال پیش به وسیله جامعه کلیمیان ساخته شده، ملکیتش هم از آن کلیمیان است، بخش قابل توجه کادر پزشکی و پرستاری آن هم کلیمی هستند، اما غالب مراجعه‌کنندگان آن هموطنان مسلمان هستند. ما در این مرکز برای مسلمانان نمازخانه‌ای داریم که در آنجا نمازجماعت می‌خوانند و کلیمیان هم آشپزخانه مخصوص خودشان را دارند و هم کتبه دارند که در آنجا عبادت می‌کنند و هیچ اختلافی با هم ندارند و یکدیگر را تحمل می‌کنند و مدارا دارند.

\* فکر می‌کنید دغدغه‌های عملی مشترک ادیان، مثل نسبت آنها با صلح و خشونت می‌تواند باعث پیوند و نزدیکی

## از محله درب زنجیر کاشان ... تا مجلس اعیان انگلیس



**داود ایانس که اردیبهشت ماه امسال به کسب عنوان «لرد» نائل شد، نخستین ایرانی است که به مجلس اعیان انگلیس وارد شده است.**

لرد داود ایانس که به لرد دیوید ایانس معروف است، در سال ۱۳۱۱ در محله درب زنجیر کاشان در خانواده‌ای کلمی به دنیا آمد و تا ۱۳ سالگی در آنجا ماند. پس از آن که از ادامه تحصیل بازماند، راهی تهران شد و در یکی از حجره‌های بازار تهران به شاگردی پرداخت و تا ۱۷ سالگی، همان جا مشغول فعالیت کاری برای امرار معاش خود بود. وی از آنجا که نتوانسته بود به تحصیلات خود ادامه دهد، به ناچار شب‌ها سعی می‌کرد از وقت آزاد خود، جهت آموختن درس آکادمیک بهره ببرد، به گونه‌ای که دوستانش نقل می‌کنند که وی در رشته حسابداری، نسبت به دیگر همکارانش سرآمد بوده و توانایی زیادی در کسب علم از خود نشان می‌داده است.

در سال ۱۳۲۹، داوود ایانس به کشور انگلستان و شهر منچستر مهاجرت کرد. یکی از نخستین فعالیت‌های او، خرید پارچه برای ایران بود. او سپس با خرید یک شرکت بزرگ سفارش کالا از طریق پست میل آردر (Mail Order) به نام این براون (N. Brown) و توسعه آن، دامنه فعالیت‌های خود را گسترش داد.

وی شرکت تولیدی منسوجات «کوتر وایلا» را زمانی پایه‌گذاری کرد که صنعت منسوجات، رو به شکست می‌رفت. طولی نکشید که این شرکت به بزرگ‌ترین موسسه تولید منسوجات در انگلیس تبدیل شد و بیش

از ۷۵ هزار کارگر و کارمند را در صدها کارخانه در ۶۵ کشور جهان به استخدام خود درآورد. البته باید یادآور شد که فعالیت‌های داوود ایانس به تاسیس شرکت‌هایی در زمینه بیمه، بانک، ساختمان و مهندسی هم توسعه پیدا کرد.

به گفته کارمندان، در اعتصابات کارگری دهه ۸۰ انگلستان، در هیچ کدام از کارخانه‌های تحت مدیریت او اعتصابی صورت نگرفت. لرد ایانس حکایت می‌کند که در پاسخ به گله رییس یک اتحادیه کارگری به او که می‌گوید، تو فکر می‌کنی از دل گرسنگان و کارگران اطلاع داری، می‌گوید که شب‌های زیادی را بدون غذا و تنها با نوشیدن آب به صبح رسانده است.

او می‌گوید: در هیچ زمانی حاضر نبوده است کاری را به کسی محول کند که خود و فرزندش از انجام آن ناتوان باشند.

به این ترتیب، لرد ایانس با خرید کارخانجات در آستانه ورشکستگی و تبدیل آن به مؤسسات بزرگ تجاری و صنعتی، به عنوان سمبل نجات اقتصادی صنعت نساجی شهر منچستر و پادشاه نساجی انگلستان معروف شد.

اندکی بعد، او لقب «سر» را از ملکه الیزابت دوم گرفت و سرانجام در اردیبهشت ماه امسال از سوی حزب لیبرال دمکرات به مجلس اعیان انگلیس، راه یافت.

«هفته‌نامه بازتاب»، ضمن انجام مصاحبه‌ای با آقای ایانس، نقطه‌نظرات نامبرده را در مورد مسائل گوناگون جویا شده است.

• راز موفقیت شما در زمینه اقتصادی چیست و به جوانانی که به دنبال کسب موفقیت‌های سالم در زمینه اقتصاد تجارت هستند، چه توصیه‌ای می‌کنید؟

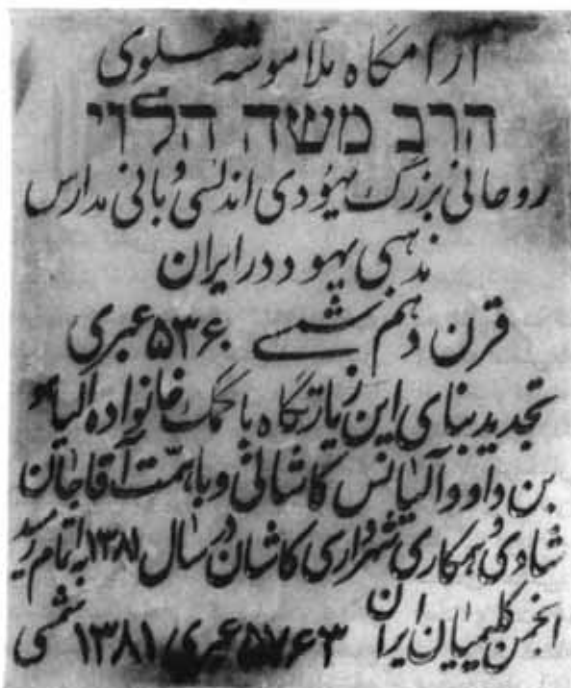
- توصیه‌ام به جوانان، این است که هیچ‌گاه صرفاً جویای ثروت نباشند، بلکه

جویای پیشرفت‌های فکری، توانایی در حرفه و خدمت به جامعه خود باشند. هر کسی باید به دنبال کاری برود که به آن علاقه دارد، هرگز نباید کاری را انجام دهیم که به آن علاقه نداریم، چرا که تنها در آن صورت است که انسان می‌تواند به راحتی به موفقیت برسد.

• ایرانیان موفق خارج از کشور، چه نقشی را در حل مشکلات کشور و انتقال تکنولوژی، سرمایه و بهبود مدیریت در داخل، می‌توانند داشته باشند؟

- بزرگ‌ترین سرمایه کشورمان، نیروی انسانی متفکر و توانمند است، اما این نیرو تنها در محیطی آزاد، امن و قانونمند و شفاف می‌تواند به اوج قدرت خود برسد. تحصیلات عالی، مشاغل دولتی و میدان سیاست می‌باید به روی همه شهروندان باز شود تا آنان بتوانند برای پیشرفت و موفقیت شخصی و حرفه‌ای خود، توانمند شوند. چرا که هیچ مملکتی نتوانسته و نخواهد توانست، در بخش اقتصادی، بدون داشتن کارآفرینان و بازرگانان و افراد متخصص به موفقیت حایز اهمیت دست پیدا کند. البته باید تأکید کنم که تکامل و پیشرفت اقتصادی بدون داشتن امنیت سیاسی، قضایی و اجتماعی ممکن نخواهد بود. اقتصاد کشور، نیازمند سرمایه‌گذاری وسیع و مؤثر خارجی است و تا زمانی که شفافیت در کلیه شئون مالی و اقتصادی و برابری در مقابل قانون عملی نشود و علاوه بر این، مبارزه ریشه‌ای با فساد، مبارزه با تجارت قاچاق و بازار سیاه به صورت کامل برقرار نشود، جلب سرمایه‌های خارج از کشور، عملاً ناممکن خواهد بود. ایرانیان خارج از کشور که با بهره‌گیری از جو سیاسی، اجتماعی، اقتصادی آزاد و شفاف و امنیت قضایی خارج از کشور، به موفقیت‌های شایانی





به عبارتی روشن‌تر، وضعیت زندگی کلیمیان در ایران، به مراتب بهتر از شرایط مسلمانان در برخی از کشورهای اروپایی است. کلیمیان ایران نیز متقابلاً فداکاری زیادی برای ایران کرده‌اند و تعداد قابل توجه شهدا و جانبازان کلیمی در دفاع از ایران، نشان‌دهنده وفاداری آنان به ایران است.

• نظر شما درباره وضعیت فعلی فلسطین و تخریب منازل فلسطینیان از سوی دولت اسرائیل و قربانی شدن انسان‌های بی‌گناه چیست و آیا مشکل فلسطین با شیوه فعلی دولت اسرائیل حل می‌شود؟

- هیچ انسانی از این که می‌بیند، زنان و کودکان فلسطینی در خانه‌های خود کشته می‌شوند، لذت نمی‌برد، همان‌گونه که درد و رنج شهروندان غیرنظامی که قربانی عملیات‌های متقابل فلسطین می‌شوند، آزاردهنده است.

واقعیت تلخ، آن است که در این جنگ بی‌پایان، تنها انسان‌های بی‌گناه قربانی می‌شوند و هیچ نتیجه‌ای جز خرابی به بار نمی‌آورد. سیاست‌های دولت تندرو و تل‌آویو، تنها آتش جنگ و کشتار را مشتعل‌تر می‌کند و تنها راه‌حل مشکل فلسطینیان و اسرائیل، راه‌حلی انسانی و دمکراتیک است. ■

این اقدامات، باعث شد تا رشد اقتصادی انگلستان، سیر صعودی را گزیند و عملاً بتواند خود را به عنوان یکی از قطب‌های اقتصادی اروپا مطرح کند، اما ناگفته نماند که اقتصاد انگلیس در اواخر دوره نخست‌وزیری مارگارت تاچر - به علت رکود اقتصاد جهانی - دچار بحران شد و تورم و بهره بانکی به رقم‌های ۱۴ و ۱۲ درصدی رسید، اما پس از چندی دوباره روند عادی خود را پیدا کرد. در هر

صورت، حزب محافظه‌کار در انتخابات شکست خورد و حزب کارگر روی کار آمد و اقتصاد، روند عادی خود را پیدا کرد. این تحولات بدون فضای باز سیاسی و اجتماعی و امنیت قضایی، ناممکن بود. از سوی دیگر، گسترش اقتصاد بخش غیرنفتی کشور که نیازمند بازارهای بین‌المللی است، بدون عضویت در سازمان بین‌المللی تجارت جهانی، بسیار مشکل به نظر می‌رسد.

• رابطه کلیمیان ایران با نظام جمهوری اسلامی و وضعیت حقوقی و اجتماعی آنان در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی و جهان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- کلیمیان از دوره کوروش کبیر در ایران بوده‌اند و در پیشرفت و توسعه ایران، سهمیم بودند. به دلیل فرهنگ منحصر به مفرد و روحیات ایرانیان، هیچ‌گاه برخورد‌های نژادی، نسل‌کشی و اعمال غیرانسانی که در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی و دیگر نقاط جهان انجام شده، در ایران سابقه نداشته است و یهودیان ایران در کنار دیگر اقلیت‌های مذهبی، همواره در امنیت و آرامش زندگی کرده‌اند و از حقوق قانونی خود مانند داشتن نماینده در مجلس، انجام آزادانه فعالیت‌های مذهبی، دارا بودن مدارس اختصاصی و ... برخوردارند.

دست یافته‌اند، می‌خواهند اطمینان داشته باشند که شرکتشان در امور مملکتی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای ایران مفید خواهد بود و خدماتشان بر باد نخواهد رفت.

• وضعیت ایرانیان خارج از کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید و به نظر شما، چه بخشی از آنان به انتظارات خود دست یافته‌اند؟

- امروزه در بیشتر مراکز علمی اروپایی و آمریکایی، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها، ایرانیان زیادی مشغول به کارند و در همین حال، کارآفرینان و بازرگانان ایرانی در دنیا، از جمله موفق‌ترین گروه‌های اقتصادی هستند، به گونه‌ای که ایرانیان در رشته‌های صنعتی، به مقام‌های بالایی دست پیدا کرده‌اند. آنان می‌توانند پشتوانه اقتصاد ایران باشند. اشخاصی که من در خارج با آنان برخورد کردم و تا اندازه‌ای می‌شناسم، نمایندگان مردم ایران هستند.

• ارتباط بین ایران و کشورهای غربی در چه صورت می‌تواند به توسعه و پیشرفت کشور منجر شود و آیا ارتباط فعلی که بیشتر به واردات کالاهای صنعتی و غیره از غرب به ایران منحصر شده است، مشکلی از ایران حل می‌کند؟

- دولت باید بخش تعاونی و خصوصی را تقویت کند تا بتواند به میزان زیادی بر مشکلات اقتصادی فایز آید. به عنوان مثال، تجربه خصوصی‌سازی کشور انگلستان، نمونه‌ای از تجربه موفق خصوصی‌سازی را نمایان می‌سازد. پس از دهه ۸۰، خانم تاچر - که پس از آن عقاید او به تاچریسم معروف شد - اقدام به شروع خصوصی‌سازی در شرکت‌های دولتی در انگلستان کرد و با آن که در دهه ۷۰، کشور انگلستان دچار رکود شدید اقتصادی بود، با روی کار آمدن تاچر، انجام کارهایی از قبیل واگذاری اختیارات دولتی به بخش خصوصی و همچنین واگذاری صنایع فولاد و صنایع نفت و همچنین خصوصی‌سازی راه‌آهن و مخابرات و واگذاری دو شرکت بزرگ مخابرات و راه‌آهن، شکوفایی اقتصاد انگلیس آغاز شد. در حالی که عملاً پیش از خصوصی‌سازی، انگلستان از غافله پیشرفت و رقابت جهانی بازمانده بود و

# افسانه سه سلمانی

نوشته: افرایم کیشون



عظیمی هم از ادوکلن از هر سو بر سر و رویم باریدن گرفت. از دست یک سلمانی قدیمی نصف این را هم تحمل نمی‌کردم، ولی تدیوس تازه مهاجر بود و ممکن بود انتقاد مرا نوعی تزلزل به موقعیت اجتماعی از پیش متزلزلش تعبیر کند.

راند سوم با نشانه‌های خوبی آغاز شد. وارد مغازه شدم و زنگ را به صدا درآوردم، دیدم که مهاجر دارد به دنبال فرق سر پیرمرد ناشناسی می‌گردد و گریشفان مثل یک پرنده آزاد است. به سرعت خودم را روی صندلی‌اش انداختم، ولی در همین لحظه، رویوش را درآورد و گفت: «زنگ تفریح». نه تنها این، بلکه در آینه به جایش شکل و شمایل کاملاً جدیدی ظاهر شد: سلمانی سوم، جوانی از جماعت شرقی‌ها بود که بعداً تصمیم گرفتم، اسمش باید ماشیح باشد.

ماشیح گفت: «آقا بفرما، برات بزنم؟» مسئله حساس اعتدال پیش آمده بود، در واقع من تدیوس مهاجر را بر این سومی ترجیح می‌دادم، چون کم‌حرفی‌اش را ثابت کرده بود، ولی در شرایط موجود، امتناعم بر ادعای نژادپرست بودن اشکنازی‌ها صحه می‌گذاشت.

نگاهی به گریشفان انداختم، شاید راه‌حلی داشته باشد، ولی طرف طوری در روزنامه عصر غرق شده بود که انگار داشت با زبان بی‌زبانی می‌گفت: «آقا جان دنیای بی‌رحمی است، هر کس باید به تنهایی گلیمش را از آب بیرون بکشد». در همین لحظات برایم روشن شد که گرچه گریشفان پول‌ها را برای صندوق جمع می‌کند، ولی در مغازه قدرت قضایی ندارد. به ماشیح گفتم: «من هوادار موهای بلند هستم، لطفاً سرم را با احتیاط اصلاح کن». ماشیح

سرزنش کرده است. فوراً پیش خودم حدس زدم که اسمش باید گریشفان باشد. بعد از دو ماه که دوباره کمی قیافه آدمیزاد پیدا کردم، باز زنگ سلمانی را به صدا درآوردم. این بار گریشفان داشت موهای یکی از این دلال‌های سیاسی را فر شش ماهه می‌داد که سلمانی دوم، که مردی لاغراندام و به طرز شدیدی عینکی بود در کنار صندلی خالی ایستاد و گفت: «بفرمایین».

در یک لحظه در دلم تصمیم گرفتم که با او تجربه‌های آزمایشی نکنم، بلکه دوباره پیش گریشفان طاس اصلاح کنم. درست است که او زیادی قیچی می‌کند ولی من حالا دیگر عقده‌هایش را می‌شناسم و قادر به خنثی‌سازی‌شان هستم. به سلمانی لاغر جواب دادم: «ممنون، من منتظر همکارت هستم». سلمانی لاغر هم با مهربانی لیخند زد و حوله سفید را تا کمر توی یقه‌ام فرو کرد. اشاره کرد: «همون‌طور که گفتم، منتظر همکارتون بودم...».

مرد لاغر گفت: «بله، خوبه» و مرا نشانند. گریشفان نجواکنان وضعیت را برایم روشن کرد: «این بابا تازه مهاجره، عبری نمی‌فهمه...»

چون موضوع به محدوده جذب و پذیرش مهاجران کشیده شده بود و از آنجا که من هرگز نمی‌خواهم کاسب خرده‌پایی را به خاطر بیگانگی‌اش برنجانم، فوراً به مقاومت خاتمه دادم. خودم را کاملاً در اختیار سلمانی لاغر گذاشتم و فقط به زبان رومانی دست و پا شکسته‌ای برایش توضیح دادم که چون موهای قشنگی دارم و دوست دارم انبوه و خیلی بلند بمانند، پس بهتر است موهایم را زیاد کوتاه نکنند و فقط قسمت‌های اضافی و پراکنده را اصلاح کند. سلمانی مهاجر، شونده خوبی بود، ولی متأسفانه از لهستان آمده بود. نتیجه این که دوباره سرم بی‌خود و بی‌جهت به باد رفت و تبدیل به گوسفندی بعد از پشم‌چینی شدم. نه فقط این، بلکه موج

افرایم کیشون در سال ۱۹۲۴ در شهر بوداپست، پایتخت مجارستان با نام فرنس کیشونت به دنیا آمد. دوران جوانی‌اش را در اردوگاه‌های کار و مخفی‌گاه‌ها، زیر سایه وحشت نازی‌ها سپری کرد. در سال ۱۹۴۹ به اسرائیل مهاجرت کرد و در بدو ورود، یک کارمند مهاجرت، برای او نام افرایم کیشون را برگزید!

داستان سه سلمانی گزیده‌ایست از آثار افرایم کیشون که به دلیل توجه به موضوع مهاجرت و جذابیت داستان و ماجراهای آن برای خوانندگان محترم بینا جذاب و خواندنی است.

## افسانه سه سلمانی

آرایشگاهی که من در آن موهایم را اصلاح می‌کنم، شاید مجلل‌ترین آرایشگاه خاورمیانه نباشد ولی همه مواد لازم را برای یک داستان موفق دارد: سه تا صندلی، سه تا دستسویی و زنگی که هر وقت کسی در را باز می‌کند، به صدا درمی‌آید.

وقتی برای اولین بار زنگشان را زدم، سلمانی مسن و طاسی به پیشوازم آمد، به یک صندلی خالی اشاره کرد و گفت: «بفرما».

قبل از این که خود را در اختیارش بگذارم به او هشدار دادم که می‌خواهم فقط کمی موهایم را مرتب کند، چون من از موهای بلند و موج خوشم می‌آید، مردک سرش را به نشانه تفاهم تکان داد و در عرض یک ربع ساعت در حالی که پاهایش در انبوه زلف و کاکل‌های من فرو رفته بود و لب‌هایش سرود شادی سر می‌داد، مرا به یک ملوان جوان امریکایی تبدیل کرد. بعد از این قتل‌عام ناجوانمردانه، سلمانی طاس ادعا کرد که او صاحب مغازه نیست، یعنی پول چایی هم می‌خواهد و به این ترتیب از هم جدا شدیم. راستش کینه‌اش را به دل نگرفتم، چون می‌دانستم که سرم را به دلایل روانی تا آخر

واضح بود که اگر قدم نسنجیده‌ای به طرف صندلی ماشیح بردارم، تدیوس با صدای ناخوشایندی غش خواهد کرد.

ماشیح در حالی که دسته تیغ در دستش می‌رقصید با نگاهی سوزان به من خیره شده بود. او زجر زیادی کشیده و جان به کف آماده بود.

گرینشفان در سکوت به ما پشت کرده بود و داشت پول می‌شمرد، تازه متوجه شدم که کنفش دارد می‌لرزد. از قرار معلوم، بی‌تفاوتی‌اش فقط نوعی استعار بوده است. او هم در تمام این مدت مرا دوست داشته ولی بروز نمی‌داده است.

ضعف عجیبی بر من مسلط شد، کلمات، بی‌اختیار از دهانم پریدند: «من نسبت به همتون کشش دارم، شما بین خودتون تصمیم بگیرید...»

ولی آنها تکان نخوردند. فقط گرینشفان دستش را به پشتش برد و به آرامی شیر آب گرم را باز کرد.

سه جفت چشم بزرگ با هم به من می‌گفتند: «منو انتخاب کن!»

اندیشه‌ها در سرم گرگم به هوا بازی می‌کردند. چطور است پیشنهاد کنم که دسته‌جمعی سلمانی‌ام کنند، یا رولت روسی بازی کنیم، یکی مرا سلمانی کند و دیگران خودکشی کنند؟ هر چیزی جز این تنش ساکت و کشنده ...

حدود بیست دقیقه، شاید هم نیم ساعت، همین‌طور بی‌حرکت ایستادیم، تدیوس زیر گریه زد. نجواکنان گفتم: «یاالله دیگه، میشه تصمیم بگیرین؟»

ماشیح با صدای گرفته‌ای گفت: «برای ما فرقی نمی‌کنه، هر کسی رو که آقا انتخاب کنه ...»

و همه باز به من خیره شدند. به طرف آینه رفتم و به موهای سفیدم دست کشیدم. در عرض یک ساعت به اندازه چند هفته پیر شده بودم و راه‌حلی در کار نبود. بدون گفتن کلمه‌ای، با صدای مبهم زنگ، از سلمانی فرار کردم و دیگر به آنجا برنگشتم. از آن به بعد دیگر به سلمانی نمی‌روم و موهایم را مثل هیپی‌ها بلند می‌کنم.

شاید جنبش هیپی‌ها هم همین‌طور از یک آرایشگاه با سه سلمانی آغاز شده باشد. ■

در یک آن به طرف صندلی خالی سلمانی مهاجر پریدم، ولی خیط کاشتم. در گوشه مغازه، پسر بچه‌ای پنهان شده بود که از کمینگاه من از بیرون قابل تشخیص نبود و همین پسر جلوی دماغ من روی صندلی تدیوس پرید و آن را فتح کرد.

به این ترتیب تساوی ایجاد شد. ماشیح، تیغش را با حرکات آهسته‌ای تیز می‌کرد و نگاهش را از من بر نمی‌داشت، اما تدیوس کمی خودش را جمع و جور کرده بود و مشخص بود که از آن روز تا به حال هنوز در سایه تحقیر زندگی می‌کند. گرینشفان این مار خوش خط و خال، طوری رفتار می‌کرد که انگار روحش هم از جریان خبر ندارد.

با ترس و اضطراب، روی نیمکت به انتظار نشستم؛ کی زودتر تمام می‌کند، ماشیح یا تدیوس؟ اگر باز هم ماشیح مرا تصاحب کند، شکی نیست که مهاجر بیچاره از درون خرد خواهد شد. می‌گویند که در صومعه سن‌کاترین، راهبه‌ای زندگی می‌کند که زمانی در تل‌آویو آرایشگر معروفی بوده است.

بالاخره مراکش با اختلاف تار مویی پیروز شد. وقتی که ماشیح مشتری‌اش را روانه کرد هنوز چند تار مو روی بالاخانه بچه‌ای که زیر دست تدیوس بود باقی مانده بود...

ماشیح فوری به من رو کرد و گفت: «قربان بفرما...»

تمام جزآنم را که تا به حال از وجودش خیر نداشتیم، جمع کردم و گفتم: «ممنون، صبر می‌کنم تا کار ایشون تموم بشه ...»

صورت تدیوس از شادی درخشید، در حالی که ماشیح شوکه شده و خودش را به صندلی گرفته بود تا به زمین نیفتد. چشمانش مثل پرنده‌ای که تیر از قلبش عبور کرده باشد پرپر می‌زدند.

ماشیح بیچاره به تته پته افتاد: «ولی، ولی من ... ، کارم تموم شده، قربان ... آخه چرا ...»

در همین لحظه تدیوس پسرک را مرخص کرد و ما در سلمانی تنها ماندیم.

هرگز به این وضوح حس نکرده بودم که انسان، عروسک ناتوانی در دست تقدیر است. مثلا ممکن بود همین جا، بدون آن که کسی مقصر باشد، داستان ما مثل تراژدی‌های یونانی به قتل ختم شود.

بحران به اوج خود رسیده بود. گوشه‌های لب مهاجر پیچ خورده و دماغش قرمز شده بود.

گفت: «ای به چشم» و در حالی که داشت رویدادهای دوران جوانی‌اش را با تاریخ معاصر کشور مراکش ترکیب می‌کرد، بیشتر از هر سلمانی دون پایه دیگری که در هشت سال اخیر دیده بودم، مو روی سرم باقی گذاشت، که این به نوبه خودش برایم سورپریز خوشایندی بود.

در اواخر روز اول ماه آذار بار دیگر زنگ را زدم، ولی فوراً متوجه شدم که در وضعیت بسیار خطرناکی گیر افتاده‌ام. معلوم شد که گرینشفان مشغول بلند کردن قد یکی از این اوباش کوتوله است و در مقابلش تدیوس و ماشیح با هم بی‌صبرانه به انتظار قربانی نشسته‌اند. می‌خواستیم فوراً برگردم تا از برخوردشان جلوگیری کنم، ولی دیر جنیدم چون هر دویشان از جا بلند شده و به صندلی‌شان اشاره کردند: «بفرما».

وضعیت از این وخیم‌تر امکان ندارد، از جنبه انسان‌دوستانه، این نوعی معمای ابدی است، که تقریباً هیچ راه‌حلی عملی ندارد، یکی باید سلمانی کند و دیگری باید قربانی شود. من ماشیح را انتخاب کردم.

در همان لحظه‌ای که روی کرسی بلندش نشستم، مثل سگ پشیمان شدم. وقتی تدیوس دید که تصمیم سرنوشت‌ساز من به نفع شرق بوده است، طوری رنگش پرید که انگار آژان دیده است، گر چه شک دارم که هرگز این اصطلاح را شنیده باشد. دیدمش که به آرامی چرخید و به طرف قسمت زنانه رفت. بعد از مدت کوتاهی صدای خفه گریه‌ای از آن سو شنیده شد. خودم را به نشنیدن زدم، ولی خیلی دمی شدم.

حالا تدیوس به خانه باز می‌گردد و بچه‌های گرسنه‌اش دورش جمع خواهند شد:

«پاپا، دلاچکو فلاچس؟»  
و تدیوس جواب خواهد داد: «او دیگری را انتخاب کرد ...»

ماشیح هم که خیلی عصبانی شده بود، سرم را تقریباً کچل کرد.

به خاطر این حادثه، بی‌صبرانه منتظر رشد کامل شدم، چون از ته قلب آرزو داشتم بتوانم توهین سختی را که به تدیوس کرده بودم جبران کنم. قبل از ورودم بارها از مقابل در شیشه‌ای رد شدم و تا مطمئن نشدم که همه سخت سرگرم سلمانی‌اند و فقط تدیوس بیکار است، وارد نشدم.



# یهودیان رومانی

سیما مقتدر



مسئولیت رسیدگی به قبرستان یهودیان را نیز به عهده دارد.

«ملانی محلر» در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «خیلی‌ها فکر می‌کنند ما راجع به گذشته داستان می‌یافیم و این همه بی‌رحمی را نمی‌پذیرند». ملانی از اینکه دوستان و اطرافیان او از مذهبش مطلع هستند، هیچگونه مشکلی احساس نمی‌کند زیرا معتقد است آفریننده همه خلق بشر صرفنظر از مذهب آنها یکی است. علاوه بر آن ذکر مشکلات و مصیبت‌های گذشته هیچ تأثیری ندارد و متأسفانه حیاتی به رفتگان نمی‌بخشد».

## ب - شهر کنستانزا

این شهر در حاشیه دریای سیاه واقع شده و شاید تنها وجود ساختمانی معمولی در قسمت قدیمی شهر خبر از یهودیت در آن بدهد. تنها واژه‌های حک شده روی تابلوی کوچک در سمت چپ در آهنی ورودی ساختمان نوع فعالیت آن را مشخص می‌کند: «انجمن کلیسیا».

دقیقاً روبروی این ساختمان در پیاده‌رو مقابل با همکاری دولت آلمان سالی برای اتباع این کشور بنا شده است.

برای اجرای مراسم مذهبی و اعیاد اصولاً حضور فردی مسلط به امور مذهبی (حاخام) لازم است. در حال حاضر در سراسر رومانی تنها دو فرد مسلط به امور مذهبی (حاخام) فعالیت می‌کنند که از آنها نیز اخیراً اجازه انجام امور مذهبی گرفته شده است. از آنجائی که اولویت با دو شهر «بخارست» و «تیمی سوارا» به لحاظ کثرت جمعیت یهودیان است، «کنستانزا» کماکان با مشکل عدم حضور شخص وارد به امور مذهبی روبروست. رئیس انجمن کلیسیا شهر کنستانزا در مورد وضعیت یهودیان این شهر می‌گوید: «مذهبات که ما حتی پیش‌نماز واجد شرایط و خبره هم نداریم. در مراسم جشن حنوکا که سال گذشته برگزار شد تنها ۴ نفر حضور داشتند. این موضوع باعث شد پیش‌نمازی که از یکی از شهرهای راه دور می‌آمد دیگر راضی به حضور در کنیسیا این شهر نشود. بدین ترتیب دست اندکاران انجمن در این شهر باید برای رفع هرگونه کمبود دیگری آماده باشند».

هیتلر در مورد پاکسازی نسل، یهودیان کمتری قتل‌عام شدند. طی این مدت بالغ بر ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار یهودی در اردوگاه‌های مرگ جان سپردند. بدین ترتیب جمعیت یهودی رومانی که تا قبل از جنگ بالغ بر نهصد هزار نفر بود، پس از کشتار جنگ جهانی دوم و به دنبال مهاجرت‌ها به چهارصد هزار نفر تقلیل یافت. پس از آن نیز به دلیل وجود حکومت کمونیستی در این کشور، سیر جدیدی از مهاجرت یهودیان رومانی آغاز شد. اما دولت از مهاجرت یهودیان نیز درآمد زیادی کسب می‌کرد زیرا آنها برای اجازه خروج از کشور مجبور به پرداخت مبالغ هنگفتی بودند. بدین ترتیب اوائل سال ۱۹۹۰ در رومانی کمتر از ۲۰۰۰۰ یهودی سکونت داشتند که قسمت اعظم آنها پس از فروپاشی رژیم کمونیستی به تدریج از این کشور مهاجرت نمودند.

## وضعیت فعلی یهودیان در رومانی

### الف - شهر واترا دورنای

در چند قدمی بلوار معروف «ایئون آنتسکو» در مرکز شهر «واترا دورنای» که سابقاً روستایی یهودی‌نشین بوده است، در منطقه‌ای مخصوص عابران پیاده، کنیسیا قدیمی و کوچک شهر قرار دارد. حفظ امنیت کنیسیا شهر برعهده ژاندارم‌های رومانی است. دو ژاندارم که در قهوه‌خانه مقابل کنیسیا حضور دارند، ساختمان کنیسیا را مخفیانه و به دقت زیر نظر دارند و مرتباً جویای وضع کنیسیا هستند. بعد از ظهر روزهای شنبه نیز کنیسیا باز است، اما در آن احساسی غم‌انگیز از خاطرات گذشته موج می‌زند. میل‌های قدیمی، لیوان‌ها و کتب مقدسه عبادات روزانه در گوشه‌های خاک می‌خورند. در حال حاضر تنها اتاق کوچکی در کنار سالن اصلی کنیسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آن میز پیش نماز و محل نگهداری تومارهای تورات در وسط قرار دارند.

درست در پشت ساختمان کنیسیا خانم «ملانی محلر» در منزل قدیمی ساز و دو اتاقه مبله سکونت دارد. «محلر» که به نظر می‌آید آخرین مسئول و سخنگوی انجمن کلیسیا «واترادورنای» باشد، قریب چهل سال در اتحادیه کارگران به عنوان حسابدار شاغل بوده و هم اکنون بازنشسته است. همسر وی که مدیریت کارخانه سنگبری را برعهده داشت، هفت سالی است که به دست تقدیر او را تنها گذاشته است. دختر «ملانی محلر» نیز در زمان حکومت دیکتاتوری «چائوشسکو» همانند بسیاری از همکیشان خود، رومانی را ترک گفته است. «ملانی محلر» که در حال حاضر ۷۰ سال دارد چند سالی است که عهده‌دار مسئولیت انجمن کلیسیا «واترادورنای» است. او امکان استفاده از کنیسیا را برای روزهای شبات و اعیاد فراهم می‌نماید، پاسخگوی سؤالات گردشگران است و

## جغرافیای عمومی رومانی

جمهوری رومانی با وسعتی حدود ۲۳۸ هزار کیلومترمربع در جنوب شرقی اروپا واقع شده است. بیش از ۸۶٪ از جمعیت ۲۳ میلیونی این کشور پیرو مذهب ارتدوکس هستند، ۵٪ کاتولیک و ۹٪ پیرو مذاهب دیگر هستند.

پایتخت رومانی، «بخارست» و زبان رسمی آن «رومانیایی» است، که علاوه بر آن زبان‌های لهستانی، صربی و آلمانی نیز رایج هستند.

## قدمت یهودیان رومانی

حضور یهودیان در رومانی فعلی به سده‌های اولیه میلاد مسیح برمی‌گردد. تاجران و سربازان یهودی پس از انحلال سپاه روم در آسیای صغیر، در رومانی فعلی که در آن زمان «داکین» نامیده می‌شد، استقرار یافتند. شهرهای دوک‌نشین «مولداوی» و «والاشی» برای اینکه یهودیان را رعیت خود نمایند، برای آنها حق و حقوقی قائل شدند. وجود چنین شرایط مناسبی که البته گاهی نیز به علت وضع قوانین ضدیهودی توسط بعضی از حکما به علت تمایل آنها به مسیحی نمودن یهودیان به مخاطره می‌افتاد، باعث شد تا جمع کثیری از یهودیان، این منطقه را برای سکونت خود برگزینند. آنها به تدریج از نظر اقتصادی پیشرفت کردند و باعث و بانی راه اندازی مراکز تجاری متعدد و کارخانجات کوچک از جمله کارخانه تهیه آرد شدند. یهودیان علاوه بر آن در صادرات غله، پوست و چارپایان نیز سهم به سزایی داشتند. اما در اواخر قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم میلادی موج عظیمی از فعالیت‌های ضدیهودی در آن سرزمین آغاز شد. این حرکات به ویژه میان مالکان بزرگ، کارخانه داران، مسئولین امور تجاری و به طور کل در هر فعالیتی که احتمال سبقت و پیشرفت یهودیان می‌رفت، نمایان شد. بدین ترتیب در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم قوانین خاص و مجزاکننده‌ای برای یهودیان وضع شد به حدی که در همان بدو امر، ملیت رومانی از آنها سلب شد تا آن که پس از جنگ اول جهانی و با فشار کشورهای غربی مجدداً حق استفاده از ملیت رومانی به یهودیان بازگردانده شد. در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی مجدداً حرکات ضدیهودی از سر گرفته شد. در ۲۱ ژوئن ۱۹۴۱ رومانی با آلمان نازی در جنگ متحد شد. با حمله لشکرهای ضدیهودی، صدها هزار یهودی به ویژه در شهرهای «بوکوفینا» و «بسارابین» قتل‌عام شدند یا به اردوگاه‌های مرگ فرستاده شدند. در کارخانجات متعلق به یهودیان، به اجبار مدیریت به رومانی‌ها واگذار شد و یهودیان از انجام مشاغل خاصی محروم شدند. برای آنها مالیات‌های سنگین وضع شد و وادار به کارهای اجباری و بی‌مزد شدند. در شهرهای دوک‌نشین «مولداوی» و «والاشی» و مناطق جنوبی رومانی، به علت عدم رسوخ ایده

اما تعداد یهودیان شهر کنستانتزا تا قبل از سال ۱۹۴۱ بالغ بر ۲۵۰۰ نفر بوده است. با آغاز جنگ جهانی دوم و گسترش آن به رومانی جمع کثیری از یهودیان به بازداشتگاه‌ها روانه شدند. بسیاری از آنها در نهایت بد اقبالی باز هم شانس آوردند زیرا فقط اموال خود را از دست دادند و با مهاجرت به اسرائیل موفق به نجات جان خود شدند.

در حال حاضر کمتر از ۶۰ یهودی فعال در جامعه یهودی این شهر حضور دارند که اکثر آنها نیز بازنشستگان سالخورده هستند. متأسفانه پس از جنگ اکثر یهودیان رومانی یا با ازدواج با غیریهودی ترک دین کردند و یا آنقدر پیر و سالخورده هستند که دیگر توانی برای حضور فعال در جامعه ندارند. اما علاوه بر عدم کثرت جامعه یهود در این شهر مشکلات اساسی دیگری نیز وجود دارد. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های جامعه فعلی یهود در رومانی سعی در آموزش زبان عبری به فرزندان خود دارند. آنها در یکی از طبقات ساختمان انجمن کلیسای موفقی به تشکیل کلاس‌های موقت شده‌اند. رئیس انجمن کلیسای این شهر در بخش دیگری از صحبت‌های خود اظهار می‌دارد: «زحمت اصلی تشکیل کلاس‌های آموزش عبری برعهده مرد بازنشسته شصت ساله‌ای به نام «وکسلر» است که علاوه بر تدریس، اعانات را جمع‌آوری می‌نماید و تا حدی نیز از امور مذهبی مطلع است. او با وجود سن نسبتاً بالا با میل و اشتیاق از عهده مسئولیت‌های خود برمی‌آید. اما از انجانی که جدیداً سکنه کرده است باید کمی از فعالیت‌های خود بکاهد.» «وکسلر» در شهر بوکوسی - مولداوی متولد شده و در آغاز سال‌های ۶۰ میلادی مثل بسیاری از همکیشان خود رومانی را به قصد اسرائیل ترک نمود. وی در دسامبر ۱۹۸۹ مجدداً به وطن خود مراجعت نمود و همسرش نیز در شغل و کالت مشغول است.»

در انتهای راهرویی که در آن کلاس‌های آموزش عبری و دفتر انجمن قرار دارد، سالی کنیسا نیز با نمکت‌های چوبی دیده می‌شود. در کنیسا، کمدی با پوشش پارچه‌ای قرمز رنگ دیده می‌شود که روی آن ستاره حضرت داوود دوخته شده است. روی این کمد منورایی (شمعدان هفت شاخه) قرار گرفته که به مرور زمان دو شاخه آن گم شده است. اکثر بازدیدکنندگان یهودی این شهر، از این که کنیسای کنستانتزا به عنوان دومین شهر بزرگ رومانی از فعالیت بازایستاده است بسیار متأسف هستند.

علت شهرت کنستانتزا به عنوان بزرگترین بندر دریای سیاه از گذشته به خاطر حضور مسالمت‌آمیز اقوام یونانی، ترک، رومانی و یهودی در کنار یکدیگر بوده است که هم اکنون نیز در مقایسه با دیگر کشورهای از هر نوع امکاناتی برخوردار است. تا قبل از آغاز جنگ جهانی دوم در این شهر دو باب کنیسا وجود داشت: یک باب کنیسای سفارادی به سبک گوتیک-کاتالونی که در دوره حکومت چائوشسکو خراب شد، و یک باب کنیسای اشکنازی که در سال ۱۹۱۱ بنا شد. این کنیسا در حال حاضر نیز وجود دارد اما به علت خطر فروریختن اجازه ورود به آن داده نمی‌شود. رئیس انجمن کلیسای کنستانتزا در مورد تعمیر

کنیسای مذکور می‌گوید: «حدافل هزینه تعمیر یکصد و بیست هزار دلار خواهد بود که مشخص نیست چه موقع ما به چنین سرمایه‌ای دست یابیم.»

بدین ترتیب کلیه مراسم مذهبی حتی مراسم سال نو عبری در سالن ساده ذکر شده در ساختمان انجمن کلیسای برگزار می‌شود. متأسفانه اهالی این شهر خواهان اجرای دقیق و کامل مراسم مذهبی نیستند و بیشتر به صورت ظاهری در مراسم شرکت می‌کنند. اکثراً ترجمه متون مذهبی به زبان‌های انگلیسی و رومانی قرائت می‌شود. زحمت اجرای این مراسم نیز برعهده وکسلر است که اخیراً به عنوان پیش‌نماز نیز فعالیت می‌کند. مدتی است که یک یهودی انگلیسی نیز به جهت مأموریت اداری به کنستانتزا نقل مکان نموده است و به «وکسلر» کمک می‌کند. وی در ابتدا مرتباً از موقعیت یهودیان در این شهر شگوه می‌نمود، اما کم‌کم متوجه شد که چاره‌ای وجود ندارد.

البته شایان ذکر است که اکثر مردم رومانی در وضعیت مشابهی زندگی می‌کنند. تنها با این تفاوت که یهودیان از کمک‌های همکیشان خود در سایر کشورها نیز برخوردارند. وکسلر بعنوان پیش‌نماز موقت کنستانتزا معتقد است: «با توجه به روند فعلی تا ده - پانزده سال آینده خبری از انجمن کلیسای کنستانتزا نیز نخواهد بود.»

### ج - شهر بخارست

بزرگترین اجتماع یهودیان رومانی، در بخارست دیده می‌شود. در این شهر علاوه بر کنیسای «کورال» که در سال ۱۸۶۶ ساخته شده و در حال حاضر کنیسای اصلی بخارست محسوب می‌شود، سه باب کنیسای دیگر نیز وجود دارد که در آنها مراسم مذهبی نیز برگزار می‌شود. علاوه بر آن دو باب کنیسای دیگر نیز در بخارست وجود دارد که به عنوان موزه جهت بازدید عموم دایر است. امور مذهبی در این شهر تحت نظر حاخام «گلانتز» اداره می‌شود و صلاحیت وی توسط رهبران مذهبی که گهگاه از اسرائیل به بخارست می‌روند تأیید شده است. جامعه یهود بخارست در حال حاضر بالغ بر پنج هزار عضو دارد. رئیس انجمن کلیسای بخارست می‌گوید: «اکثر افرادی که در مراسم مذهبی شب شنبه شرکت می‌کنند بالای ۶۵ سال هستند و تعداد جوانان شرکت کننده در مراسم مذهبی یا به عبارتی گروه سنی زیر سی سال تنها دو تا سه درصد است. بدین ترتیب عملاً تنها نسل قدیمی است که خود را به اعتقادات و مراسم مذهبی وابسته می‌داند. اما فعالیت‌های جامعه یهودی بخارست از نظر فرهنگی - اجتماعی در مقایسه با دیگر جوامع اروپای غربی بسیار متنوع است. تنها در این شهر که زیاد هم تروموند نیست پنج گروه مستقل موسیقی و هنری فعالیت می‌کنند. از جمله می‌توان به دو گروه همخوانی (کر) به نام «تلمود - تورا» اشاره نمود که دارای ۴۰ عضو است. علاوه بر آن دو گروه رقص و آواز به نام‌های «منورا» و «کل زمر» نیز مرتباً برای یهودیان و جامعه اکثریت برنامه اجرا می‌کنند.

علاوه بر آن برنامه‌های هنری دیگری شامل تئاتر توسط هنرپیشگان یهودی روی صحنه می‌رود. ازجمله مراکز علمی - فرهنگی بین‌المللی

در بخارست می‌توان به «مرکز تاریخ‌شناسی یهودیت» و «موزه یهودیت» اشاره نمود. «موزه یهودیت» در این شهر پس از جنگ در سال ۱۹۷۸ و به همت یکی از رهبران مذهبی به نام «موشه روزن» در محل سابق کنیسا تأسیس شد. در سال ۱۸۵۰ در این محل کنیسایی فعالیت می‌کرده است. علاوه بر این در این موزه انتشارات «همسفر» نیز فعالیت می‌نماید. «همسفر» طی سال مطالب زیادی در ارتباط با یهودیان شرقی، آثار تاریخی و نحوه زندگی آنها منتشر می‌نماید.

هر دوهفته یکبار نشریه‌ای به نام «واقیعت یهود» راجع به وقایع مهم سیاسی-فرهنگی در خارج و داخل کشور گزارش می‌دهد. این دوهفته نامه به زبان رومانیایی چاپ می‌شود و در آن صفحاتی به زبان‌های انگلیسی و عبری نیز اختصاص داده شده است. صاحب امتیاز و سردبیر «واقیعت یهود» سعی در معرفی یهودیت به شکل بین‌المللی به ویژه اعلام فعالیت‌های علمی و فرهنگی داخلی جامعه یهود رومانی دارد. روزنامه دیگری نیز به نام «تریبون ضدفاشیستی» هر سه ماه یکبار چاپ می‌شود. این فصلنامه بیشتر در مورد خطرات رو به افزایش گروه‌های راست گرا و تندرو که جدیداً طرفداران زیادی پیدا کرده است خبر می‌دهد.

اما چگونه است که جامعه نسبتاً کوچک یهودی در رومانی فعالیت گسترده دارد و غیرغم سیرصعودی مهاجرت‌ها و کاهش دائمی اعضا هنوز در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی حضور دارد؟ رئیس انجمن کلیسای بخارست در پاسخ این سؤال می‌گوید: «اکثر یهودیان تا قبل از جنگ جهانی دوم به تجارت، کارهای صنعتی، کشاورزی یا کارهای ساده مشغول بودند و در کنار آنها هنرمندان، نویسندگان، پزشکان و افراد نامدار دیگری بودند که در فرهنگ رومانی نقش به سزایی داشتند. از جمله می‌توان به «الی ویزل» برنده جایزه نوبل، «لویگن اینونسکو»، نویسنده، «رادولوبو»، موسیقی‌دان و «ژول پاسکین»، هنرمند اشاره نمود. اما پس از جنگ جهانی دوم و کشتار یهودیان اثری از کشاورزان و جامعه یهود باقی نماند و تنها معنویت یهود یا به عبارتی آثار فرهنگی به جای مانده از یهودیان از این نزاع جان سالم به در برد. این معنویت به جای مانده به آداب و رسوم نزدیک شد و آثار به جای ماندنی از خود ساخت که هنوز پابرجا و باعث ادامه حیات جامعه فعلی یهود شده است.»

یکی از شاعران یهودی در توصیف جامعه یهود رومانی به شرح رویداد زیر پرداخته است: «در سال‌های دهه هفتاد گروهی از هنرپیشگان تئاتر یهودی طی سفر دور دنیای خود برای اجرای برنامه وارد شهر کوچکی در مولداوی شدند. در شبی که می‌بایست تئاتر به روی صحنه می‌رفت تنها یک مرد مسن در سالن حضور داشت. کارگردان از تنها تماشاچی، سراغ دیگران را گرفت. او پاسخ داد فرد دیگری باقی نمانده و من آخرین بازمانده هستم. اما هنرپیشگان صرفنظر از تعداد تماشاچیان و در نهایت دقت برنامه خود را اجرا نمودند». به نظر می‌آید وجود چنین دیدگاهی است که هنوز یهودیت را در رومانی زنده نگه داشته است زیرا آنها برای ادامه حیات خود در رومانی نیازی به کثرت افراد نمی‌بینند. ■

# لباس

## و آرایش یهودیان

مترجم: پیمان متین



پوشش مردان یهودی در همدان مربوط به سال ۱۸۸۵ میلادی

سال‌های بعدی صرفاً دوره‌ای بوده، بستگی به حاکمان یا فرمانروایان محلی داشته است. حکام سلجوقی که دلبستگی زیادی به تسنن داشتند، جو غیرقابل تحملی را حتی برای شیعیان فراهم آورده بودند. در سال ۱۰۸۵ م. طی حکومت جلال‌الدین ملک‌شاه، قوانین عمر یکبار دیگر به مرحله اجرا درآمد و در سال ۱۰۹۱ م. وی دستور داد تا زنان کلیمی علاوه بر تکه پارچه مشخص شده، باید کفش‌های لنگه به لنگه و غیرهم‌رنگ بپوشند. اشعار فوق‌الذکر و بسیاری دیگر از این دست در آن دوره، بیانگر رواج کاربرد تکه پارچه زردرنگ در آن زنان می‌باشد.

پس از استقرار حکومت صفویه به سال ۱۵۰۱ م.، ایذا و اذیت اقلیت‌ها مجدداً آغاز شد و به متهمی درجه خود رسید. طی سلطنت شاه‌عباس اول، قوانین تبعیض‌آمیز دوباره بر یهودیان تحمیل شد. مردان یهودی مجبور شدند کلاهی یازده ترک (در تقابل با کلاه رنگی مجزا داشت به سر کنند و دور آن پارچه‌ای قرمز رنگ به طول سه ذرع (حدود ۵/۳ یارد) بپیچند. متعاقباً آنها از گذاردن عمامه (به شیوه مسلمان) منع گردیدند. زنان ملزم بودند که زنگوله‌هایی را به ته چادرهایشان بدوزند تا آنکه مسلمانان از ورود ایشان باخبر شوند. اینها نشان می‌دهد که یهودیان نیز همانند سایر ایرانیان لباس می‌پوشیده‌اند، چرا که مجبور می‌شدند مقولاتی را جهت تمایز به

خلیفه دوم، عمر بن خطاب (دوره حکومت ۶۳۴-۶۴۴ م.)، وضع گردید. بنا بر فرمان وی، یهودیان می‌باید لباسی به رنگ خاص بپوشند و از گذاردن انگشتری نگین‌دار در انگشتان، منع شدند. در سال ۸۰۷ م.، خلیفه مشهور عباسی، هارون الرشید (دوره حکومت: ۷۸۶-۸۰۹ م.) به منظور محدودیت بیشتر اقلیت‌ها، ابتدا استفاده از قطعه پارچه‌ای آبی رنگ را برای مسیحیان و سپس قطعه پارچه‌ای زرد رنگ را برای یهودیان، تکلیف کرد. اشارات موجود به این قطعه پارچه زرد رنگ در ادبیات کلاسیک فارسی - تحت عناوین عسلی، یهودانه یا یهودیانه، و غیر- و نبود هرگونه اشاره به پارچه آبی رنگ مسیحیان، نشان‌دهنده آن است که یهودیان هدف مشخص چنین تبعیض‌هایی بوده، و استفاده از این تکه پارچه‌ها، گرچه گهگاه، تنها بر ایشان تحمیل می‌شده است.

زغزل و می چو تیر و گل نشود  
پشت چو چوگان و روی چون عسلی  
ناصر خسرو (۱۰۰۳-۱۰۶۰ م.)

گردون یهودانه به کتف کبود خویش  
آن زرد پاره بین که چه پیدا برفاکنند  
خاقانی (متوفی: ۱۱۹۹ م.)

خلیفه متوکل (دوره حکومت: ۸۴۷-۸۶۱ م.) قوانین دست و پاگیرتری را وضع کرد و به یهودیان، پوشیدن جامه‌ای زردرنگ را تکلیف نمود. طی حکومت خلیفه فاطمیه الحکیم (دوره حکومت: ۹۹۶-۱۰۳۱ م.)، چنین محدودیت‌های تحقیرآمیزی به درجه اعلاء خود رسید. او مقرر داشت که یهودیان تصویری از یک گوساله را به دور گردن خویش بپوشانند. معهذاً، چنین نشانه‌هایی در

در مورد پوشاک یهودیان ایران در ادوار باستانی اطلاعات بسیار ناچیزی موجود است.\* با این حال در کتب متعدد تورات و سایر منابع مقدس که بیانگر تماس یهودیان با دربار شاهان پیش از اسلام است، اشاراتی کوتاه به نحوه لباس پوشیدن آنها شده است. در هر حال، بحث در این خصوص و در این زمان، بیشتر بر پایه حدس و گمان خواهد بود. با یک بررسی دقیق بر روی متون دینی یهود، می‌توان حدس زد که یهودیان در دربارها - مثلاً ملکه‌هایی نظیر استر یا شوشندخت افسانه‌ای، و یا رایزنانی چون مردخای یا دانیال نبی - همانند سایر درباریان لباس می‌پوشیده‌اند که البته احتمالاً استثنائاتی در مورد برخی مقولات یا نمادهای مذهبی در خصوص نوع پوشش نیز، رعایت می‌شده است. این حقیقت که یهودیان نیز هر از چند گاه در ارتش انجام وظیفه می‌کرده‌اند، این فرضیه را که احتمالاً آنان نیز همچون سایر مردمان کشور لباس به تن می‌کرده‌اند، بیش از پیش قوت می‌بخشد. هیچ نشانی از وجود لباسی متمایز از دیگران، در این دوران دیده نمی‌شود.

اندک زمانی پس از ظهور اسلام در نیمه اول قرن هفتم میلادی، موازین تحقیرآمیز در خصوص پوشش و همچنین سایر قوانین لازم‌الاجرا برای اقلیت‌های مذهبی توسط

\*- مطلب حاضر، گزیده ترجمه فصلی است از کتاب «فرزندان استر»، تحت همین عنوان به قلم هایدو سهیم. برای اطلاعات بیشتر ←

Esther's children. A portrait of Iranian Jews, ed. Houman Sarshar, 2002, Philadelphia. pp.95-175.



چین می‌خورد و گاه با خز استردار می‌گردید و نیز عبا، می‌پوشیدند. مردها تنها در زمستان جوراب به پا می‌کردند. کفش‌ها عموماً بی‌پاشنه و پشت‌باز بودند، یا آن که «گیوه»، که نوعی کفش بافتنی با کفه‌ای چرمی است، می‌پوشیدند. در سال‌های بعدی نوعی روکفشی نیز معمول گردید.

جنس پارچه این لباس‌ها به میزان ثروت فرد بستگی داشت و می‌توانست از پشم یا نخ ساده تا بهترین پشم کشمیری، ابریشم و حتی گلابتون‌دوزی با قلابدوزی‌هایی در جلو و پشت، نظیر ارخالق، یا خزدوزی شده در حواشی و سراسر آن‌ها، همچون کلیجه، متفاوت باشد.

پوشش سر در ایران بسیار اهمیت داشت، به طوری که هیچ مردی را سر برهنه نمی‌شد دید. مردان مسلمان و یهودی دست کم نوعی عرقچین بر سر می‌گذاشتند، به خصوص در تابستان و در خانه. مردان یهودی بر روی عرقچین کلاهی نمدی گذاشته یا آن که به دور آن عمامه‌ای کوچک می‌بستند. مردان عادی کلاهی ساده، گرد و نمدی به شکل یک طابلی نصفه، به سر می‌کردند و حال آن که متمولین کلاه‌هایی از جنس پوست بره ایرانی می‌پوشیدند. کلاه‌های اوایل قرن نوزدهم میلادی بلند و مخروطی شکل بود، در حالی که کلاه‌های اواخر این قرن، بیشتر کوتاه و استوانه‌ای بودند.

تقریباً هیچ عکسی از زنان یهودی در اواسط قرن نوزدهم میلادی در دست نیست، اما می‌توان حدس زد که آنان نیز همانند مردان، لباس‌هایی مشابه مسلمانان به تن می‌کرده‌اند. جامه اصلی زنانه در اواخر قرن نوزدهم میلادی عموماً شامل شلوارکی گشاد به نام تنبان که در کمر با بندی گره می‌خورد، دامنی پف‌دار به نام شلیته، پیراهنی آستین بلند و بدون سراسرستین تحت همین نام پیراهن، و نوعی نیم‌تنه چسبان و آستین بلند به نام آرخالق که با نوع مردان فرق می‌کرد، بود. دامن‌های کوتاهی که برای مدت زمانی کوتاه در اواخر سال‌های ۱۸۷۰ م. طی حکومت ناصرالدین شاه باب شدند، از لباس بالربین‌های اروپایی الهام گرفته شده بود که سخت مورد توجه زنان شاه پس از سفرش به اروپا قرار گرفت. معهذاً، احتمالاً زنان محجوب‌تر و همچنین زنان کلیمی با حیاط، انواع ساده‌تر و

در سال‌های بعدی، مدرکی دال بر وضع قوانین تحقیرآمیز جدید، یافت نمی‌شود. عکس‌های یهودیان در قرن نوزدهم میلادی، نشان می‌دهد که در کل تمایزی بین آنها و مسلمانان نیست، به شرط آن که استطاعت مالی لازم را برای پوشیدن لباس‌های خوب می‌داشتند، مگر در مورد آرامنه یا زرتشتیان که از روی لباسشان به خوبی قابل تشخیص هستند. مثلاً زنانشان به ترتیب روسری‌های بزرگ سفید یا دیگر رنگ‌های روشن به سر می‌کردند و برخلاف سایرین -

یعنی یهودیان و مسلمانان که خود را با چادر می‌پوشاندند - صورتشان را باز نگاه می‌داشتند. مردان یهودی لباسی مشابه مردان مسلمان به تن می‌کردند.

به طور کلی، جامه اصلی مردان در اواخر قرن نوزدهم میلادی شامل پیراهنی بود بی‌یقه و بی‌سر و آستین به نام پیراهن، شلوار و بالاپوشی به نام قبا. شلوار تا چند اینچ بالاتر از قوزک پا می‌آمد و در ناحیه کمر با بندی که در جلو گره می‌خورد، بسته می‌شد. مردان حکومتی شلوارهایی باریک و بلند می‌پوشیدند. روی شلوار بالاپوشی سه‌ربعی با یقه هفت به نام قبا پوشیده می‌شد که تا نزدیکی زانوهای می‌رسید (هر چه وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر بود، طول این بالاپوش کوتاه‌تر می‌شد). این بالاپوش چاک‌هایی برای سهولت حرکت در طرفین داشت، همراه با آستین‌هایی بلند یا کوتاه. قبا را با یک شال به دور کمر می‌بستند. بهترین نوع این شال از جنس پشم لطیف کشمیر بود. در مورد افراد کم بضاعت تکه پارچه‌ای بلند و باریک و حتی یک طناب نقش شال را ایفا می‌کرد. کت یا نیم‌تنه‌ای آستین‌دار و رنگی با جیب‌هایی بر آن به نام «آرخالق» اغلب زیر قبا پوشیده می‌شد. بسته به فصل سال یا توان مالی فرد، مردان بر روی همه اینها بالاپوشی به نام «کلیجه» که در پشت



پوشش زنان کرد یهودی ایران مربوط به سال‌های ۱۹۰۰-۱۸۱۰ میلادی

البسه خود اضافه کنند که فلسفه وجودی چنین قوانینی نیز، همین تمایز بوده است. باید دقت داشت که تفاوت‌های موجود در پوشاک، منطقه‌ای بوده است. برای مثال، یهودیان کردستان، چنانچه عکس‌های به دست آمده از ادوار بعدی نشان می‌دهند، درست به شیوه کردها لباس می‌پوشیدند. قوانین تبعیض‌آمیز درخصوص پوشاک طی حکومت شاه عباس دوم به اوج خود رسید، به طوری که نامبرده دستور داد علاوه بر قطعه پارچه زرد رنگ، یهودیان اجازه پوشیدن جوراب نداشته و می‌بایست کفش‌های لنگه به لنگه پا کنند. زنان یهودی حق نداشتند چهره خود را بیوشانند (چهره باز نشان بی‌بندوباری و بی‌حیایی بود) و باید چادری دورنگ به سر می‌کردند. مردان یهودی اجازه نداشتند لباس‌های فاخر بپوشند یا ریش خود را اصلاح کنند و می‌باید سر خود را بتراشند. آنها مجبور بودند بالاپوش‌های سبز یا قرمز به تن کنند و به جای شال، طنابی به دور کمر خود ببندند. از طرفی، هنگام رفتن به خیابان، می‌بایست عبا یا خود را (که بالاپوشی بود بی‌دگمه و جلو باز که چاک‌هایی برای عبور دستان از دو طرف داشت) نپوشند، بلکه آن را با دست حمل کنند.

خاص در جهت محدودیت لباس‌ها مجدداً وضع گردید که ابتدا در همدان و سپس در برخی دیگر از شهرها پیاده شد، که طبق آن وصله قرمز رنگ «یهودی» دوباره تحمیل گردید. افزون بر وصله قرمز، یهودیان موظف بودند البسه پاره بپوشند، پوشش رویی آن‌ها رنگ خاصی داشته باشد، و حق نداشتند جوراب و عبا بپوشند.

مردان کلیمی مجبور شدند که جلوی موهای خود را بتراشند. روپند سیاه نیز دوباره اجباری گردید. وصله اجباری تا سال ۱۸۹۸ م. همچنان تداول داشت تا آن که رئیس مدرسه جهانی آلیانس\*\* در تهران با مقامات دولتی و روحانی به مذاکره پرداخت و قرار شد به جای این وصله، نشان فلزی مدرسه را به شکل گل سینه بکار برند. این روش در سایر شهرهایی که مدارس جدیدالتاسیس آلیانس در آنها افتتاح می‌شد به کار رفت و به زودی وصله‌ها به بوتۀ فراموشی نهاده شدند. دانش‌آموزان آلیانس نیز از اونیفرمی به سبک البسه اروپایی استفاده می‌کردند.

در مجموع، ایرانیان یهودی از اولین اشخاصی بودند که سبک البسه غربی را که تحت نفوذ مبلغین و فرانسویان وارد شده بود، پذیرا گشتند، هر چند که این سبک‌ها در عوام‌الناس مقبول نیفتاد.

در سال ۱۹۲۸ م. اندک زمانی پس از سلطنت رضا شاه (دوره حکومت: ۱۹۲۵-۱۹۴۱ م.) نامبرده تمامی مردان را به پوشیدن کت و شلوار اروپایی و کلاهی شبیه «کپی» فرانسوی که در ایران به آن کلاه پهلوی می‌گفتند، مکلف ساخت. او همچنین در سال ۱۹۳۶ م. پوشیدن چادر و روسری را برای زنان قدغن کرد. این قانون در آغاز با مقاومت مواجه شد، حتی از سوی زنان یهودی، اما سرانجام با زور و اجبار، فرمان شاه غالب آمد و بالاخره هر نوع تمایز در پوشاک، کاملاً منسوخ گردید. ■



اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان و حبراء در سال ۱۲۷۷ شمسی با لباس‌های روز خود

دادن ثروت خود، رواج داشت. جواهرات و البسه زربافت نه تنها نشان‌دهنده توجه و عشق شوهر به همسرش بود، بلکه بیانگر ثروت زن، یعنی تنها چیزی که می‌توانست پس از طلاق یا مرگ همسر برای خود نگه دارد و به وارث ندهد، محسوب می‌شد. به همین دلایل، چنین زنانی مایه غبطه سایرین بودند، بنابراین هیچ تردیدی در به رخ کشیدن یک چنین دارایی، به خود راه نمی‌دادند. اما معمولاً آنها را در بیرون از خانه از بیم حمله رهگذران، به بر نمی‌کردند.

هنگام ترک خانه، زن باید پوششی را به تن می‌کرد که دامن، شلوار و پاهایش را بپوشاند. این پوشش، چاقچور نام داشت. روی آن نیز چادر سیاهی می‌پوشیدند که گاه دور کمر مثل پیش بند گره می‌خورد. چنین زنی به طور تمام و کمال، پوشیده بود. برای پوشانیدن صورت از قطعه پارچه‌ای به نام روپند که روی صورت را می‌گرفت و از پشت با بندهایی دورسر گره می‌خورد، استفاده می‌کردند. روپند زنان مسلمان سفید و از آن کلیمیان مشکی بود، بعدها روپندی کوچک‌تر بافته شد از موی سیاه اسب تحت نام پیچه در بین زنان یهودی تداول شد.

در سال ۱۸۹۲ م. ، با تحریکات مردی روحانی به نام آخوند ملا عبدالله، قوانینی

بلندتر چنین دامنه‌هایی را به بر می‌کردند. تنبان بعدها با شلوارک‌هایی بلند که گاه در قوزک گره می‌خورد و بعدها با جوراب پوشیده می‌شد، جایگزین گردید. بسته به موقعیت و سلیقه فرد، شلیته و تنبان سوزن‌دوزی می‌شد و گاه تمامی آن با طلا و نقره مزین می‌گردید. روی همه اینها نیم‌تنه‌ای کوتاه به نام ارخالق می‌پوشیدند. ارخالق زنانه چسبان و کوتاه بود تا کمر، و آستین‌های بلندی داشت. جلوی آن باز بود و گاه در کمر دگمه می‌خورد. جوراب صرفاً در زمستان یا خارج از منزل پوشیده می‌شد. جوراب‌ها نیز در طرح‌های مختلف قلابدوزی یا سوزن‌دوزی می‌شدند. زنان موی سر خود را با روسری بلندی که در زیر چانه با سوزنی بسته می‌شد، می‌پوشانیدند. کیفیت این روسری به وضعیت اقتصادی صاحبس بستگی داشت. پوشش‌های سر از انواع توری‌های زردوزی شده، همانند اشارپ‌های عروس روسی دوخته می‌شد که در بین زنان کلیمی بسیار متداول بودند، شاید به این دلیل که محدودیت‌های شدید جهت پوشاندن موها در میان یهودیان وجود نداشت. لباس‌های عروس و حتی چادرها را نیز از چنین الیافی می‌دوختند. ژاکت‌ها و دستمال‌سرها سوزن‌دوزی می‌شدند، به خصوص زری‌دوزی تحت عنوان نقده که بسیار در میان یهودیان متمول به جهت نشان

\*\* - Alliance Israelite Universelle School.

# گنجینه‌های فرهنگ یهودیان ایران

به مناسبت آماده‌سازی فرهنگ فارسی - عبری مرحوم سلیمان حیییم



زننه یاد «استاد سلیمان حیییم»

سعدی و حافظ و شعرای دیگر در آن راه یافته و چنان که ذکر کردیم، در این قسمت افعال مرکب هم گنجانیده شده در صورتی که وجود آنها در این مجموعه محلی ندارد، زیرا آنها را نه جزو اصطلاحات می‌توان به حساب آورد و نه جزو عبارات اصطلاحی. ایراد دیگری که به این کتاب می‌توان گرفت این است که در ترجمه امثال، و مخصوصاً در مواردی که به جای ترجمه عینی معادل و مترادف آنها از زبان انگلیسی نقل شده، مولف اصالت آنها را حفظ نکرده است. ■

در این همچنین، هم‌چنین، در این قسمت، کلمات پندآموز زیادی از ادبیات کلاسیک ایران با اشاره به مأخذ آنها ضبط شده است.

قسمت دوم کتاب شامل بیش از سه هزار و پانصد اصطلاح و تکیه کلام و کلمات قصار و حتی افعال مرکبه است. در این قسمت امثال و حکم فولکلوری از امثال سایر تفکیک شده و گونه‌های مختلف امثال هم ذکر گردیده است.

هر چند این قسمت کتاب اصطلاحات و عبارات مصطلحه نام دارد، مثل‌ها و تمثیل‌ها و امثال سائره زیادی از تالیفات

هم‌اکنون به همت گروهی از خبرگان و مطلعین در امور فرهنگ‌نویسی و آشنا به زبان عبری و فارسی، فرهنگ فارسی به عبری سلیمان حیییم به وسیله انجمن کلیمیان تهران در دست انتشار است. لازم به یادآوری است که فرهنگ عبری به فارسی سلیمان حیییم در سال ۱۳۶۰ به وسیله انجمن کلیمیان تهران آماده و منتشر شده است.

فرهنگ فارسی به عبری سلیمان حیییم که هم‌اکنون مقدمات انتشار آن از طرف انجمن کلیمیان تهران فراهم شده است گنجینه گرانبهای ادبیات فارسی است که مرحوم سلیمان حیییم با آن آشنایی کامل داشته‌اند. می‌توان گفت موفقیت سلیمان حیییم در کار فرهنگ‌نویسی بیشتر ناشی از تسلط او بر زبان فارسی بوده است، سلیمان حیییم در کار جمع‌آوری مجموعه امثال و زبان مردم کوچه و بازار و ترجمه آن به زبان انگلیسی نیز توانائی‌های قابل تحسینی از خود نشان داده است. آرزین‌پور در کتاب «از نیما تا امروز» که شرح حال نویسندگان و همچنین تحولات شعر و زبان فارسی را در آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است در باره سلیمان حیییم می‌گوید:

«در سال ۱۳۳۴، مجموعه‌ای به نام امثال فارسی - انگلیسی، به همت سلیمان حیییم، مؤلف فرهنگ‌های فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی، منتشر شد. این کتاب عبارت از دو قسمت است.

قسمت اول امثال و تعبيرات مثلی، اصطلاحات مثلی می‌باشد. در مقدمه‌ای که مؤلف به فارسی و انگلیسی نوشته از مقام



## نگرش ادیان توحیدی به روزه

گزارش کارگاه آموزشی تجربی نگرش ادیان توحیدی به روزه

### روزه و نگاه ادیان



روزه‌ای نیست که شما می‌گیرید و چند ساعتی خود را رنج می‌دهید و گرسنه می‌مانید. هدف خدا آزادی بردگان و پاره کردن زنجیرهای ظلم و ستم است و توجه به معنویاتی است که در پشت روزه نهفته است.

وی در پایان گفت: این آیه در صبح روز یوم کبیور در همه کنیسه‌ها خوانده

گروه جوانان موسسه گفت‌وگویی ادیان گروهی است تازه تاسیس متشکل از ۷ عضو از دین‌های اسلام، مسیح، یهود و زرتشت که هدف اصلی آن ایجاد صلح در میان پیروان ادیان و مذاهب با تاکید بر مشترکات آن‌هاست.

این گروه روز ۷ آبان ۸۳ با دعوت از ۳ کارشناس دینی از اسلام، یهودیت و مسیحیت جوانان حاضر در جلسه را با روزه در این ۳ دین توحیدی آشنا کرد. در این جلسه ابتدا مهندس آرش آبائی، نماینده انجمن کلیمیان تهران درباره روزه در دین یهود سخنانی ایراد کرد. آبائی گفت: در شریعت یهود سه راه متعارف برای نزدیکی به خدا و کسب رحمت او موجود است: صم، قل، و مامون، یعنی روزه، دعا، و صدقه. بنابراین یک فرد مومن یهودی روزه می‌گیرد تا به خدا نزدیک شود.

**روزه‌ای که مورد نظر خداست، روزه‌ای نیست که شما می‌گیرید و چند ساعتی خود را رنج می‌دهید و گرسنه می‌مانید. هدف خدا آزادی بردگان و پاره کردن زنجیرهای ظلم و ستم است و توجه به معنویاتی است که در پشت روزه نهفته است**

وی از روزه یوم کبیور به عنوان روزه بزرگ و مهم‌ترین روزه در آیین یهود نام برد و گفت: روزه یوم کبیور، یا روزه توبه مهم‌ترین واقعه مذهبی یهودیان در طول سال است؛ روزی که تمام اقشار یهودی آن را گرامی می‌دارند، زیرا در این روز گناهان بخشوده می‌شوند.

وی سپس با ذکر این مطلب که سایر روزه‌های واجب آیین یهود به مناسبت‌های مختلف تاریخی و بلاایی که بر قوم آن‌ها نازل شده است، گرفته می‌شود، سپس از روزه‌های مستحب آیین یهود نام برد و گفت: هدف از روزه گرفتن فقط گرسنگی دادن به جسم نیست. یسعیای نبی، یکی از پیامبران یهود در پاسخ به گروهی از یهودیان که انتظار داشتند خداوند به روزه جسمانی‌شان توجه کند و همه حاجت‌های آن‌ها را برآورده کند، گفت: روزه‌ای که مورد نظر خداست،

آسمان‌ها بیندازد، زیرا جایی که گنج سماست، دل‌های شما نیز آنجا خواهد بود. قابل توجه است که مسیحیان در تمام طول سال چهارشنبه‌ها و جمعه‌ها را روزه می‌گیرند؛ چهارشنبه‌ها به خاطر رای به مرگ مسیح و جمعه‌ها به خاطر مرگ مسیح. آن‌ها در حقیقت از خوردن مواد پروتئینی امساک می‌کنند، اما می‌توانند گیاهخواری کنند.

سخنران آخر این کارگاه، دکتر حجت‌الله جوانی، استاد دانشگاه الزهرا به تبیین و تشریح روزه در دین اسلام پرداخت. دکتر جوانی گفت: وقتی پیامبری مبعوث می‌شود، مجموعه‌ای از اعتقادات را به مردم متذکر می‌شود که این تذکرات دستگاه نظری اعتقادات دینی را تشکیل می‌دهد، اما برای اینکه این دستگاه نظری تقویت شود و جلوه عملی پیدا کند، به یک دستگاه عملی یا به تعبیر دیگر احکام، آیین و مناسک نیاز است. ما با پذیرش اختیاری این احکام در حقیقت رابطه دوستی بین خدا و خودمان را تقویت می‌کنیم.

بعد از سخنرانی‌ها، شرکت‌کنندگان در کارگاه تجربی در ۳ گروه مجزا به بحث راجع به لزوم اجرای مناسک دینی، از جمله روزه پرداختند، آثار اجتماعی و فردی مرتبط بر آن را بررسی کردند و نظر خود را راجع به این که تاکید بر آموزه‌های مشترک ادیان چگونه می‌تواند باعث نزدیکی پیروان آن‌ها به یکدیگر و ایجاد دنیایی پر از صلح و آرامش شود، اعلام کردند. ■

می‌شود تا مردم بدانند هدف خداوند چیزی فراتر از یک روز گرسنگی است. در ادامه کشیش آشو تمرز سخنان خود را با آیه‌ای از انجیل متی، باب چهارم آغاز کرد که مسیحیان را به روزه دعوت می‌کند، و گفت: در مسیحیت روزه نه تنها روزه ظاهری، بلکه روزه باطنی و معنوی است؛ دوری از شریران و گناهان بزرگ‌ترین فایده برای متدینین است. خداوند سه آزمایش را در کتاب مقدس برای مسیح مطرح کرد تا او را به کمال انسانیت برساند؛ سه آزمایشی که آدم و حوا از آن موفق بیرون نیامدند. این سه وسوسه‌ای که همیشه انسان‌ها را به خود مشغول داشته باعث شده که در تمام ادیان روزه یکی از واجبات باشد و اولین چیزی که مورد آزمایش قرار می‌گیرد، گرسنگی است. کشیش تمرز از انتظار به عنوان دومین شاخصه از تکبر به عنوان سومین وسوسه نام برد و افزود: انسان امروزی با تکبر در ستیز است. دوست دارد تمام دنیا مال او باشد؛ روزه به ما یاد می‌دهد از چیزهایی که درگیر آن هستیم، یعنی روزمره‌گی فاصله بگیریم و به جایی برسیم که ببینیم اطرافیان ما چگونه زندگی می‌کنند.

کشیش آشو تمرز سخنان خود را با آیه‌ای از انجیل در همین مورد پایان داد: گنج‌های خود را در زمین میندوزید که زنگ یا بید آن‌ها را زیان می‌رسانند، یا دزدها نقب زده، آن‌ها را می‌دزدند؛ بلکه گنج‌ها برای خود در



## نگاهی به زندگی و آثار

### خانم الفریده یلی‌نک

### برنده جایزه ادبی نوبل ۲۰۰۴

ادیب انسان دوستی که تجاوز و ستم را تحمل نمی‌کند.

عزیز (Wir Sind Lockvogel Baby) در ۱۹۷۰ چاپ و منتشر کرد. یلی‌نک پس از چند سال زندگی در برلن و رم در اوایل دهه ۱۹۷۰ با گات فرید هونسپرگ ازدواج کرد و زندگی‌اش را بین وین و مونیخ قسمت کرد.

الفریده یلی‌نک نویسنده محبوب، گوشه‌گیر و غیرعادی اتریشی که در آثار سیاسی‌اش با فضایی آمیخته با مسائل فیمینیستی خواندگانش را آشفته و مجذوب می‌کند امسال جایزه ادبی نوبل را از آن خود ساخت، وی در بیستم نوامبر ۱۹۴۶ در شهر Murzzuschlag واقع در ایالت استیزی اتریش به دنیا آمد. پدرش از یهودیان چک بود که در جریان جنگ جهانی دوم در بخش صنایع مهم استراتژیک سرگرم به کار بود و به همین دلیل نیز از تعقیب و شکنجه به دست نازی‌ها در امان ماند. مادرش از خانواده‌های موفق وین بود و الفریده در همین شهر بزرگ شد و به تحصیل پرداخت. در اوایل نوجوانی نواختن ارگ، فلوت و پیانو را آموخت و برای آموختن آهنگ‌سازی به کنسرواتور وین رفت. در سال ۱۹۶۴ برای تحصیل در رشته تئاتر و تاریخ هنر به دانشگاه وین رفت و در ضمن به مطالعات و تحصیلاتش در زمینه موسیقی ادامه داد. یلی‌نک سرودن شعر را از نوجوانی آغاز کرد و در بیست سالگی نخستین اثر ادبی‌اش را که مجموعه‌ای از شعرهایش بود با نام «سایه لیزا» در سال ۱۹۶۷ و اولین رمانش را به نام «ما طعمه‌ایم،

نمایش‌نامه یلی‌نک به مسائل خاورمیانه و به ویژه رفتارهای ناشایست ماموران آمریکایی با زندانیان عراقی در زندان ابوغریب، پرداخته است و در کنار آن تصویری از اوضاع نابسامان عراق به نمایش می‌گذارد و رفتار شورشیان فلوجه در عراق با خارجی‌ان را نیز زیر سؤال می‌برد.

برخی از آثار الفریده یلی‌نک که به زبان انگلیسی ترجمه شده است عبارتند از: زنان به مثابه معشوق، زمانه شگفت، لذت و معلم پیانو.

خانم الفریده یلی‌نک در طول سی و هفت سال فعالیت ادبی خود پیش از دریافت جایزه ادبی نوبل ۲۰۰۴ موفق به دریافت جایزه‌های ادبی و هنری متعدد دیگری نیز شده است. ■

(انسان، جهان و سیاست از دیدگاه یک فیمینیست) از: ضیاء‌الدین ترابی

نخستین نمایش‌نامه رادیویی یلی‌نک در سال ۱۹۷۴ با استقبال روبرو شد و بعد از آن تاکنون وی نمایش‌نامه و نمایش‌نامه‌های رادیویی بسیاری نوشته است و تازه‌ترین اثر نمایشی چاپ شده وی نمایش‌نامه‌ایست با نام «مرگ و دختر» که به نام «درام‌های پرنسس» معروف است و آخرین اثر ترجمه شده یلی‌نک به انگلیسی نمایش‌نامه‌ایست با نام «بامبی‌لند» که در سال ۲۰۰۳ چاپ و منتشر شده است و در سال میلادی (۲۰۰۴) به انگلیسی ترجمه شده است که در آن یلی‌نک تجاوز آمریکا به عراق را به شدت مورد حمله قرار داده است از سوی دیگر آخرین نمایش‌نامه «الفریده» نمایش‌نامه‌ای است با نام «بابل» که قرار است برای نخستین بار در سال ۲۰۰۶ به اجرا درآید. به طوری که از نام نمایش‌نامه پدداست در این



رحمن دلرحیم

## عبری پیام‌وزیم «با یادآوری القباوی عبری» بخش بیست و چهارم

### חֲכָמַת הָרֵב

## خردمندی پیشوای روحانی یهودی

لפני שנים רבות במוצאי יום הכפורים התחילו היהודים בעיר אחת לבנות את הסוכות. چندین سال پیش در شب خروج از کیبور (روزه بزرگ) در یکی از شهرها، یهودی‌ها شروع به ساختن سوکا (سایبان) کردند.

وکل ארבעת הימים שבין יום הכפורים וחג הסוכות היו כל היהודים עסוקים בבנין הסכות. و تمام چهار روز بین کیبور و عید سوکا را همه یهودی‌ها به ساخت سوکا مشغول بودند. ולא רק האנשים הגדולים היו עסוקים במצוה זו אפילו הילדים הקטנים עזרו להם בבנין הסכות. نه فقط افراد بزرگ به این فریضه مشغول شدند بلکه حتی اطفال در ساخت سوکا به ایشان کمک کردند. הילדים הלכו אל היער וקצצו ענפים שיהיה סךָ בשביל הסכות. بچه‌ها به جنگل رفته و شاخه‌های درخت برای پوشش سایبان بریدند.

וכאשר נגמרו הסכות קשטו אותן הילדים בתמונות שונות ותלו בכל סכה מיני פרות. و همین که ساخت سایبان تمام شد. بچه‌ها آنرا با تصاویر مختلف تزین کرده و انواع میوه‌ها در هر سوکا آویزان کردند. ביום הראשון של חג הסכות בא אל העיר ההיא שר המדינה הוא הלך ברחובות לקאות את העיר در روز اول عید سوکوت حاکم وقت برای دیدن شهر در خیابان‌ها عبور می‌کرد. כאשר עבר שר המדינה ברחובות היהודים ראה אצל כל בית עומד בית קטן.

همین که حاکم به خیابان یهودی‌ها رسید مشاهده کرد که در جلوی هر خانه، خانه‌ای کوچک قرار دارد. שאל את ראש העיר: "מה הם הבתים הקטנים האלה؟"

از شهردار پرسید: «این خانه‌های محقر چیست؟»

ענה ראש העיר: "אלה הן סכות שבנו להם היהודים."

شهردار جواب داد: «این سایبان‌های موقتی می‌باشد که یهودی‌ها برای خودشان ساخته‌اند.»

ענה שר המדינה בפעם: "מהר שלח לקרא לי את נב היהודים."

حاکم با عصبانیت دستور داد: فوراً کسی را بفرست تا پیشوای مذهبی یهودی‌ها را احضار کند.

שלח ראש העיר שוטר וקרא לרב. הרב בא עמד לפני ראש המדינה ואמר מה תפצת אדוני؟



شهردار پاسبانی را مأمور کرد و پیشوای مذهبی یهودی‌ها را احضار نمود. پیشوا به حضور حاکم حاضر شد و گفت: «آقایم چه می‌خواهید؟»

«مهر צנה אל היהודים שלך להרוס את הבתים הקטנים שלךם.»

«فوراً به یهودیانت دستور بده تا خانه‌های محقرتان را خراب کنند.»

آمر הרב: «אי אפשר להרוס את הבתים האלה ביום אחד תן לנו זמן של עשרה ימים.»

پیشوای مذهبی یهودی‌ها گفت: «خراب کردن این خانه‌های محقر در یک روز میسر نخواهد شد به ما ده روز مهلت بدهید.»

آمر שר המדינה: «טוב אני נותן לכם זמן של עשרה ימים להרוס את כל הבתים הקטנים שלךם!»

حاکم گفت: «بسیار خوب، من به شما ده روز فرصت می‌دهم که تمام این خانه‌های محقرتان را خراب کنید.»

וכן היה פעבר עשרה ימים עמדו היהודים והרסו את הספות שלהם פדת וכדין.

و همین‌طور شد در انقضای ده روز یهودیان مطابق اصول دین و آئین خود سایبان‌های خود را خراب نمودند.

## מלים חדשות - کلمات جدید

סָקָה	סוּכָה	سایبان - کیوسک	כַּעֲס	כַּעֲס	خشم - اوقات تلخی	אי אֶפְשָׁר	אי אֶפְשָׁר	غير ممکن
עָסוּק	עָסוּק	مشغول	עָנָף	עָנָף	شاخه - شعبه	מְדִינָה	מְדִינָה	کشور - ایالت
בְּנִין	בְּנִיָּין	ساختمان	סִבְיָה	סִבְיָה	تزیین - آرایش	שׁוֹטֵר	שׁוֹטֵר	پاسبان - مأمور
עֶזְרָה	עֶזְרָה	کمک	קִשּׁוּט	קִשּׁוּט	پوشش - سقف موقتی	רֹאשׁ הָעִיר	רֹאשׁ הָעִיר	شهردار
אֶפִּילוּ	אֶפִּילוּ	حتی	תְּמוּנָה	תְּמוּנָה	عكس - شکل	דִּין	דִּין	اتین - قانون - داری
יַעַר	יַעַר	جنگل	שָׂר	שָׂר	وزیر - حاکم	דָּת	דָּת	مذهب - دین
חֻכְמָה	חֻכְמָה	خردمندی، حکمت، عقل	הֶרְסוּ	הֶרְסוּ	خراب کردند			

## الفبای عبری به ترتیب عبارت است از:

א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ך	ל	מ	ם	נ	ן	ס
א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ך	ל	מ	ם	נ	ן	ס
ע	פ	פ	ף	צ	ץ	ק	ר	ש	ש	ת	י	י	י	י	י	י	י	י
ע	פ	פ	ף	צ	ץ	ק	ר	ש	ש	ת	י	י	י	י	י	י	י	י



## وعده ناتمام اسرائیل و موسیقی صلح در رام‌الله

نوشته: دانیل بارن بوم

موسیقیدانان جوان فلسطینی در اوایل ماه گذشته، تحت رهبری دانیل بارن بوم، رهبر ارکستر اسرائیل - آرژانتینی، کنسرتی را در رام‌الله اجرا کردند.<sup>۱</sup> چند روز بعد، دانیل بارن بوم، هنگام دریافت جایزه صلح بنیاد ولف در پارلمان اسرائیل اعلام کرد که این حرکت نمایانگر امیدهایی است که برای دست‌یابی به صلح وجود دارد. بارن بوم می‌گوید: در سال ۱۹۵۲، چهار سال بعد از اعلامیه استقلال اسرائیل، وقتی که من پسر بچه ۱۰ ساله‌ای بیش نبودم، همراه با خانواده‌ام از آرژانتین به اسرائیل آمدم. این اعلامیه هم چون مرجع اندیشه‌ای ما را بر آن می‌داشت که با اعتقاد به نظرات آن با فراغ خاطر از یهودی‌های معمولی به شهروندان اسرائیلی تبدیل شویم. این اعلامیه بیانگر یک تعهد بود: دولت اسرائیل کشور را در جهت منفعت همه ساکنان آن به جلو خواهد برد، این دولت بر اساس آموزش‌های اساسی پیامبر آن، یعنی آزادی، عدالت و صلح بنیان گذارده خواهد شد، او ضامن برابری کامل حقوق اجتماعی برای تمام شهروندان، مستقل از اعتقادات مذهبی آنها، نژاد و جنسیتشان خواهد بود، آزادی کامل اعتقادات، سنت‌ها، آموزش و فرهنگ توسط این دولت تضمین خواهد شد.

بنیان‌گذاران دولت اسرائیل که امضاءکنندگان اعلامیه استقلال نیز می‌باشند، متعهد شدند که در جهت صلح و همسایگی همراه با احترام به تمام دولت‌ها و خلق‌های گوناگون اسرائیل حرکت کنند!... امروز من همراه با تأسفی عمیق از خود می‌پرسم که آیا ما علی‌رغم تمام موفقیت‌هایمان، می‌توانیم چشم بر دره عمیق و غیرقابل‌تحمیلی ببندیم که تعهدات اعلام شده در بیانیه استقلال را، از واقعیت آن چه انجام گرفته، جدا می‌کند؟

دره عمیق مابین آرمان و واقعیت، این امر که ما سرزمین‌های یک خلق دیگر را اشغال کرده و او را تحت سلطه گرفته‌ایم، آیا با اعلامیه استقلال همخوانی دارد؟ آیا دست یافتن به استقلال خود با زیر پا گذاشتن حقوق اساسی دیگری، اساساً عملی است؟ آیا خلق یهود که تاروپود تاریخیش از زجر و آزار ممتد تنیده شده، می‌تواند به خود اجازه دهد که در مقابل حقوق پایمال شده و زجر یک خلق همسایه بی‌تفاوت باشد؟ آیا دولت اسرائیل حق دارد که به جای یافتن یک راه‌حل عملی و انسانی و برپایه عدالت اجتماعی به دنبال یک سودای غیرممکن ایدئولوژیک برای پایان دادن به تخاصم باشد؟ علی‌رغم تمام مشکلات ذهنی و عینی، من بر برآتم که آینده اسرائیل و جای آن در خانواده ملت‌های فرهیخته، بستگی به توان ما در تحقق بخشیدن به

تعهداتی دارد که بنیان‌گذاران آن، در اعلامیه استقلال آن را مشخص کرده‌اند. ارزیابی من همواره آن بوده است که نه از لحاظ استراتژیک و نه از لحاظ اخلاقی، یک راه حل نظامی برای درگیری عرب و یهود وجود ندارد، و اگر راه‌حل غیرنظامی تنها امکان است، من از خود می‌پرسم: پس ما منتظر چه هستیم؟ درست به همین دلیل بود که من به همراه دوست از دست رفته‌ام، ادوارد سعید، کارگاهی برای موسیقی‌دانان جوان یهودی و عرب کشورهای خاورمیانه درست کردیم.<sup>۲</sup> از آن جا که از سونی موسیقی به مثابه هنر، نمی‌تواند بر روی اصولش سازش کند، و از سوی دیگر سیاست، هنر سازش‌ناست، موسیقی می‌باید به یاری سیاست بشتابد تا او از محدودیت‌های شرایط وجودیش رها شده و به آن چه ناممکن می‌نماید، دست یابد.

موسیقی بنابر تعریف هنر خیال و رویاست. هنری که از بند محدودیت‌های کلامی آزاد است و عمیق‌ترین گوشه‌های هستی بشر را لمس می‌نماید. هنری که از تمام مرزها گذر می‌کند و از این روست که موسیقی می‌تواند احساسات و رویاهای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را به سوی قلمرونی جدید و غیرقابل تصور هدایت نماید. بدین سبب من تصمیم گرفته‌ام جایزه‌ام را به برنامه‌های آموزشی موسیقی در اسرائیل و رام‌الله هدیه کنم. ■

منبع: لوموند دیپلماتیک

<sup>۱</sup> - "A Maestro who fights Serpent a plumes, Paris, 3002. Parraye les Paradox, ke W.Said, David Barenboim, Haaretz 01 mai 4002.against loud nois and silence"

# بچه‌ها سلام بخوانیم

## دوست خوبم سلام،

نمی‌دانم الان که داری صدای من را می‌شنوی در چه حال هستی. شاید مشق‌هایت را ننوشته باشی. شاید داری تلویزیون می‌بینی، ممکن است در کنیسا باشی و شاید هم .... فاصله من نمی‌دانم تو الان کجایی و چه کار می‌کنی. من فقط دلم می‌خواهد که امروز با تو حرف بزنم، خودم را برایت معرفی کنم و بگویم چه کسی هستم. اما بگذار از همین اول کار در همین اولین روز دوستی‌مان یک قول از تو بگیرم. آره، تو هم به من قول بده که بعد از این که حرف‌های من را خواندی و با من آشنا شدی برایم نامه بنویسی و خودت را معرفی کنی، چون من خیلی خیلی دوست دارم که با تو دوست بشوم و بدانم تو کجا زندگی می‌کنی؟ چند ساعت است؟ چه درس‌هایی را دوست داری؟ در ضمن من در لابه‌لای نامه‌ام که تو الان آن را می‌خوانی، چند سؤال پرسیده‌ام که از تو برای جواب دادن به آنها کمک می‌خواهم. لطفا در نامه‌ای که برایم می‌نویسی جواب سؤال‌هایم را هم بده.

اسم من شارون است. من در کلاس چهارم ابتدایی درس می‌خوانم و من هم مثل تو در یک خانواده کلیمی به دنیا آمده‌ام. من هر روز صبح قبل از این که به مدرسه بروم با کمک پدرم برای چند دقیقه تغیرا می‌خوانم و بعد از آن پدرم به من کمک می‌کند که دعا کنم. در واقع من هر روز صبح قبل از رفتن به مدرسه، برای همه آدم‌ها و همین‌طور تو، دوست عزیزم، دعا می‌کنم من در مدرسه، دانش‌آموز شلوغی نیستم ولی بعضی وقت‌ها اگر حوصله‌ام سر برود سر کلاس، نقاشی می‌کشم. البته یک بار قائم معلممان از این کار من خیلی عصبانی شد و می‌خواست من را از کلاس بیرون کند. اما من قول دادم که دیگر این کار را نکنم. من زنگ‌های تفریح مدرسه را خیلی دوست دارم. نمی‌دانم تو هم مثل من در زنگ‌های تفریح بازی می‌کنی یا نه. اما من همیشه دلم می‌خواهد که زنگ‌های تفریح، طولانی‌تر باشد. من همیشه راه برگشت از مدرسه به خانه را با دوستم سپیده می‌آیم. ما همیشه در راه برگشت درباره درس‌ها و معلممان حرف می‌زنیم. هتما تو هم می‌دانی که آدم نباید وقتی یک نفر کنارش نیست درباره او حرف‌های بد بزند، اما از آنجایی که من همه چیز را به تو گفتم باید این را هم بگویم که ما بعضی وقت‌ها در راه برگشت، حرف‌های بدی درباره قائم معلممان می‌زنیم. کاش تو می‌توانستی به ما کمک کنی که درباره قائم معلممان همیشه حرف‌های خوب بزنیم. داشتم برایت می‌گفتم که ما با هم به خانه برمی‌گردیم. من همیشه قهوها قبل از غذا دست‌هایم را می‌شویم و برادر بزرگم، دعای شکرانه قبل و بعد از غذا را برای ما می‌خواند. راستی تو اسم این شکرانه را به زبان عبری بلد هستی.

بعد از غذا، من یا دوستم، سپیده به خانه هم می‌رویم و با هم درس می‌خوانیم و اشکال‌های درسی همدیگر را برطرف می‌کنیم. سپیده در درس ریاضی موفق است و من علوم را دوست دارم و به این ترتیب ما می‌توانیم حسابی با هم درس بخوانیم. قلب فکر می‌کنم که تو به اندازه کافی با من آشنا شده باشی، از این به بعد قرار است که من در هر شماره مجله بینا، درباره خودم در این صفحه یعنی بخش کودکان برای تو مطلب بنویسم. راستی قولی که به من داری که یادت نرفته؟ من منتظر نامه تو به همراه جواب سؤال‌هایم هستم.

شاگرد ممتاز - شهرزاد شریفی مراد  
کلاس اول ابتدایی



شاگرد بنجم ابتدایی  
کلاس پنجم ابتدایی



با سلام به دوستان خوبم در بخش کودکان بینا. نمی‌دانم امسال شما در جشن شاگرد اولی‌ها بودید؟ من و برادرم هم جزو شاگردهای ممتازی بودیم که در این جشن شرکت کردیم. به نظر من این جشن هر سال بهتر از سال قبل اجرا می‌شود و احساس خوبی به ما دست می‌دهد زیرا تهیه درس خواندن سال گذشته را می‌بینیم. وقتی که اسمم را صدا کردند که به بالای سن بروم و جایزه‌ام را بگیرم خیلی خوشحال شدم و در همان لحظه به خودم قول دادم که سال آینده هم خوب درس بخوانم تا بتوانم باز هم شاگرد اول بشوم و دوباره روی سن بیایم. هدیه‌های خیلی خوبی و قشنگی هم به ما دادند که متشکریم. ایتمن کلیمیان خیلی ممنونم که هر سال این جشن را برای ما می‌گیرید.

رایان اعدوت - کلاس چهارم دبستان



فابین مصری  
شاگرد ممتاز  
و پذیرفته شده در  
کانون المیاد ایران  
در سال ۱۳۸۳  
کلاس چهارم ابتدایی



معرفی کتاب

داستان پیامبران

در تورات، تلمود، انجیل و قرآن  
و بازتاب آن در ادبیات فارسی

۱۰۴۷ صفحه، قطع وزیری - از انتشارات روزنامه اطلاعات

داستان پیامبران

تورات، تلمود، انجیل و قرآن  
بازتاب آن در ادبیات فارسی

نمونه‌ای



تلمود

تلمود مجموعه‌ای بزرگ و مهم است که میراث پرمایه شریعت یهودی محسوب می‌شود. شکل‌گیری و تدوین آن مراحل دارد که بدون اطلاع از آن، درک درستی از اهمیت منحصر به فرد این کتاب به دست نخواهد آمد. از این روی به ذکر مختصری از تاریخچه آن می‌پردازیم. به عنوان مقدمه باید گفت که پس از تجزیه قلمرو حضرت سلیمان علیه‌السلام به دو بخش اسرائیل و یهودا، دیری نگذشت که سپاهیان آشور و بعدا بابل با هجومی گسترده و خون‌بار بر آن سرزمین دست یافتند و بسیاری از ساکنانش را به بابل و اطراف آن تبعید کردند. در این هنگام خطر عمده‌ای که رهبران بزرگ یهود احساس می‌کردند، جذب و تحلیل بنی‌اسرائیل در میان اقوام دیگر بود. اینجا بود که بزرگانی همچون حزقیال نبی و عزرا (عزیر) به ایفای نقش تاریخی خود پرداختند و یهودیت را از نابودی کامل نجات دادند. راه‌حل اساسی آنها بازگشت به تورات بود. برای یهودیانی که در غربت و اسارت به سر می‌بردند، تورات به معنی مجموعه‌ای از قوانین و رسوم مکتوب و منقول بود که از ادوار کهن و از زمان حضرت موسی علیه‌السلام بدیشان به ارث رسیده بود. آموزش تورات و پیروی از دستورهای آن مستلزم گرد آمدن

گفت: «پسری آورده‌ام و از بیم فرعون و کید وی، او را در تابوت پنهان می‌کنم». نجار برفت تا ذبائح را خبر دهد. چون خواست که سخن گوید، زبانش بسته شد، به دست اشارت می‌کرد، ذبائح نمی‌دانستند که چه می‌گوید، او را به در کردند. نجار به خانه باز شد، زبان وی نیک گشت. دیگر بار بازگشت تا ایشان را خبر دهد، رب‌العالمین زبان وی لال کرد و چشم وی نابینا، ایشان او را بزدند و بیرون کردند، گنگ و نابینا بیرون آمد، به راه در چاهی بود، در آن افتاد. بدانست که خدای را در آن سری است. نیت کرد که اگر به حال صحت و سلامت باز شود، آن حال بیوشد و مادر موسی را یاری دهد در حفظ موسی. رب‌العالمین صدق وی دانست، او را چشم روشن و زبان گویا باز داد، بیامد و ایمان آورد و از فرعون ایمان خویش پنهان کرد. اوست که رب‌العزه در قرآن او را مؤمن آل فرعون خواند- نام او جزیل- پس تابوتی ساخت به قد موسی و مادر موسی، موسی را در آن تابوت کرد و به رود نیل سپرد.

شیر ده ای مادر موسی ورا  
وندر آب افکن میندیش از بلا  
گر تو بر تمیز طفلت مولعی  
این زمان یا ام موسی، ارضعی  
(منثوی)

مادرش انداخت اندر رود نیل  
کار را بگذاشت با نعم الوکیل  
(منثوی)

مادر موسی چو موسی را به نیل  
درفکند از گفته رب جلیل ...  
(پروین)

داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی کتاب ارزشمندی که با دقت فراوان و از دیدگاه‌های مختلف داستان زندگانی پیامبران را به روایت‌های گوناگون نقل کرده است. آقای محمد لاریجانی نویسنده و جمع‌آوری کننده محترم این مجموعه سعی دارد خواننده را با زندگی روحانی و جسمانی پیامبران الهی آشنا سازد و فضای کتاب سراسر پندآموز است و پیامبران را به عنوان انسان‌هایی که رسالت راهنمایی و تعالی بشریت را از جانب خداوند به عهده گرفته‌اند معرفی می‌نماید.

البته روشن است که نویسنده مسلمان، آقای محمد لاریجانی با توجه به زمینه‌های اعتقادی خود به جمع‌آوری مطالب و استفاده از منابع اقدام کرده است ولی این شیوه کار به هیچ‌وجه اهمیت کتاب را کم نمی‌کند. نکته دیگر این که خواننده برای درک مطالب عنوان شده یا باید اطلاعات مقدماتی و اولیه از تاریخ ادیان و نظر مورخین و نویسندگان را داشته باشد و یا به منابعی در زیرنویس صفحات ذکر شده مراجعه نماید.

نویسنده محترم در دیباچه کتاب درباره منابع و مأخذهای مورد استفاده توضیحاتی داده است که شرح مربوط به تلمود از اهمیت ویژه برخوردار است. در این مختصر ابتدا مطلبی به نقل از کتاب کشف‌الاسرار در شرح حال حضرت موسی کلیم‌الله و سپس اشاره‌ای را که به کتاب تلمود در دیباچه کتاب آمده است نقل می‌کنیم.

\*\*\*

مادر موسی کس فرستاد به نجار- مردی  
مصری بود از کسان فرعون، و از وی تابوت  
خواست تا بخرد. نجار گفت: «تابوت را چه  
می‌کنی؟» کراهیت داشت که دروغ گوید،

یوحانان نپاچا ( ۱۹۹- ۲۷۹ م.)، رئیس دارالعلم طبریا، بود که وظیفه گردآوری بحث‌هایی را که درباره میشنا در مدارس فلسطین انجام می‌گرفت، آغاز کرد و دانشمندان دیگر دنباله کارش را گرفتند و توانستند بنای عظیمی را که او بنیاد نهاده بود، در پایان قرن چهارم میلادی به شکل نهایی درآورند. مجموعه «میشنا» همواره با تفسیری که همان «گمارا» باشد، به نام تلمود (به معنی تحصیل) که مخفف کلمات «تلمود تورات» است، خوانده می‌شود.

همزمان، همین عمل در بابل نیز انجام می‌گرفت. رابا اشه (۳۵۲-۴۲۷) سی سال صرف تألیف گمارای بابلی کرد و رابینا پس از مرگ او، کارش را ادامه داد و آن را در سال ۴۹۹ م. به پایان رسانید. با این همه هیچ یک از تلمودهای فلسطینی و بابلی شامل یک گمارای کامل نمی‌شود. تلمود فلسطینی درباره ۳۹ و تلمود بابلی درباره ۳۷ رساله از میشناست، ولی گمارای بابلی از حیث کمیت هفت تا هشت برابر گمارای فلسطینی است. گمارای فلسطینی به لهجه آرامی غربی نوشته شده و گمارای بابلی به لهجه آرامی شرقی است که بیشتر به زبان مندایی نزدیک است.

با شرحی که داده شد، واضح است که تلمود را نمی‌توان یک اثر ادبی یا دینی منظم به معنی دقیق کلمه خواند، ولی اگر آن را به صورت کلی در نظر بگیریم، انبوهی از مطالب و مواد نامتجانس و نامرتب است که عنوان ثبت‌کننده دقیق مذاکرات و مباحثات دارالعلم‌ها را به خود می‌گیرد. تلمود کلیه مطالبی را که در آن مدارس مورد بحث قرار می‌گرفت، در نهایت صداقت منعکس می‌سازد.

چاپ اولین نسخه کامل تلمود در سال ۱۵۲۰ در ونیز صورت گرفت که به دلایلی با واکنش شدید مسیحیان روبرو شد. این مجموعه به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی ترجمه شده که با شروع و تعلیقات آن به ۳۶ مجلد در قطع وزیری می‌رسد، اما متأسفانه با تمام اهمیتی که دارد، هنوز به فارسی ترجمه نشده و تنها گزارش‌گونه و خلاصه‌ای یک جلدی از آن که متعلق به سال‌ها پیش است، در دسترس پژوهشگران قرار دارد و از این رو استاد ما به تلمود در این تألیف، به ترجمه انگلیسی آن است که البته بعداً با متن اصلی تطبیق داده شده و در صفحات آتی به آن اشاره خواهیم کرد. ■

که تورات نامیده می‌شود و از آن جا که تا سال‌ها پس از عزرا همچنان فصولی بر آن افزوده می‌شد، احتمالاً در دیدگاه مورخان اسلامی به گونه‌ای که ذکر شد، منعکس گردید.

پس از تعیین رسمی تورات به عنوان مراجع اصلی و محور زندگی قوم یهود، اکنون نوبت تنظیم شریعت شفاهی (در مقابل شریعت کتبی) فرا رسیده بود. این بود که عزرا به تاسیس «کنست هگدولا» (Kenesset) یا «مجمع کبیر» همت گمارد (hagedolah) و آن عبارت از یک شورای دینی متشکل از معلمان و دانشمندان بود. آنها مجموعه احکام دینی را که از دوران موسی علیه‌السلام تا به روزگار ایشان باقی مانده بود، فرا گرفتند و آن را بنا به مقتضیات زمان خود توسعه دادند و سپس به پیشروان دانشمندان تلمودی منتقل کردند. این جریان طی قرن‌ها ادامه یافت تا این که ربی یهودا هناسی (۱۳۵-۲۱۹ یا ۲۲۰ م.) موفق شد مجموعه‌ای از احکام دینی تألیف کند که در سراسر مدارس فلسطین و بابل پذیرفته گردد و در نتیجه مجموعه‌های دیگری که علمای دوره‌های قبل برای مدارس خود تدوین کرده بودند، از رواج بیفتند. توفیق عظیم او تکمیل مجموعه احکام دینی یهود است که به نام میشنا (Mishnah) خوانده شده است. میشنا از ریشه «شانو» (shano) به معنی «تکرار کردن» است و به تعلیمات شفاهی یعنی آن چه به وسیله تکرار کردن می‌توان فرا گرفت، اشاره می‌کند و از این رو کلمه میشنا بر مجموعه احکام شرعی تورات منقول مستخرج از اسفار پنجگانه اطلاق می‌شود. میشنا در شش قسمت تنظیم شده است که آنها را سیداریم (جمع سیدر) می‌خوانند و هر سدر شامل تعدادی رساله است که جمع آنها شصت و سه رساله می‌شود.

در طی چند قرن بعد، تحصیل علم میان یهودیان غالباً عبارت بود از فرا گرفتن میشنا و تفسیرهایی که به تدریج گرد مطالب آن جمع شده بود. این تفسیرها را گمارا (Gemara) یا «تکمیل» می‌خوانند، زیرا گمارا در واقع کامل‌کننده میشنا محسوب می‌شود.

اگر چه علمای یهود غالباً مابین فلسطین و بابل تردد داشتند و موجب تبادل نظر بین دانشمندان این دو کشور می‌شدند، با وجود این دارالعلم‌های مختلف این دو مرکز تورات، پژوهش‌های خود را به طور مستقل انجام می‌دادند. برجسته‌ترین معلم فلسطین، ربی

مردم در جایی خاص بود، به همین روی کنیسه‌ها به وجود آمد. کنیسه یا به عبری «بیت هکنست» به معنی خانه و محل اجتماع است و آن، در واقع جایی بود که مردمانی دور از وطن جمع می‌شدند و متون مقدس را می‌خواندند و تفسیر می‌کردند. بعدها خواندن نماز نیز در آن معمول گردید و به صورت عبادتگاه درآمد. علاقه مردم برای مطالعه متون مقدس عبری و تمایلشان به فراگرفتن دانش، وجود دانشمندانی را که بتوانند وظیفه معلم را انجام دهند ناگزیر می‌ساخت. این معلمان را سوفریم (Sopherim) یا «کاتبان» (مفرد آن سوفر) می‌خواندند. البته نه به معنی آن که ایشان نویسنده و محرر بودند، بلکه به این عنوان آن که «مردان کتاب» به شمار می‌رفتند.

برجسته‌ترین شخصیت در میان این طبقه، عزرا بود که از او به عنوان «کاتب ماهر تورات» یاد کرده‌اند. او برای اجتناب از هضم یهودیان در اقوام دیگر، به این نتیجه رسید که باید آن چنان ایشان را در حلقه‌ای از نژاد و دین و ایمان محصور کند که نه تنها به سبب ایمان خود، بلکه به خاطر شیوه خاص زندگی‌شان که پیوسته در تمام جزئیات یادآور یهودی بودن آنهاست، از دیگر همسایگان متمایز باشند. برای این کار لازم بود که علمای یهود به مطالعه عمیق کتاب مقدس بپردازند تا بتوانند از عهده تفسیر دقیق مطالب و کشف ریزه‌کاری‌های استخراج احکام و شواهد برآیند. این نحوه استنتاج و تفسیر میدراش نامیده می‌شود، از ریشه دارش (Darash) به معنی تحقیق کردن و در جست‌وجوی چیزی بودن. به وسیله میدراش از یک جمله کتاب مقدس، بیش از آن چه به طور سطحی از آن استنباط می‌شود، معنی به دست می‌آید. اخبار مندرج در متون اسلامی حاکی از آن است که در این دوره تورات به کلی نابود یا مفقود شده بود و تنها همت عزرا (عزیر) بود که امکان تدوین و گردآوری مجدد آن را میسر گردانید، اما تاریخ یهود چنین چیزی را تایید نمی‌کند و تنها در حدی که گفته شد، برای عزرا نقش قائل می‌شود. هر چند که می‌توان به این نحو میان این دو خبر را جمع کرد که معمولاً در متون اسلامی مجموعه عهد عتیق را که دربرگیرنده سی و نه تا چهل و شش کتاب مستقل است، تورات می‌نامند، در حالی که در سنت یهود تنها اسفار پنجگانه حضرت موسی (علیه‌السلام) است



## پیشبرد گفت و گوی تمدن‌ها در گرو ثبات نظر است

آرش آبانی

حق را عادلانه در میان متفکران و شهروندان جهان توزیع می‌کند. آبانی تاکید کرد که «حاصل این اتفاق تعدیل نیروهای فکری و کاهش اثرات تلقینی بر اندیشه‌ها و رشد عدالت و آگاهی از واقعیات جهانی خواهد بود».

مشاور فرهنگی انجمن کلیمیان تهران اظهار داشت: گفت و گوی تمدن‌ها، مقوله‌ای تخصصی است که به اندازه تنوع زیرشاخه‌های عنوان «تمدن» تنوع دارد و نمی‌توان آن را مختص به طبقه‌ای ویژه کرد.

آبانی ادامه داد: به همان اندازه که ملت، دولت، روشنفکران، متدینان و دیگر گروه‌های صاحب‌نظر در مقولات فرهنگی و اجتماعی دخیل هستند با تسامح می‌توان آنها را با رعایت پیش‌شرط‌هایی در امر گفت و گوی تمدن‌ها نیز وارد کرد.

وی با بیان این که «گفت و گوی تمدن‌ها جایگزین شناخت تمدن‌ها شده و حاصل آن غیر از جنس گفت و گو خواهد بود»، توضیح داد: گفت و گوی فرهنگی - تمدنی آمادگی برای داد و ستد فرهنگی و عقیدتی است.

«گفت و گوی تمدن‌ها به معنای به میدان آوردن آن چه که در چنته فرهنگ و تمدن یک جامعه می‌باشد و محک زدن نقاط قوت و ضعف آن،

«آرش آبانی» مشاور فرهنگی انجمن کلیمیان تهران معتقد است پیشبرد نظریه گفت و گوی تمدن‌ها در گرو ایجاد ثبات‌نظر در مفاهیم اولیه فرهنگی، اجتماعی و حقوقی است.

وی در گفت و گو با خبرنگار سیاسی ایرنا گفت: دولت اصلاحات خاتمی با استفاده از امکان تبلور حرکت اصلاحی خود مهمترین نقش را در طرح ایده گفت و گوی تمدن‌ها و تحرک اولیه آن ایفا کرد و آیندگان از این اقدام به عنوان نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران یاد می‌کنند. آبانی، محصور شدن جوامع در چارچوب‌های جدایی‌طلبانه و نیست‌انگاری یا پوچ‌انگاری دیگر عقاید و فرهنگ‌ها را از مهم‌ترین عوامل استبداد، تعدی و عقب‌ماندگی اجتماعات ذکر کرد.

وی افزود: نفس گفت و گوی تمدن‌ها یا گفت‌وگویی ادیان، حقایق موجود در ورای دیوارها را نمایان می‌سازد و تعصب و تصلب فکری را خلع سلاح می‌کند. به اعتقاد این پژوهشگر و روزنامه‌نگار، گفت و گوی تمدن‌ها احترام متقابل به ارزش‌های ملل و جوامع را اگر چه در تضاد و تنافر با باورهای بومی باشند، جایگزین نفرت از بیگانگان ساخته و

زدودن زنگارها و پر کردن خلاءها با ارزش‌های متناسب دیگر فرهنگ‌ها و عرصه افتخارات تمدنی خود جهت بهره دیگران است».

آبانی تاکید کرد که چنین تعاملی، ضمن طلب دانش و شناخت متقابل در سطح عالی، نیازمند ظرفیت بالا و توان انعطاف‌پذیری عقیدتی بسیار قابل ملاحظه‌ای است که حتی اگر نگوئیم در جامعه بلکه باید در طبقه رهبران و نخبگان ایجاد شود.

آبانی، توجه جامعه ایرانی به سوی احترام متقابل به ارزش‌های ملل، خشتی کردن روحیه انجمادی، گسترش عدالت و آگاهی و توزیع عادلانه حق، تعدیل نگرش جهانیان به ایران انقلابی و ایجاد بستر مناسب برای حضور اقلیت‌های فکری و عقیدتی در جامعه اکثریت را از جمله دستاوردهای مهم طرح نظریه گفت و گوی تمدن‌ها به جای برخورد آنها دانست و توجه به معضلات اقلیت‌های دینی کشور را شاهدهی بر سخن خود عنوان کرد. ■



## اخبار و رویدادهای خارجی

### درگذشت یاسر عرفات رئیس دولت خودگردان فلسطین



یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و رئیس دولت خودگردان ۱۵ آبان‌ماه امسال در یکی از بیمارستان‌های پاریس درگذشت.

او در سال ۱۹۲۹ در شهر قاهره و یا به بعضی روایات در بیت‌المقدس به دنیا آمد. عرفات تمام مدت عمر خود را برای رسیدن مردم فلسطین به آزادی و حقوق خود مبارزه کرد. یاسر عرفات از اقدامات مسلحانه تا مذاکرات طولانی با مقامات دولت اسرائیل همه جا حضور داشت.

عرفات در ۱۳ نوامبر ۱۹۷۴ در مجمع عمومی سازمان ملل حضور یافت و ضمن اعلام شناسایی دولت اسرائیل، اظهار داشت «من به اینجا آمده‌ام در حالی که هم شاخه زیتون به دست دارم و هم سلاحی انقلابی، مگذارید شاخه زیتون از دستم فرو افتد».

در مرگ یاسر عرفات بسیاری از روسای دولت‌ها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی از جمله نهادها و شخصیت اجتماعی یهودیان جهان به مردم فلسطین تسلیت گفتند و مردم فلسطین در تشییع جنازه عرفات نظاره‌رانی عظیم را به نمایش گذاشتند.

رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران با حضور در محل سفارت فلسطین در تهران، دفتر یادبود مرگ یاسر عرفات را امضاء کرد و به ملت فلسطین تسلیت گفت.

\*\*\*

### برگزاری همایش بین‌المللی فرهنگ یهود در چین

همایش بین‌المللی فرهنگ یهود ۳۰ اوت تا دوم سپتامبر مطابق با ۹ شهریور ۸۳ در شهر «ها ریین» مرکز استان «خه لونگ جیانگ» چین تشکیل شد. برگزاری این همایش را مرکز مطالعات یهودیان آکادمی علوم اجتماعی استان «خه لونگ جیانگ»، انجمن یهودیان چینی ساکن در اسرائیل و انجمن دوستی چین و اسرائیل برعهده دارند. بنا به این گزارش، یکصد کارشناس تاریخ و فرهنگ از کشورهای چین، آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، و همچنین اسرائیل و دیپلمات‌های سفارت اسرائیل در پکن در این همایش شرکت خواهند کرد. شرکت‌کنندگان در طول این همایش درباره موضوعاتی چون روند مهاجرت یهودیان روسیه به چین و فعالیت‌های انجمن دوستی چین و اسرائیل بحث و تبادل نظر می‌کنند. شهر «هاریین» در سال‌های ۱۹۲۰ بزرگترین مرکز سکونت یهودیان در خاور دور به حساب آمده و بیش از ۲۰ هزار یهودی در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند.

شهر شانگهای در شرق چین نیز از دیگر مراکز مهم تجمع یهودیان به ویژه در طول جنگ جهانی دوم بوده است.

پگاه حوزه - مرداد - ۸۳

\*\*\*

### محراب عبادت در مراکز پلیس انگلیس

عدم حضور اقلیت‌های مذهبی در نیروی پلیس و وجود افکار نژادپرستانه در میان تعدادی از نیروهای پلیس، نگرانی مقامات دولتی را برای تکمیل کادر پلیس انگلیس به وجود آورده است. نیروی پلیس برای تهیه زمینه‌های تعامل با اقلیت‌های موجود در جامعه انگلیس، نیازمند به کارگیری نیروهایی با اعتقادات غیرمسیحی نظیر مسلمان، یهودی و بودایی است.

در همین راستا یک طرح ارائه شده در یکی از مراکز پلیس و (Sussex) محلی برای انجام مراسم عبادی گروه‌های دینی به همراه کتاب‌های دینی مربوطه «قرآن، تورات» دایر شده است، سخنگوی پلیس انگلیس با توضیح درباره این طرح گفت: در صورت موفقیت طرح مذکور، سایر مراکز پلیس در سراسر انگلیس، از این مراکز عبادی بهره‌مند خواهند شد.

آنان امیدوارند که با اجرای چنین طرحی، بتوانند نیروهای تازه‌نفس دیگری از اقلیت‌های مذهبی را برای خدمت در پلیس به کار گیرند، لازم به ذکر است که بعضی فرودگاه‌های اروپا نیز مکان‌هایی را برای انجام فرائض دینی مسافران ایجاد کرده‌اند.

پگاه حوزه - ۹ آبان ۱۳۸۳

## رادیوی عبری ایران،

### رسانه‌ای ملایم برای یهودیان

جمهوری اسلامی ایران ایستگاهی رادیویی به زبان عبری تأسیس کرده است که روزانه حدود یک ساعت و نیم برای عبری زبان‌ها برنامه پخش خواهد کرد.

این رادیو که کل داوید ۶۶۶ نامگذاری شده، از طریق اینترنت هم قابل دستیابی است. گزارشی که روزنامه راست‌گرای اسرائیلی جروزالم پست از راه‌اندازی این شبکه رادیویی منتشر کرده است از «لحن ملایم» رادیوی عبری‌زبان ایران در ادبیات ضداسرائیلی آن حکایت دارد. به نوشته جروزالم‌پست، رادیو «کل داوید» از به کار بردن اصطلاح «رژیم صهیونیستی» که در رسانه‌های رسمی داخلی ایران برای نام بردن از اسرائیل، مورد استفاده قرار می‌گیرد، اجتناب می‌کند و همان واژه اسرائیل را به کار می‌برد. در مطبوعات مستقل ایران استفاده از کلمه «اسرائیل» منع قانونی ندارد و تاکنون نیز هیچ نشریه‌ای به این دلیل مورد تعقیب قضایی قرار نگرفته است. به دلیل این سابقه، راه‌اندازی رادیوی عبری‌زبان ایران را می‌توان تغییری در نگاه مسئولان ایرانی به «پدیده» اسرائیل از صورت موجودیتی یکپارچه، به جامعه‌ای متنوع و متکثر تفسیر کرد. ظاهراً رادیو «کل داوید» در معرفی خود تأکید دارد که برنامه‌هایش برای فلسطین و آمریکا تهیه می‌شود اما از عبری بودن زبان برنامه چنین توجیهی بر نمی‌تابد، زیرا زبان فلسطینی‌ها عربی است و یهودیان آمریکا نیز به دلیل زندگی در جامعه انگلیسی‌زبان، نیاز خاصی به برنامه‌های عبری‌زبان ندارند. بنابراین مخاطبان «کل داوید» به جز یهودیان اسرائیل، کسان دیگری نمی‌توانند باشند.

دولت راست‌گرای آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل طی دو سال اخیر بارها دولت ایران را به تلاش برای نفوذ در جمعیت عرب اسرائیل، مشهور به اعراب اسرائیلی متهم کرده است. به ادعای شارون، ایران در پی برقراری ارتباط با اعراب اسرائیلی به منظور شوراندن آنها علیه «کشور یهودی» است.

هر بار که این اتهام مطرح شده، دولت ایران آن را رد کرده است، اما به فرض این که چنین اتهامی درست هم باشد، تأسیس ایستگاه رادیویی به زبان عبری نمی‌تواند از این نوع تلاش‌ها تلقی شود، زیرا بین جمعیت عبری اسرائیل، حزب یا گروهی نمی‌توان یافت که خواستار به هم زدن امنیت اسرائیل باشد.

شرق ۱۳۸۳/۱۰/۱۵

\*\*\*

## تسونامی زلزله‌ای در اعماق اقیانوس

روز ششم دی‌ماه سال جاری دریا لرزه‌ای (تسونامی) با قدرت تخریبی ۸/۹ ریشتر سواحل جنوب شرقی آسیا، اندونزی، تایلند، پنگلادش، سریلانکا، هندوستان، مالدیو، سومالی و جزایر اطراف را مورد هجوم بی‌امان موج‌های سهمگین دریا قرار داد. در این

فاجعه هولناک که بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر جان خود را از دست دادند ویرانی‌های فراوان به بار آمد و تقریباً تمام مناطق ساحلی و توریستی با امواج دریا درهم کوبیده شد



و تعداد زیادی از گردشگران خارجی طعمه طوفان دریایی شدند. این واقعه تأسف‌بار موجب شد جامعه جهانی به یک حرکت دسته‌جمعی برای کمک فرا خوانده شود، ولی شدت حادثه چنان بود که عده زیادی بعد از طوفان به علت نبود بهداشت، آب آشامیدنی و غذا جان سپردند و نابسامانی‌های ناشی از بی‌نظمی و فقر، حوادث ناگواری را بوجود آورد.

جامعه کلیمیان ایران با ابراز تأسف از این حادثه دردناک امیدوار است بتواند با کمک‌های خود موجب اندکی التیام دردهای دردمندان شود.

\*\*\*

## احیاء نشانه‌های یهودیت در افغانستان

در راستای تلاش محافل یهودی و صهیونیستی برای جلب مجامع بین‌المللی برای توجه به یهودیان، سازمان یونسکو وابسته به سازمان ملل قصد دارد تا یک کاروانسرای قدیمی مربوط به یهودیان در استان هرات افغانستان را مورد مرمت و احیاء قرار دهد. این بنا که متعلق به قرن هیجدهم میلادی است تنها اثر باقی مانده از اقوام یهودی در افغانستان است. سازمان یونسکو قصد دارد تا با مرمت این بنا آن را به یک موزه یهودی در افغانستان تبدیل کند. طبق گزارش تهیه شده توسط فرستاده ویژه این سازمان در ارتباط با میراث‌های فرهنگی افغانستان، هزینه اجرای طرح مذکور بین پانصد تا نهصد هزار دلار برآورد می‌شود. انجمن جهانی یهود با ابراز خوشحالی از رویکرد جدید یونسکو، توجه به موقعیت یهود در افغانستان را نشان از اهمیت موقعیت آنان به علت قرار گرفتن بر سر راه جاده ابریشم و اعمال نفوذ در منطقه استراتژیک فعلی می‌داند.

بویاکر گفت: امروز روز تاریخی تلقی می‌شود، چرا که فرصت استثنایی دست داده تا شکاف میان مسلمانان و یهودیان در فرانسه از میان برود. ما، مسلمانان و یهودیان فرزند حضرت ابراهیم (ع) هستیم و او پدر تمام انبیاء به شمار می‌رود.

کاکرمن گفت: مسلمانان و یهودیان فرانسه از پیشینه تاریخی برخوردار هستند بنابراین از مدت‌ها قبل انتظار می‌رفت جامعه تعاملی مسلمانان و یهودیان به وجود آید. تصورات غلط و جهل، از مواردی هستند که مسلمانان و یهودیان به خوبی به درک درستی از یکدیگر دست پیدا نمی‌کنند و این امر را می‌توان در میان همسایگان مسلمان و یهودی مشاهده کرد که حتی با یکدیگر صحبت نمی‌کنند. او افزود: تاسیس چنین جامعه‌ای به مبارزه علیه افزایش مخالفت با یهودیان کمک می‌کند. «مورس کوهن» رئیس شورای روحانیون پاریس اشاره کرد تقریباً نسل همه مسلمانان و یهودیان فرانسه به آفریقای شمالی باز می‌گردد. من در شهر تنجیر مراکش متولد شده‌ام و در آنجا دوستان مسلمان بسیاری داشتم. مسلمانان و یهودیان فرانسه از یک فرهنگ هستند. سناتور «باریزاخاری» از حزب سوسیالیست، خواستار پایان دادن به تمام اشکال نژادپرستی شدند.

روزنامه شرق - ۱۳/۹/۱۷

\*\*\*

## آزادی ادیان در اسلام

### از نگاه رهبر دینی شیعیان لبنان

آیت‌الله محمد حسین فضل‌الله رهبر دینی شیعیان لبنان در میزگرد هفتگی خود ضمن محکوم کردن بیانیه اخیر کنگره آمریکا در مورد آزادی‌های دینی در دنیا که در آن چند کشور اسلامی متهم به نقض آزادی‌های دینی و مذهبی شدند، تأکید کرد: اسلام نسبت به آزادی ادیان و مذاهب دیگر در حوزه حکومت اسلامی بسیار سفارش کرده است و این از مسلمات اسلام است.

به گزارش گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی رسا، این روحانی شیعی لبنان با بیان مطلب فوق تأکید کرد: اسلام جریان مذهبی و فکری مخالف را سرکوب نمی‌کند بلکه در چارچوب‌هایی خاص به آنها اجازه فعالیت می‌دهد و زمینه را برای فعالیت آزادانه در زمینه انجام مراسم عبادی و مذهبی و برگزاری جلسات فکری و عقیدتی در حکومت اسلامی فراهم کرده است.

وی به زمان رسول‌الله (ص) اشاره کرد و گفت: در زمان حضرت رسول، یهودیان، مسیحیان و دیگر ادیان به طور آزادانه در سایه حکومت اسلامی فعالیت می‌کردند و این منطبق اسلام است.

لازم به ذکر است که تا زمان جنگ جهانی دوم نزدیک به پنج هزار یهودی متعلق به ده قبیله افغان در مناطق مختلف افغانستان به ویژه هرات زندگی می‌کردند. بعد از تشکیل دولت غاصب اسرائیل و کوچ یهودیان به مناطق اشغالی فلسطین هم اکنون تنها ۲ خانواده یهودی در کابل زندگی می‌کنند.

پگاه حوزه - ۱۴ شهریور ۱۳۸۳

\*\*\*

## نشست مشترک مسلمانان و یهودیان فرانسه

چندی پیش نشستی با حضور نمایندگان جامعه مسلمانان و یهودیان فرانسه برگزار شد. در این نشست که تعدادی از رهبران جامعه یهودیان فرانسه (Crif) و نمایندگان اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه حضور داشتند، به بررسی مشکلات مشترک دو فرقه مذهبی جامعه فرانسه پرداخته شد. این اولین نشست از نوع خود بود که طرفین برای برقراری روابط و ایجاد صلح و آرامش فرقه‌ای اقدام می‌کنند. به گفته شرکت‌کنندگان، این اقدام، شروع فعالیت‌های جدی برای ائتلاف و یکپارچگی میان فعالیت‌های مسلمانان و یهودیان فرانسه است. نمایندگان مسلمانان در این نشست از یهودیان خواستند تا از ادامه متهم کردن مسلمانان به عملیات ضدیهودی دست بردارند و به واقعیت‌های موجود جامعه فرانسه بیشتر دقت کنند. متقابلاً یهودیان نیز از رهبران مسلمانان خواستند تا نظارت خود را بر ارائه مطالب توسط خطیبان مساجد فرانسه درخصوص یهودیت دقت بیشتری کنند. قبلاً نیز مجامع یهودی اروپا خواسته بودند تا مردم میان یهودیان و اسرائیل تفاوت قائل شوند. حاضران در این نشست اظهار امیدواری کردند که در آینده این نشست‌ها ادامه پیدا کند.

\*\*\*

## درخواست پایان دادن

### به تمام اشکال نژادپرستی در فرانسه

همایش تعامل مسلمانان و یهودیان در فرانسه برگزار شد.

دومین همایش «تعامل مسلمانان و یهودیان» با دعوت به برقراری یک جامعه تعاملی مسلمانان و یهودیان روز یکشنبه ۲۱ نوامبر ۲۰۰۴ در پاریس برگزار شد.

در این همایش که تحت عنوان «در راستای تعامل مسلمانان و یهودیان» برگزار شد، شخصیت‌های برجسته مسلمان و یهودی فرانسوی حضور داشتند. در میان این شخصیت‌ها می‌توان به رئیس مسجد بزرگ پاریس «دلیل بویاکر» و رئیس شورای نمایندگان موسسات یهودی در فرانسه «راجر کاکرمن» اشاره کرد.

وزیر آموزش عالی این کشور در مراسم افتتاح یکی از جلسات علمی مرکز گفتگوی تمدن‌ها اعلام کرد، به منظور گسترش دادن زمینه‌های حضور سایر ادیان الهی برای همگان و فراهم کردن زمینه‌های گسترش گفتگوی تمدن‌ها و ادیان الهی دیگر، از آغاز سال تحصیلی جدید تدریس تورات و انجیل در دانشکده‌های این کشور آغاز می‌شود. همانطوری که از دو سال قبل تا کنون تدریس زبان عبری به عنوان یکی از زبان‌های موجود و به صورت واحد اختیاری دانشگاهی در اختیار دانشجویان دو دانشکده سوسه و متوبه در این کشور آغاز شده است.

لازم به تذکر است که از سوی بعضی از اساتید، مخالفت‌هایی در این باره آغاز شده است و بر این عقیده‌اند که برای محکوم کردن اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل این کار باید تعطیل شود ولی بعضی از مسئولین آموزش و پرورش در کشور تونس با احداث مدرسه نوین به نام «مدرسه فردا» و با قرار دادن نظام آموزشی خاص و با هدف گسترش هویت عربی و اسلامی نسل جدید در تونس و زندگی مسالمت‌آمیز با قوم یهود در سرزمین‌های اشغالی به این مخالفت‌ها وقعی ننهادند.

پگاه حوزه - مرداد - ۱۳۸۳

\*\*\*

### تدریس تاریخ ادیان در مدارس روسیه

آندره فورسینکو، وزیر آموزش عمومی فدرال (وزارت آموزش) روسیه اعلام کرد: از سال درسی ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ میلادی برای نخستین بار تدریس ماده درسی «تاریخ ادیان» در مدارس دولتی روسیه آغاز خواهد شد. هدف از این ماده درسی که دانش‌آموزان را با چهار دین اصلی این کشور از جمله اسلام، آشنا خواهد کرد، «تعمیق ارتباط دانش‌آموزان با میهن» اعلام شده است.

به گفته فورسینکو، تماس دانش‌آموزان کلاس هفتم تا یازدهم (نیمه دوم مقطع راهنمایی تا نیمه اول مقطع متوسطه) باید به منظور آشنایی و کسب اطلاعات کافی درباره همه چهار دین اصلی کشور، (براساس میزان گستردگی آنها، مسیحیت، اسلام، یهودیت و بودایی) این ماده درسی را بگذرانند.

وی همچنین با بیان این که تاریخ ادیان در روسیه بخشی اساسی از تاریخ این کشور را تشکیل می‌دهد، تاکید کرد: این ماده درسی برای همه دانش‌آموزان اجباری است.

\*\*\*

فضل‌الله گفت: به تمام گروه‌ها و دولت‌های اسلامی که تحمل اندیشه و عقیده مخالف را ندارند، اعلام می‌کنم که عملی غیراسلامی و دینی انجام می‌دهید و اقدامات شما در سرکوب مذاهب و ادیان دیگر خلاف موازین اسلامی است.

این روحانی شیعی در لبنان افزود: تلاش برای سرکوب فکر و اندیشه مخالف آن اندیشه را از بین نمی‌برد بلکه باعث رشد و مطرح شدن آن می‌گردد از این رو در زمان کنونی که به عصر فن‌آوری اطلاعات و اینترنت معروف است، فکر مخالف و مذهب مغایر با مذهب اسلام را باید با فکر جواب داد و نه با زور و این روش اسلامی و متمدن است.

فضل‌الله گفت: اسلام گفت‌وگویی مسالمت‌آمیز و بدون هیاهو و غوغا را با یهود و مسیحیت تأیید کرده است و دشمنی‌های امروز اسلام با اسرائیلیان و آن دسته یهودیانی است که دست به جنایاتی هولناک و اقداماتی ظالمانه بر ضد مسلمانان و بشریت می‌زنند.

وی خاطر نشان کرد: امروزه آمریکا خود را دولت آزادی معرفی می‌کند در حالی که این دولت مستکبر حق ندارد خود را در این وادی وارد کند.

فضل‌الله گفت: دولتی که ادعای آزادی ادیان و مذاهب در کشور را دارد و از کشورهای اسلامی در محدود کردن پیروان برخی مذاهب و ادیان انتقاد می‌کند، چرا رژیم صهیونیستی را در فهرست دولت‌های ناقض آزادی به شمار نمی‌آورد که تا به حال سبب کشتار شخصیت‌ها و رهبران اسلامی متعددی در فلسطین و لبنان شده است.

وی گفت: این امریکاست که در کشور خودش، مسلمانان را تحت فشار قرار می‌دهد و آزادی‌های آنان را سلب می‌کند.

آیت‌الله فضل‌الله در پایان تأکید کرد: آمریکا هیچ حقی در اظهار نظر درباره آزادی‌های دینی و مذهبی در کشورهای دیگر ندارد بلکه باید خود را اصلاح کند و سپس به اصلاح دیگران بپردازد.

مشنهری ۲۳ مهرماه ۱۳۸۳

\*\*\*

### تدریس تورات و انجیل در دانشکده‌های علوم انسانی تونس

مرکز گفتگوی تمدن‌ها در تونس که به نام «کرسی بن علی الحوار الحضارات» نامگذاری شده است تدریس تورات و انجیل را از آغاز سال تحصیلی جدید (اکتبر ۲۰۰۴) در مدارس و دانشگاه‌های تونس به صورت یک واحد درسی در اختیار دانش‌آموزان و دانشجویان قرار داده است.



## عکس‌هایی از جشن



گل



لبخند

نور



۶۳۵ نفر از دانش‌جویان و دانش‌آموزان ممتاز یهودی سال ۱۳۸۳



# OFEGH BINA

Cultural, Social and News magazine of  
TEHRAN JEWISH COMMITTEE  
Vol. 5, No. 24, Jan 2005

# خنده

# و

# شادی



## در جشن دانش آموزان ممتاز یهودی سال ۸۳

